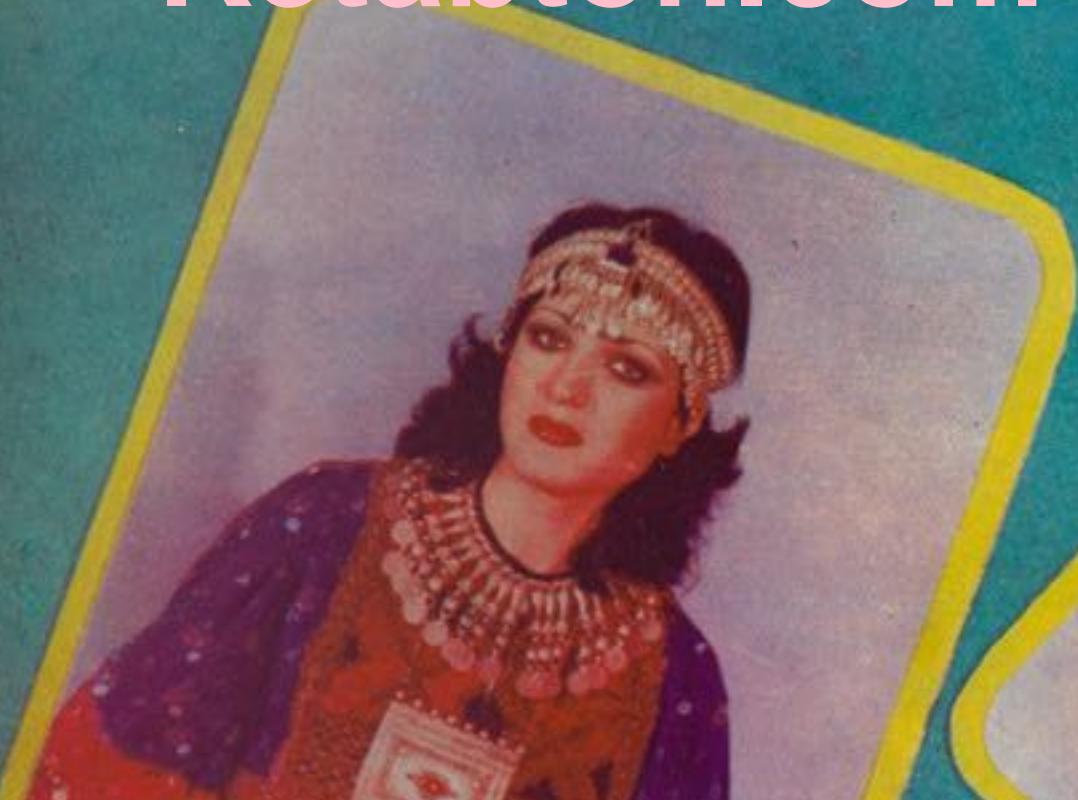




Ketabton.com





بیرک کارهمل منشی عمومی کمیته هرگزی حزب دهو گراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی پس از ادای نماز عید در قصر گلخانه مقبر شورای انقلابی رفته اشخاصی را که در نماز عید سعید اضخمی باشان شرکت داشتند پذیرفتند.



سعید اضخمی عنوانی بارگاه سران کشور و معاونین و اعضای شورای اسلامی و شورای اعلیٰ علماء و روحاً حانیون افغانستان و عنده از جنرال های اسلامی مقابله گردیده است.

از طرف بیرک کارهمل منشی عمومی کمیته

هرگزی حزب دهو گراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و صدر هیئت رئیسه شورای انقلابی و اعضای سلطنت انگلی کشته شد رئیس شورای وزیران از طرف بیرک کارهمل منشی عمومی کمیته هرگزی حزب دهو گراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی و اعضای شورای وزیران

جمهوری دهو گراتیک افغانستان تلکرام

تبریکیه بمناسبت سی و دوهی سالگرد تاسیس

مرکزی حزب، اعضای کمیته هرگزی حزب، معاونین شورای انقلابی و صدر هیئت رئیسه شورای انقلابی و اعضای شورای افغانستان و رئیس شورای وزیران افغانستان و رئیس ستاد محکمه اعضا کمیته ملی جبهه ملی پدر وطن، والی کابل، کابل بشاروال

بوده و مردم مسلمان هندین و آزاده های سرور فراوان از این ایام متبرک استقبال نمودند.

## افتخار و قایه

۱۶ میزان هصادف باروزاول عید سعید اضخمی بوده و مردم مسلمان هندین و آزاده های سرور فراوان از این ایام متبرک استقبال نمودند. بیرک کارهمل منشی عمومی کمیته هرگزی حزب دهو گراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دهو گراتیک افغانستان ساعت نهونیم صبح ۱۶ میزان نماز عید سعید اضخمی را در مسجد جامع مقبر شورای انقلابی بامداد قاری محمد علی خطیب مسجد ادا نموده و در پایان برای سعادت و رفاه مردم زحمتکش افغانستان عزیز و ترقی و تعالیٰ عزیز بیشتر کشور محظوظ ما و همچنان تمام جهان اسلام دنیا نمودند.

خبرنگار آزانس باخته گزارش میدهد که در ادای نماز عید سعید قربان با بیرک کارهمل دکتور صالح محمد زیری عضو پیروی سیاسی و منشی کمیته هرگزی حزب و رئیس کمیته ملی جبهه ملی پدر وطن، نوراحمد نور عضو پیروی سیاسی و منشی کمیته هرگزی حزب و معاون شورای انقلابی، سلطانعلی کشته شد عضو پیروی سیاسی کمیته هرگزی و رئیس شورای وزیران جمهوری دهو گراتیک افغانستان مایر اعضا پیروی سیاسی و منشی های کمیته از ادای نماز عید سعید اضخمی برای آبادی و شکوفانی افغانستان عزیز، رفاه و سعادت مردم مسلمان و حمایت کش افغانستان دعا مینهایند.



بیرک کارهمل منشی عمومی کمیته هرگزی حزب دهو گراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی پس از ادای نماز عید سعید اضخمی برای آبادی و شکوفانی افغانستان عزیز، رفاه و سعادت مردم مسلمان و حمایت کش افغانستان دعا مینهایند.

جمهوری دهو گراییک آلمان عنوانی ادیش هونیکر  
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست  
منعدہ آلمان وزیر شورای دولتی جمهوری  
دهو گراییک آلمان و یلن  
شوف رئیس شورای وزیران جمهوری دهو گراییک  
آلمان به برلین معاشره گردیده است .

• • •

داغستان دخلک دهو گراییک گوند ده گزی  
کمیته عمومی منشی او داغستان ده ده گراییک  
جمهوریت داغلابی شورا رئیس بیرون کارهله  
دیزان ۸ نیته هازیکر داسیا او افريقا دخلدا  
دیوستون دسازمان سکرتر جنرال نیروی  
عبدالرازاق داغلابی شورا به هنر کی دیزند  
گلوی کشن لپاره و مانه .

• • •

داغستان دخلک دهو گراییک گوند ده گزی  
کمیته عمومی منشی او داغلابی شورا رئیس  
بیرون کارهله دیزان ۸ نیته هازیکر به خلور بجو  
به کابل کی دلیسا دوگرنی کمیته دفترله  
منشی حسن البرکی سره داغلابی شورا به  
منه کی وکل .

• • •

سلطانعلی گشتمند عضو بیروی سیاسی  
کمیته مرکزی حزب دهو گراییک خلق افغانستان  
ستان وزیر شورای وزیران جمهوری دهو  
گراییک افغانستان صبح روز ۹ میزان وارد  
ولایت هرات گردید .

• • •

نوراحمد نور عضو بیروی سیاسی و منشی  
کمیته مرکزی حزب دهو گراییک خلق افغانستان  
و معافون شورای انقلابی قبل از ظهر ۹ میزان  
در جلسه کارهله کمیته مرکزی مسؤولین امور  
جوانان ، زونبا ، منشی ها و اعضای کمیته های  
شهر و ولایت کابل و منشی های نواحی شهر  
کابل سازمان دهو گراییک جوانان افغانستان  
که در کاخ مرکزی بیشان هنگان دایر شده بود  
انستراک نمود .

• • •

شمله و پکتون دا فنا نستان د  
خلک دهو گراییک گوند ده گزی کمیته دسیاسی  
بیرو دغه او داغستان دېخوددهو گراییک  
سازمان د رئیسی داکتری اناهیتا راتب زاد  
لغوا دیلان جوړولو ددولتی کمیته ترڅنګه دېټن  
به پری ګولو سره برانستل شو .



نور احمد نور عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی ح.د.خ. ۱۰ هنگام صحبت در جلسه کارهله کمیته مرکزی مسؤولین امور  
جوانان ، زونبا ، منشی ها و اعضای کمیته های ببر و ولایت کابل و منشی های نواحی شهر کابل سازمان دهو گراییک جوانان افغانستان .  
گلوی کشن لپاره و مانه .

• • •



سلطانعلی گشتمند رئیس شورای وزیران عنتمام بازدید از مسجد جامع شهر هرات .



دکتر اناهیتا راتب زاد دشنه و پکتون برانستلو و روسته دهنه و پکتون برهاشم و همراهانی گوی .  
(عکاسی باشتر)

صفحه

# پیک ټو ټو ټو

د د ا ب ن ا ش م ا د ه



دولت انقلابی ها بر آراء و نظریات نیک  
اردم ارج می گذارد .

• • •

دفعه های ناهاوس وطن برحق وزوال ونابودی  
دشمنان حتمی است .

• • •

هنر سر کس و امیر علی شیر نوائی

• • •

مثل وکانون در افغانستان .

• • •

من هم یک انسانم .

• • •

گردهم آینه های اختصاصی زوندون .

• • •

زور دوزی بخارانی .

• • •

دولت زمینه کار و فعالیت های زراعتی  
زاده کشور مساعد می‌سازد .

• • •

نوای و حافظه .

• • •

زندگی نامه و آثار رومن بولانسکی

• • •

هزاری بر کتاب شیر حمامه .

• • •

صحبت تولد نازه در مطبوعات .

• • •

دار عا و حیات حیرت آور شدن .

شرح روی جلد : سه نوعه لباس محلی که

آخر به نهایش گذاشته شده بود .

شرح پشتی چهارم : تابلوی نقاشی اسر

خلام علی امید .

«به تمام هموطنان شرافتمند و زحمتکش در عزیزی و گناه کشور که باشند و منجمله بهمه  
کسانی که بنا بر فریب دشمنان علیه مردم و انقلاب قرار گرفته اند ولی اکنون از اعمال  
خوبش پیشمان انداعلام میداریم که بخاطر صلح و آرامش سرتاسری در کشور بادولت دموکراتیک  
وعلی خود به همکاری و تشریک مساعی پردازند».

بیرون گاره

شنبه ۱۸ میزان ۱۳۶۰ - ۱۰ اکتوبر ۱۹۸۱

## عید سعید اضحی

در راه حق ، در راه وطن و در راه می کند . علما و دینی ، ملا و یان و  
امامان مساجد بدیده تکریم و احترام  
نگریسته می شوند و هیچگونه  
محدو دینی در جهت انجام مراسم  
دینی و مذهبی برای هموطنان  
مسلمان ما وجود ندارد ، مردم ما  
اکنون در مساجد فرایض بینجگانه  
را با آرائش رو حی و مصروف نیست  
کامل ادا می نمایند .

بر شماری همه این فاکت ها و  
حقایق از یکطری دلال بر آنست  
که حزب دموکراتیک خلق افغانستان  
و دولت جمهوری دموکراتیک  
افغانستان احترام عمیق به آینین  
قدس اسلام این آینین دیرین مردم  
رحمتکش ما داشته و عمل از آن  
حمایت می کند از سوی دیگر بی  
اسناس بودن ارا جیف ، برویا گندها  
و دروغ با فی های ارتجاع  
و امیریالیز و تمام دشمنان اسلام  
را در مورد دولت انقلابی مانع  
و بر ملامی سازد .

ما در حالیکه حلول عید سعید  
اضحی را به تمام هموطنان  
شرافتمند و مسلمان خود تبریک  
عرض می کنیم سعادت و خوشبختی  
رفا و آرای همه مسلمانان  
رحمتکش کشور را در بر تو ارزش  
های مرحله نوین انقلاب تور آرزو  
داشته بیرونی کامل آنها را برهمه  
در هر گوشه و کنار کشور اعماء دشمنان میمین خواهیم .

در دهم ذیحجه عید قربان یعنی جشن  
خرشی و شادی همه مسلمانان جهان  
بوده طی مراسم خاصی تو سه  
مسلمانان جهان تجلیل میگردد .  
عید سعید اضحی را در شرایطی  
برگزار می کنند که کشور ما به  
بیروزی های نوین انقلابی تو فیض  
یافته و در راه دفع و طرد تجاوز  
از اتحاد و امیریالیز موساخته  
جامعه شکوفان مبتنی بر عدالت  
اجتماعی کار و بیکار مینما پند و  
در برابر ارزشها و آرمانها  
مرحله نوین و تکاملی انقلاب  
تور آزادی کامل اجرای مراسم  
قدس اسلام این آینین دیرین مردم  
رحمتکش ما داشته و عمل از آن  
چنانچه دولت انقلابی ما بتاسی  
از اصول اساسی جمهوری دمو .

کرا تیک افغانستان که در آن رعایت  
حفظو احترام دین قدس اسلام  
تاكید شده است نه تنها از دیانت  
باک اسلام و عقاید دینی و مذهبی  
مردم مسلمان ما حمایت مینماید  
بلکه امکانات و تسهیلات فراوانی  
را جهت تحکیم هر چه بیشتر آن  
مهمی ساخته است .

امروز مردم ما عملایی بینند که

دولت انقلابی ما نه تنها تأسیسات

مذهبی را ترمیم ، حفظ و نگهداری

می نماید بلکه مساجد جدیدی را

در هر گوشه و کنار کشور اعماء

# PLAY

# دولت انقلابی مایه آراء و نظریات فیک مردم ارج میگذارد

بر معتقد می‌سازد که دولت انقلابی ها واقعاً  
ولئن است ملی و مردمی که در خدمت خلق  
وران ساز کشود قرار دارد و میان ایشان  
وابط محکم و ناگستنی ای وجود دارد و باعث  
گردد تا توده‌ها نیز در راه دفاع از  
دشمنی شاهزاده های انقلابی حزب‌بودولت،  
در روند منافع توده ها قرارداد از هیچگونه  
مالی «ساعی در بخش تورزنده و چون کوه استوار  
شتوانه حزب و دولت انقلابی خویش را تتمکیل  
مکنند و از سوی دیگر قانونی که مطابق به اتفاقات  
ظریبات و اندیشه های نیک عامه بوجود آید و  
بر تسویه و تصویب آن از ظریبات سایر  
حتمکشان بخصوص صاحب نظران و اهل  
جهزیه و دانش استفاده بعمل آید قانونی خواهد  
بود مطابق به شرایط زمان و برابر با خواست  
تباذ مندی های کشور و جامعه.

اکنون که در اثر توجهات بیبخواهانه حزب  
ردولت انقلابی مطرح قانون ارگان عالی محلی  
قدرت دولتی واداره در معرض بررسی و اظهار  
عقاید و نظریات مردم شریف گشود ها نوار  
داده شده است و دولت انقلابی مابهاراء ، عقا د  
و نظریات نیک مردمان زحمتکش گشود درامر  
بیجاد این قانون مورد نیاز گشود و جامعه ما  
ارج عظیم گذاشته است بر همه هموطنان ها ائم  
از گارگو ای ، دھقانان ، ماهوران و سایری اقوام

وطبقات مردم زحمتکش گشوار است تا برای  
اكمال و اتمام هر چه بهتر و زود تر آن از بدل  
مساعی دریغ نورزنند تا باشد که یزودی هرچه  
تمامتر این طرح دولت ملی و مترقبی مایه شکل  
یک قانون علمی و کامل‌خالی از نفس و عیب

در اینه در حده بوده های وسیع متریم  
زحمتکش گشور معبوب و دوست داشتنی ما  
افغانستان، آزاد، مستقل شکوفان و سر بلند  
قرار گیرد.

تیبان راستین هنفع توده های وسیع دردم  
مگئش کشود محسوب می شوند و در جهت  
فع آن ها کام برداشته از حمایت بیدرخ  
سان بر خوردار می باشند سمعی می نهایند  
در همه امور هر بیو ط به زندگی مردمان آزاده هی  
ر زمین مقدس ها از افکار و اندیشه های  
لای خود آن ها استفاده بعمل آیده  
ی عین اساس است که دولت علی و هترفلی  
ر شرایط حساس کتونی به طرح قانون ارگان  
ک محلی قدرت دولتی وارداده دست یابید  
ن رادر معرض برداشی ، ارزیابی و اظهار  
رو اندیشه های وطنان شریف ها قرار داده  
ست .

دولت علی و هترقی ما که در این خدمت به  
ملق نجیب گشور شریفانه تهدید سپرده است  
آراء و عقاید نیک کار گران ، دعفانان ،  
دوران پیشه وران وسایر افشار و طبقات  
زدم زحمتکش گشود صمیمانه ارج می گذارد و  
در شرایط گتونی که بحق میتوان آن را دوران  
شدو تکامل انقلاب علی و دو گرانیک تسود  
میکوشند تا توده های وسیع و ملیونی  
زدم زحمتکش هارا چیز اشتراک در مسائل  
امور مربوط به ترقی و تعالی گشور و جامعه  
طلب نماید .

ظاهر قانون ارگان های محلی قدرت دولتی  
اداره که جهت افکار نظر و ابراز عقاید و اندیشه  
ای مردم مابه تشریف رسیده است مطابق خوبی  
ز دو کراسی واقعی و آزادی بیان و عمل در  
شور انقلابی هاشمار می‌آید.

جرای آن می‌پرداختند بدون آنکه راجع به  
یت و موثریت آن در حیات اجتماعی و  
ادی توده‌ها بیندیشند و آن را از دید -  
هاو معیار عای علمی و تجربی هورد ارزیابی

قه قرار دهند .  
زی ! انقلاب آزادی بخش تور که برآرداش  
های وسیع مردم زحمتکش کشور مایه  
وزی انجامید و میهن وجاهه ما را وارد  
له نوینی از زنده گی خوش گردانید  
مه اینگونه ناسامانی ها ، خود سری ها  
طلق العنانی ها خاتمه بخشیده حاکمیت  
تکشان را در کشور تعقق بخشید و حزب  
گرانیک خلق افلا نستان که از میان  
دهای ملیوتی مردم عذاب دیده میهن ما  
خاسته است به نهایندگی از کار گران ،  
مانان ، بیشه وران و سایری زحمتکشان فدرت

بسی رادرگفت گرفت . بعد از پیروزی  
لاب ملی و دهو گرانیک تور و بخصوص  
حله نوین و نکاملی آن حزب دهو گرانیک  
ق افلا نستان «ش آهنگ طبقه ی کارگر  
مام زحمتکشان گتمور» دولت جمهوری دهو-  
اتیک افغانستان این ره آورد بی نظر انقلاب  
د بنابر داشتن خصایل پیشمار مردهی و  
ده بی خوبی هجدهانه سعی می ورزند تا بختان  
الیت هاو اعمالی دست یازند که مطابق  
تواست واردۀ توده ها بوده از حمایت و  
ستیبانی های وسیع ویدریغ آن ها برخوردار  
ند و بیوند های مستحکم را که میان حزب  
دولت انقلابی ها از آوان تاسیس حزب وایجاد  
نمودند .

سخن بر سر طرح قانون ارگان های محلی  
قدرت دولتی واداره است که به ابتکار دولت  
انقلابی مادر مرحله نوین و تکاملی انقلاب  
سکوهمند تور غرض پررسی و ارزیابی و اظهار  
نظر هموطنان مااز طریق رسانه های جمعی  
کشمر به نشر رسیده است .

کشور محبوب و باستانی ها تاریخ کپشی دارد  
و مردمان صلح جوو آزادی بسته این دیار  
پر افتخار در طول تکامل تاریخ کشور با فراز  
و نشیب عای افزایانی رو برو گشته اند.  
فیل از پیروزی القاب شکوهمند سور  
که دودمان جبار و ستمگر یعنی به بیر حمانه  
ترین شیوه بی بر مردم زحمتکش و عذاب دیده  
کشور هایداد هی نمود واپسیاه فقر ، خربت  
و بداد گری بر آسمان شفاف میهن دوست  
داشتندی ها چادر گشوده بود مردم هادر بدترین  
شرایطی از نگاه اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی  
اگر از حیات می نمودند مردم زحمتکش کشور  
هادر این دوره سیاه تاریخ کشور خویش از  
آزادی صرفا بنامی بر خورداد بودند و در عمل  
از هیچگونه استقلال و آزادی فکری ، اجتماعی  
اقتصادی و بیان در جامعه ما سرانگی نبود چه  
رسد بر آنکه دولت ها و حکومات مستبد و برسر  
اقدار وقت برآراء . عقاید و نظریات نیک مردمان  
زمینکش کشور در زمینه های گونا گون اجتماعی  
سیاسی و اقتصادی ارج هی گذاشتند و در موقعا  
فرسروت از آن استفاده بعمل می آورند .

زمامداران مستبد دوران قبل از پیروزی  
انقلاب نجات بخش تور که روشهای خایانه  
مطلق العنانی و بین تفاوتی و بین بندو باری رادر  
برابر افکار و آندهای عالی خلاق و دورانساز  
مردم‌زمتکش می‌بین مایشة همچگی خود ساخته  
بدند هر آنچه به ذرع خودان هایمقول هر نمود



عبدالقیم سرباز



ضیاء الله سرباز



محمد عظیم سرباز

با چند تن از این سر بازان وطن پرست مصاحبه‌ای به عمل آورده است که در ذیل بیشکش شما خوانند گان عزیز میگردد:

سهر گل یکتن از سر بازان جوان و حماسه آفرین بطریه سوم خفیف قطعه ۷۷ دافع هوا است که تحصیلاً تش را در رشته ریاضی تا درجه لیسانس در فاکولته علوم پو هنتون کا بن به اتمام رسانیده از مدت هشت ماه بین سو خدمت مقدس عسکری را در زیر

گرامی داشت.

در آغاز این محفل شکوهمند معاون سیاسی قطعه طی بیانیه مختصراً گفت: انقلاب نجات بخش تور برای رفاه و آرامی مردم زحمت کش کشور پیروز شده است و هدف حزب ما یعنی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجادیک زندگی آزاد و مرغه در کشور است. آن عایی که در کشور محبوب و دوست داشتنی مادست به ترورو آدم کشی، تخریب

بعد از پیر وزیر انقلاب آزادی بخش تور و انتقال قدرت سیاستی از ید جباران و ستمگران به توده‌های وسیع ملیونی مردم زحمتکش کشور و به نماینده گی از آن به حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ارتیاع، هژمونیزم و امپریالیزم جنگ اعلام ناشده ای را بر ضد مردم، وطن و انقلاب ما برآوردند که هرگز از نظر جها نیان پوشیده نیست ولی مردم زحمتکش کشور که در صفت اول آن اردوی قهرمان و حماسه ساز میمیزند قرار دارد بر همه مداخلات تجاوزات و اخلاقی‌های ارتیاعی،

هزمونیستی و امپریالیستی جواب های قاطع و دندان شکننی می‌دهند و از وطن مردم و انقلاب دوراً نسازند.

آری! عناصر ضد انقلاب که در بدل کندهار و دالر خود را به نوکران تمام عیار ارتیاع و امپریالیزم مبدل نموده اند و به منظور خدمت بباداران خویش می‌خواهند خسای آرام آزادو صلح آمیز این و یا آن گوشه و کنار میمین محبوب ما را بر همزده باعت اذیت و آزار مردمان زحمتکش کشور ما گردند همیشه از طرف گردان حماسه ساز اردوی انقلابی ما به شکست های افتضاح آمیز و زوال و نابودی کشانیده می‌شوند.

عفنه ایکه گذشت قوماً ندانی قطعه ۷۷ دافع هوا طی محفل شکوهمندی از پیروزی هایی که سر بازان بطریه سوم خفیف آن قطعه درولایت کندهار در مقابل اشرار این دشمنان بدندهاد شرف و آزادی مردمان زحمتکش کشور و غلامان حلقه پکوش ارتیاع و امپریالیزم نصیب شده بودند در محوطه قوماندانی بطریه سوم خفیف تقديری بعمل آورده مقدم آن عده از سر بازان جوان را که به ندانی دولت ملی و متفرقی خویش پاسخ مثبت ارائه داشته به اثر مصوبه اخیر شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغا نستان مبنی بر جلب و احضار قسمی سر بازان و خرد پنا بطریان قطعه به صفو قوای مسلح کشور شامل خدمت مقدس عسکری شده اند

## دفاع ما از داموس وطن

بل ها، مساجد، شفاخانه ها و درفش پر افتخار دولت جمهوری دیگر بناهای عام المنفعه می‌زند دموکراتیک افغانستان به پیش می‌برد.

او که تازه از سنگر نبرد داغ، گذشته را در کشور باز آورند که مسلمان نمی‌توانند به آرزوی شوم خود برسند. وی گفت: ارتیاع هژمونیزم و امپریالیزم برای برهم زدن فضای آرام و صلح آمیز میمین ما عناصر ضد انقلاب را با پشتارهایی از اسلحه و باروت مجهری می‌سازند برای کشتار بی رحمانه هموطنان مسلمان و انقلابی ما بدین دیار می‌خرستند که حقیقت این ادعا را مسلح های ساخت کشورهای ارتیاعی و امپریالیستی ای که از نزد عناصر ضد انقلاب بدست سر بازان و افسران شجاع کشور ما آمده است به اثبات می‌رساند.

در ختم این محفل شکوهمند معاون سیاسی قطعه یک یک جوره یوت‌های زمستانی اموال امدادی کشور دوست و برادران تحد شوروی را که از طرف قوماً ندانی قطعه برای سر بازانی که در ولایت قندهار در مقابل اشرار در امر مبارزه با ضد انقلاب از خود شجاعت و شهامت نشان داده اند تهیه شده بود به ایشان توزیع نمود که مورد پذیرش و تشکرات ایشان قرار گرفت. وی علاوه می‌کند! بعد از اینکه بخواست قوماً ندانی قطعه خویش جواب مثبت دادیم به ولایت کندهار رفتم و برای مدت بیست روز در مرکز کندهار بر ضد عناصر ضد انقلاب تور مبارزه نمودم و بعداً به ولسوالی کجکی رفتم بعد از گذشتا-

در ارتباط با قهرمانی ها و حماه سه سازی های این گردان یاسبان انقلاب آزادی بخش توزودست آورد های دوران ساز آن را پور تر مجله که سر انجام باعت

میهن و انقلاب ما براه انداخته  
شده است.



عبدالباقي سرباز

او میگوید : یکی از روز ها در  
شقا خانه کنده هار بودم ، پیر مردی  
رادیدم که سخت مجروح بودواشر از  
پلید با تبر به فرقش کوبیده بودند  
ومغز هایش بیرون آمده بود به  
شقا خانه یکصد و پنجاه بستر اردو  
آورده اند او که نه حزبی بود و نه در  
شعبات دولت کار میکرد علت مجروح  
شدنش را از جانب اشرار چنین  
حکایت نمود : در یکی از روز ها در  
خانه خود بودم اشرار بخانه ام حمله ور  
گردیدند و از من خواستند یا پول  
بدهم و یا در اجرای جنا یات با  
ایشان سهیم شوم . من که نه پول  
داشتم و نه می خواستم اعمال ضد  
انقلاب شکو همند نور را انجام بدhem  
به خواست آن ها جواب رد دادم و  
بدین علت مورد ضرب تبر واقع  
گشتم و از ناحیه سر زخم بزرگی  
بر داشتم که اینک آن را مشا هده  
می نمایید .



محمد اعظام سر باز

شکست آن ها گردیده تلفات زیادی را بر پیکر عناصر ضد انقلاب در آن محل بیار آورده ایم و پیروزی های چشمگیری را برایشان کسب نمودیم. سهیل گل سخنان خود را اینطور خاتمه بخشید، من بحیث بک حوان ورزیدند.

عقل و تحصیل کرده علاوه بر آن که در نبرد رویا روی با دشمنان انقلاب ثور رسالت تاریخی خود را به انجام رسا نیدم در امر تنویر اذهان توده هاو افشاری دسایس و پرویا گند های زهر آگین دشمنان شرف و آزادی مردمان کشور محبوب مان افغا نستان آزاد ، سر بلند و انقلابی نیز لحظه بی غافل نهنشسته در این راه نیز در حد توان انسانی خویش به برداشت قدم های بزرگی نایل آمدم ، پرو پا گند های بی بنیاد ارجاع و امیر یالیزم را در میان توده های مردم زحمتکش اخشاء ساختم

# بر حق وزوال و نابودی

تا مردم ها بر ماهیت ضد انسانی و خدمت مقدس عسکری گردد و عملاً ضد انقلابی دشمنان انقلاب ثور از دست آورد های انقلاب ثور و بدرستی بی ببرند و دیگر فریب مرحله نوین و تکاملی آن دفاع به درو غیر اگنی های آن ها را نخورند. عمل آورد . حبیب الرحمن سر باز دیگر بطریه او نیز در جمله سر بازانی بوده سوم حفیف قطعه ۷۷ دافع هوا که در برج قوس سال ۱۳۵۹ بخدمت مقدس عسکری شناخته است نیز یکی از سر بازانی است که جهت محظوظ سر کوب عناصر ضد انقلاب شکومه مند ثور بولايت کندهار رفته بود او

کشیف و شرم آور خود را در مقابل مردم زحمتکش افغانستان عریان بگذارند و به اعمال ضد انقلابی و ضد انسانی خود پیردادارند.



اسدالله سر باز

کثیف و شرم آور خود را در مقابل مردم زحمتکش افغا نستان عریان بگذارند و به اعمال ضد انقلابی و ضد انسانی خود پیردازند.

یکی از جوانان دیگری که مدت سه ماه در ردیف دیگر هم زمان خویش مردانه وار در مقابل دشمنان انقلاب نور مبارزه نموده است و از ناموسی وطن دفاع به عمل آورده است

عبدالعلیم نام دارد که تحصیلات عالی خود را بدرجه لیسا نسی در دار -  
المعلمین عالی روشنان به پایان رساند

نیده در جدی سال ۱۳۵۹ داخل خدمت مقدس عسکری گردیده است .

نیده در جدی سال ۱۳۵۹ داخل  
خدمت مقدس عسکری گردیده  
است.

یکی از جنایات عناصر ضد انقلاب را که در آن ولایت به چشم سر دیده است چنین حکایت می‌کند: دشمنان روزها یکتن از رفقاء سر باز ماصروف ادای نماز بود که اشرار پلید دردانه بالای ماحلمه و رگردیدندو بالای رفیقی که مصروف ادای نماز بود به انداخت آغاز نهادند و مافورا به موضع های خود داخل شدیم و به اسرع وقت یکتن از دشمنان انقلاب را که مانع ادای نماز سر باز دیگری میشد زخمی نموده دستگیر کردیم و به شفاخانه انتقال دادیم، زمانیکه به شفاخانه انتقال دادیم، زمانیکه از طرف اردوانی قهرمان و مردم انقلابی ما مواجهی گردند و این فقط تبلیغات زهر آگین و جنگ سردی بوده است که از طرف ضد انقلاب بر علیه مردم

در شرایط پیروزی انقلاب نوروز بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن نهایت عالی و برادرانه توصیف می‌دارد و طی پیامی از دیگر برادران جوان و هموطن خویش می‌خواهد تا برای دفاع از وطن، حاکمیت ملی تمامیت ارضی و نوامیس ملی خویش به صفو قوای مسلح قهرمان کشور به پیوندند و بر نیرو مندی اردوی قهرمان و حماسه ساز کشور به افزایند تا باشد هر چه زود تر بساط چرکین گماشتگان ارجاع و امپر - یالیزم از سراسر میهن ما بر چیده شود و صلح و آرامش کامل در همه اطراف و زوایای کشور حکمفر ما گردد.

محمد عظیم سرباز دیگری است که به قول خودش در سال ۱۳۵۴ در فرقه ۷ خدمت مقدس زیر بیرق را سپری نموده است و بخواست دولت انقلابی خود بار دیگر به صفو قوای مسلح کشور پیوسته است اولی گوید خدمت در صفو قوای مسلح در شرایط کنونی تا دوران حکمرانی رژیم های مستبد قبل از انقلاب نور از زمین تا آسمان تقاضت دارد در آن زمان مشکلات و مشقات بی شماری برای یکنفر سرباز وجود داشت ولی افزوی برای ماهیج مشکلی وجود ندارد از نظر مواد غذایی، محل خواب و استراحت اندکترین تکلیفی نداریم و همه دریک فضای کاملاً دوستانه و برادرانه بکار و بیکار انقلابی خود ادامه میدهیم و برای رسیدن به هدف واحدی مبارزه می‌نماییم.

محمد اعظم سرباز دیگری میگوید: اکنون که ما به تقاضای دولت ملی و مترقب خویش جواب مثبت ارانه داشته ایم و به صفو قوای مسلح قهرمان کشور پیوسته ایم دولت انقلابی بر ما نیز مساعدت های زیادی را ارزانی داشته است به طور مثال برای هریک سرباز ماهانه مبالغه هزار افغانی بر داخته می‌شود و در دوره خدمت یک ساله ما از امتیاز کوبون بر خورداری باشیم و از همین قبیل مساعدت های دیگر ...

ضیاء الله سرباز قطعه ۷۷ دفعه هوا که در سال ۱۳۵۷ از همین قطعه ترخیص اخذ نموده است و قبل از پیوشن اش به صفو قوای مسلح در ریاست تعاونی و تجاری دوستی کار می‌نمود در مورد مزایای مصوبه اخیر شورای و زیران جمهوری بقیه در صفحه ۵۱

دشمنان انقلاب نور باشد . جبران پذیر است . بر همه آنانی که فریب دشمنان را خورده اند لازم است تا هر چه زودتر به اشتباه خود پی ببرند و سلاح را بر زمین گذاشته خود را به دولت ملی و مترقب خویش تسلیم نمایند و همدوش دیگر برا دران هموطن خویش در امر اعمار جامعه - نوین و شکو فان در کشور سهیم شوند .

حال نوبت می‌رسد بچند تن از سربازان جوان دیگری که به ندای دولت جمهوری دمو کراتیک افغا - نستان جواب مثبت ارانه داشته اند و به اثر مصوبه شورای وزیران جمهوری دمو کراتیک افغا نستان مبنی بر جلب و احضار قسمی آن عده سربازان و خورده باطن قطعه به صفو قوای مسلح که تا قبل از ۳۰ میزان ۱۳۵۷ خدمت مقدس عسکری راسپری نموده و ترخیص ۱ خد تموده اند و سن شان از ۳۵ تجاوز نمی‌کنند، برای گذشتا ندن یک سال خدمت در زیر بیرق دولت جمهوری دمو کراتیک افغا نستان داوطلبانه ثبت نام نموده شامل خدمت شده اند .

عبدالله قسمی سرباز جوانی است که تازه به قطعه ۷۷ دفعه هوا شا مل خدمت شده است و نیرومند و بر - توان در سنگر دفاع از وطن، مردم و انقلاب شکوهمند نور قرار گرفته است .

او بعد از آنکه رویه و برخورد آمرین خود را در برابر سربازان

عبدالعلیم  
عبدالعلیم

۱۳۵۹ اوکه در برج دلو سال به خدمت مقدس عسکری شناخته است و اکنون نیز درستگر دفاع از وطن و دست آوردهای انقلاب شکو همند نور قوار دارد میگوید : راز موفقیت ما در ولایت کند هاریز اشرار در این بود که پاپان های ایشان را قبل از جامه عمل پوها نیدن آن کشف می‌نمودیم .

و قبل از آنکه اشرار توسط سلاح های مرگز ای خویش بر ما فهر کند ما آن را از بین می‌بردیم و بدین



سحر گل سرباز



حبیب الرحمن

ترتیب کسب پیروزی می‌نمودیم . از جانب دیگر علت پیروزی های اشرار این است که مبارزه ما مبارزه بر حق و عادلانه است و به

نفع توده ها و مردم زحمتکش، ولی آن ها بخاطر احیای منافع مشتی از اقلیت ناچیز و مفتخار جامعه و به نفع ارجاع و امپر یا لیزم می‌جنگند و به ترور و آدم کشی دست می‌زنند مگر توده های وسیع زحمتکش از ما پشتیبانی مینمایند و از اشرار نفرت داشته و دوری می‌جوینند.

وی در اخیر پیامش را به آنانیکه فریب تبلیغات دروغین دشمنان انقلاب نور را خورده اند و بر ضد دولت ملی و مردمی خویش قرار گرفته اند چنین ابراز می‌دارد ، فرار از خانه و کاشانه و قرار گرفتن بر ضد

دولت جمهوری دمو کراتیک افغا - نستان اگر به صورت شعوری و آگاهانه باشد گناهی است بسی بزرگ و نابخشودنی و اگر بر دفعه هوا ایفای وظیفه می‌نماید اسما اساس اشتباه و فریب تبلیغات

او میگوید: نظر بدر خواست قوماندانی قوا بطور آگاهانه و داوطلبانه به تاریخ اول سرطان سال جاری به ولایت کند هار رفت در آن جا در قطعه ۶۶ دفعه هوا مصروف خدمت بودم و به دشمن مجال این امر را نمی‌دادم که بر ما غلبه حاصل کند و عندها پرورد به ایشان جواب های دندان شکنی نیز می‌دادم . و یکی از جنایات نا بخشودنی اشرار این بود که بی رحمانه و بی شرمانه بالای شفا خانه که در آن ده ها مریض داخل بستر بود راکت انداخت نمودند و مو جبات حریق شفا خانه را مهیا ساختند که از آن این حادثه المناک خسا رات مالی ای زیادی بیار آمد ، این است نمونه بی از جنایات بیشتر ما نماین اشرار .

او به جواب این سوال که از نظر شما گروه های اشرار راچه کسانی تشکیل میدهند میگوید: گروه های اشرار را اکثر از دزدان، قطاع الطر - یقان، او باشان و راهز نان تشکیل میدهند که از علم و دانش برهه بی ندارند و ارجاع و امپر یالیزم از آن ها بحیث آله دست خویش کار می - کنند و با استفاده از عدم آگاهی و دانش آن ها، آنان را بر ضد انقلاب و مردم ما بر می خیزندتا به اعمال سبو تاثر کارانه ضد انسانی و ضد انقلابی بپردازند و بوطن و مردم ما خیانت و وزرند .

سرباز قهرمان دیگری که پیروزمندانه از ولایت کند هار بر گشته است و اکنون نیز بحیث سرباز در قطعه ۷۷ نستان اگر به صورت شعوری و آگاهانه باشد گناهی است بسی بزرگ و نابخشودنی و اگر بر دفعه هوا ایفای وظیفه می‌نماید اسما اساس اشتباه و فریب تبلیغات

های برگزیده چون امیر علیشیر نوازی باشد  
همبستگی در ساختمان یک جامعه شگوفان  
مجدانه تلاش میورزیدند به کمال و توجه آن  
مجدانه تلاش میورزیدند به کمال و توجه آن  
وزیر تامدار یک سر کس هنرمن نیز به نمایش  
های دلچسب و شفاف ، شهربیان هرات را در  
اوقات فراغت به تفریح ولدت تبریز معرفت  
میگرداند . تاجانیکه استاد تاریخی موجود  
است این نخستین سر کس هنرمن و گامبل در  
کشور هاست که از آن سراغ دارد .

ترکیب سر کس :

رهبر و رام کننده این سرکس بابا جمال  
بن باز نام داشت که از عراق به هرات آمده و  
هرگاه هاو نمایش های مختلف را با حیوانات  
دست آموز و رام شده عرضه مینمود ، علاوه  
بر آرکستر موسيقی حیوانات شامل سيرك  
عبارت بود از :

- شتری که بالای سه پایه بالا میشد .

عیمونی که سطرنج راما هرانه بازی میگرد

- بن کبوتری که معروف میگرفت .

- خری که زیبایی را درک میگرد .

سو بالا خردسرای راهیکه بول را دوست میداشت

شتری که بالای سه پایه نمایش میداد :

زین الدین محمود و اصفهانی در بنای الوقایع

چند دفعه راجع به این شتر صحبت کرده است :

درینک جای در باره شتر سر کس چنین گفته

است :-

شتری داشت بمقایسه عظیم حته و قوی عیکل

۰۰۰ و این شتر را آموخته بود که بر بالای

سه پایه ای برمی آمد و خلق عظیم برگرد معرفه

وی جمع می آمدند و تعجب می نمودند . (ص ۱۲۱)

امروز اگر از بینندگان تلویزیون پرسیده

شود که دلچسب ترین و مشغول کننده ترین

برنامه تلویزیون کدام است ؟

یقیناً اکثر شان خواهند گفت که : برنامه

ودر آهنگ بیانی و عربان عملی بسته بودو

اگر نه بخطاب اتفاقاً به زنجیر مجرمه محکم و

چون در سر کس و نمایش حیوانات نه تنبا

بینندگان از نظر تاریخی اتفاق میگردد بلکه به

استعداد انسان در جهت تربیت و رام گوشن

حیوانات و توفيق در تلاش برای و داشتن یک

حیوان به اجرای کارهای دشوار نیز بسیار

در دنیا امروز چنین نمایشات را در گشود

های پیشرفته مشاهده مینماییم اما باید بظاهر

اوریم که روز گاری ما خود رام کنندگان و

هترورانی داشته ایم که سر کس های باشکوه

را تنظیم و رهبری مینمودند ، البته این هر بوط

به غصري بود که گشود عزیز مادران خلابی

و درخشانی را میبیند . هردم ها ، در عصر درخشان

تیموری ، با برخورداری از رفاه همه جانبه

اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی ، باحیث

و تحسین و اشتیاق به تماسای سر کس میافتند

وازدین کارهای شگفتی اور حیونات رام

شده لذت میبرند و تفریح میگردند . ترین

دو ره بود که اشارگوناگون ، بر هر برخی شخصیت

میگرد و چشمک میزد که یعنی :

بقیه در صفحه ۵۱

شمس الدین طریف صدیقی

به مناسب دهه تحقیق بر امیر علیشیر نوازی و عصر وی .

## سر کس در زمان امیر علیشیر نوازی

### نخستین سرکس در گشودها:

امروز اگر از بینندگان تلویزیون پرسیده

شود که دلچسب ترین و مشغول کننده ترین

برنامه تلویزیون کدام است ؟

یقیناً اکثر شان خواهند گفت که : برنامه

سر کس حیوانات .

چون در سر کس و نمایش حیوانات نه تنبا

بینندگان از نظر تاریخی اتفاق میگردد بلکه به

استعداد انسان در جهت تربیت و رام گوشن

حیوانات و توفيق در تلاش برای و داشتن یک

حیوان به اجرای کارهای دشوار نیز بسیار

در دنیا امروز چنین نمایشات را در گشود

های پیشرفته مشاهده مینماییم اما باید بظاهر

اوریم که روز گاری ما خود رام کنندگان و

هترورانی داشته ایم که سر کس های باشکوه

را تنظیم و رهبری مینمودند ، البته این هر بوط

به غصري بود که گشود عزیز مادران خلابی

و درخشانی را میبیند . هردم ها ، در عصر درخشان

تیموری ، با برخورداری از رفاه همه جانبه

اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی ، باحیث

و تحسین و اشتیاق به تماسای سر کس میافتند

وازدین کارهای شگفتی اور حیونات رام

شده لذت میبرند و تفریح میگردند . ترین

دو ره بود که اشارگوناگون ، بر هر برخی شخصیت

میگرد و چشمک میزد که یعنی :

صفحه ۹

از : س . ر . ها شمیار

گفت و شنود هایی پیرا مو نسیمینا ر



صادق بیکار رئیس قصاید دولت  
به سوالات خبر نگار ما باشند گفت:



# طفل و قانون در افغانستان

مونو گراف و خلاهای احتمالی سه و نیم میلیون نفر شا مل مکتب بوده و متابقی آن یا در خارج منزل مصروف کار اند، یا بیکار می باشند و یا در حال ولکر دیزندگی میکنند که دوام این وضع فاجعه آمیز است، گروپ تعلیم و تربیه نیز شرایط شمول تعداد بیشتر اطفال درسین مکتب را مورد بررسی قرار داده و هم چنین پیرا مو ن مسایل تعلیم و تربیه، رفاه اجتماعی، صحت و کار مواردی تعییم مسایل دیگری در ارتبا طبی تعییم مطالعاً تی انجام داده که بعداً مورد بررسی عمیق تر قرار خواهد گرفت.

محمد صادق بیکار رئیس قضایا و حکومت وزارت عدالت که سمت ریاست تر هریک از مسایل چهار گانه را گروپ ارزیابی گیرند و قانون دارد در جواب به این نتایج کار خود را به جلسه عمومی سوال که وزارت عدالت جهت قانونی و حقوقی این موضوع را که در

شروع شده بخشنده که این مسایل کتو نی به خاطر موجود بودن شرایط کتو نی به این مسایل و تربیوی کودکان زمینه های وقا یه امراض ساری راچگونه به بررسی گرفته و چه در حدود بیش از چهل فیصد کودکان نار سیده به سن پنج سفار شاتی را در زمینه بودجه وجود آوری زمینه های قانونی برای بیبود زندگی طفل بیش از گردید، میگردید و در این سیمینار تدویر سیمینار را به آغاز گرفته و مونو گرافی را به

وزارت عدالت به منظور ترتیب آوردن که طرح آن

سیمینار طفل و قانون که اخیراً آن میباشد. رئیس پلان و وزارت تعلیم و تربیه در پاسخ به این پرسش که سیمینار بیشتر در چه مواردی به طرح مسایل مربوط به طفل می باشد گردید روزنه های تازه بی را در زمینه بیهود زندگی کودک در کشو رمانو یه میدهد خبرنگار هفتگی نامه ژوندون آکا هی بیشتر خوانندگان در این زمینه گفت و شنود شنود های کوتاهی را با برخی از روسا و اعضای گروپ های مختلف سیمینار به عمل آورده که اینک از نظر تان میگذرد:

سید نجات الله حسینی رئیس گروپ تعلیم و تربیه سیمینار طفل و قانون نخستین کسی است که با او به گفت و شنود نماینده یو نیسف در کابل حین نشمن او در این زمینه که چه انگیزه بی مو جب تدویر سیمینار گردید، میگوید:

وزارت عدالت به منظور ترا مین حقوق کودک در کشور و به وجود آوری زمینه های قانونی برای بیبود زندگی طفل بیش از آغاز گرفته و مونو گرافی را به ترتیب آورده بود که طرح آن ایجاد بررسی بیشتر را به وسیله ارگانها و وزارت های مختلف میکرد تا شرایط تطبیقی آن از دیدگاه های مختلف به اشاره شناس فیصله مجموع نفوس را نشان میدهد که در حدود شش میلیون نفوس کشور بین سن صفر تا چهارده ساله قرار دارند که چار بر اساس ماده بیست و ششم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان «خانواده، مادر و طفل تحت حمایه خاصی دولت قرار می شکیل میدهند که باید شاممل به ابتکار و وزارت عدالتی و مکاری اداره یو نیسف در کابل به تدویر دروس مکتب ابتدایی میبودند اما آمد ایشان این بیست و نه فیصله از مجموع و طفل تو جه خاصی مبذول می



سید نجات الله حسینی رئیس گروپ تعلیم و تربیه سیمینار طفل و قانون



عایشه امیر



راحله راسخ خرمی مدیر مجله ژوندو ن



دکتور ناجیه خرد عضو گروپ رفاه اجتماعی

صفه ۱۱

رهنمای خانواده که در گروپ صحبت شامل است در این زمینه که گروپ وی چه مواردی را زیر مطابعه گرفته و چه تو صیه هایی را به حکومت دارد، میگوید:

- گروپ صحبت با توجه به محتوى مواد بیست و چهارالی بیست و شش جز سخن پرا گنی و مقاوله خوانی اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که طفل، مادر و خانواده طبیقی کم داشته‌اند، سر نوشته سیمینار کتو نی از نظر شما چگونه بررسی میگردد؟

را به انجام آورد که بر اساس آن تو صیه حیاتی در زمینه های آن داده است نتایج این سیمینار به مقامات صلاحت دار گزارش می‌گردد تا جمیع طبیقی آن مورد تدبیه غذای متمم برای اطفال گسترده ساختن ساختمانات صحي و تغذیه، تدوین قانون عالم، اجرای واکسینا سیون علیه امراض ساری، تکمیل معاينات صحی اطفال قبل از شمول به مکتب جلوگیری از معتاد شدن اطفال

عمده ترین مسايلی را که در

زمینه رفاه اجتماعی اطفال به طرح

آمد میتوان در این موارد توجه به

اطفال منحرف، توجه به اطفال

فرزندی گرفتن اطفال، جلوگیری

معیوب فزیکی و روانی و توجه همه

جانبه به حال آنان، اطفال ناتوان

کیری از شکنجه اطفال، و تنظیم

از نگاه اقتصاد فا میلی، اطفالیکه

مادران آنها در بیرون از خانه

وظیفه دارند، اطفال یتیم و اطفالی

شد.

وی اضافه کرد:

- افغانستان متعهد به هدف سازمان صحي جهان در جمیع (صحبت برای همه) تاسال دو هزار باید کار کنند. و چگونگی استخدام آنان که در هر یک از از طریق سترا تیزی کمک های موارد گفته شده بررسی هایی او لیه صحي میباشد و این مشتمل صورت گرفته و توصیه هایی به حکومت داده خواهد شد. وی در یک مورد دیگر در پاسخ به این تشخیص قبلی و معا لجه امرا پن پرسش که شرايط کار برای اطفال نیاز مند چگونه و با چه تامین حفظ الصحوه هنا سب، ترویج ضروا بطي تعیین خواهد شد می گوید:

- باید قیودا تی وضع گردد که کار های خارج از توان کودکان به آنان سپرده نشود، هم چنین است.

راحله راسخ کار کان با توجه به توانایی های فزیکی شان تعیین مسؤول ژوندون و نماینده وزارت گردد و قیودی برای کار های شباهه اطلاعات و کلتور در سیمینار و کار های مضر صحبت برای اطفال طفل و قانون در پاسخ به پرسشی وضع گردد و هم چنین یک مرجع در این زمینه که او با شناخت و درگی مسؤول وارسی از این مسایل که از خصوصیت ها و ویژگی های تعیین گردد.

دکتور عایشه امیر رئیس انجمن طفول و ارتباط آن با قانون دارد

بقیه در صفحه ۲۸

دارد، از گانهای دولتی، سازمان های اجتماعی و مکاتب موظف اند در تربیه اطفال به خانواده ها کمک کنند.

برهمین اساس رخصتی سه ما هه ولادی بعد از انقلاب این قانون به تصویب حکومت رسید، هم چنین برای حمایت بیشتر مادران فیصله گردید که در صورت ضرورت مادران بعد از سپری شدن سه ماه رخصتی با معاشر و لادی میتوانند شش ماه نیز رخصتی بدون معاش داشته باشند. در این سیمینار نیز ضرورت های دیگری از این مانند برای مادران نیاز مند

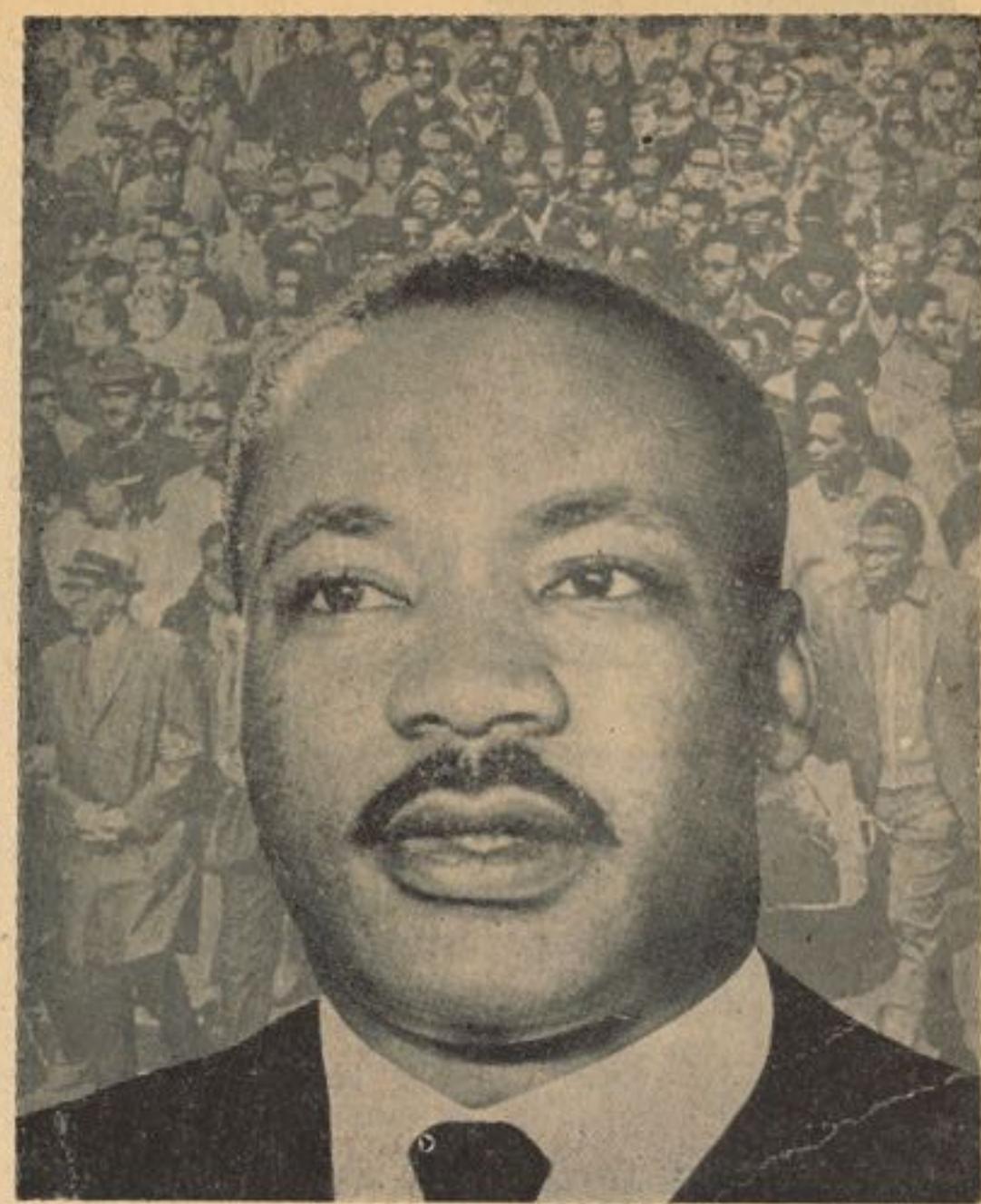
موردن بررسی قرار خواهد گرفت و به حکومت توصیه خواهد شد.

دکتور ناجیه خرد از گروپ رفاه اجتماعی در پاسخ به یک پرسش در زمینه مسایلی که در جمیع درده و شهر از یکسو وجود بودن زمینه های خرافی که به صورت افراطی در ده حاکم است از دیگر سو موجب میگردد که تطبیق مقرره هاو قوانین که در مجموع حمایت طفل و مادر را تضمین میکند در راستاها با مشکل روپرتو گردد، می گوید:

درست است اینها دشواری های اساسی است اما، مابه آن پیروز میگردیم و مشکلات را از میان بر میداریم چرا که صادقا نه و صمیما نه برای مردم کار می کنیم و هدف ما فریب توده ها نمیباشد در موردی که شما هم اشاره گردید ما میگوییم سازمان های رفاه اجتماعی احصائی را گسترش دهیم و هم چنین احصائی دقیق در موارد گو ناگون تبیه بداریم که وضع مارا در شرایط کتو نی مشخص کند و بعد علما خواهیم کوشید دشواریها را از میان برداریم.

رئیس قضایی حکومت در این مورد که سیمینار در زمینه از میان برداشت مشکل اطفال معیوب به چه فیصله های بی رسیده است میگوید:

شما درست میگوید در شرایط کتو نی هیچ مسویه بی در کشور ما وجود ندارد که مسوول نگهداری اطفال معیوب باشد به همین دلیل ما ایجاد سازمانی را که این مسوولیت را به عهده گیرد به دولت تو صیه میداریم و هم چنین در بی آنیم که برای معیوب بین شرعا یسط کار فراهم آید تا آنها خود را بار



مارتین لوتر کینگ

ترجمه قاسم سرفراز

# من هم یک انساندم

...

## مارتین لوتر کینگ را به سیاه‌ها

### چگو نه بقتل رسید؟

نهم اپریل ۱۹۶۸ روز تدفین داکتر کینگ شدند. کینگ آسمان نیو یارک صاف و آفتابی در سرویس شهری در جاده نمبر ۴۹ توقف نمود یک جوان یک متواں بود. دکاتها مسدود و بیرق‌ها به حالت نیمه افزایش در سیاه که با خود یک پایه رادیو ترا-انزیستور داشت به سرویس سوار شد. در جاده‌های خالی تاثر ملت امریکا

جمله «داکتر مارتین لوتر کینگ را به گوش جها نیان میرسانید» برعکس اشارت امروز به خاک سپرده شد. برش دوستی که کینگ به دفاع آن می‌خورد. لباس‌های سفید پوستان خواهد شد» از رادیو پخش گردید. کساییکه در کلیسا به دعا و نیایش برداخته بود برای همیش قابل احترام باشندیدن خبر را کبین سرویس ساکت برداخته بودند روحانی پیوستند. خواهد بود.

روز نامه‌های اروپا پی از جمله امریکا بر گزار گردید و سفید و سیاه پهلو به پهلوی هم بمارش می‌پرداختند.

وقتی مرا سم دعا پایان یافت زنگ کلیسای بزرگ نرمک نرمک به صدا آمد جوانان به آهستگی آهنتک «ما پیروز خواهیم شد» را زمزمه می‌گردند. ما تمزده گان ترانه مخصوصی «آزادی مدنی» را به یک صدا می‌خوانند، صدا در فضای کلیسا بزرگ سنگی مستولی می‌شد.

روز نامه پر تکالی نوشته در امریکا او ضاع عادی نیست اول کنیدی و به تعقیب او هار تین به قتل رسید.

یک روز نامه فرانسوی در بازه تائیرات قتل رهبر سیاست‌هایان بر جنبش حقوق مدنی اظهار نکرای نموده نوشته اگر بلو او شورش مستولی می‌گردد. اگر انقلاب سیاست‌هایان فلسفه عدم تشدد را کنار می‌گذارد در آنصورت چنین مفهوم خواهد شد که واقعه مفیس آغاز کار است.

روز نامه افریقای جنو بی اظهار عقیده نمود که روابط نزدیک در امریکا انسان را بله زه می‌اندازد این قتل ناگاهانه آنچه را که تا حال صورت پذیر گردیده برای یک دمه دیگر به عقب می‌اندازد.

جسد کینگ در کلیسا کوچک کالج اسپل من در اتلانتا قرار داشت. صفو طویل مردم برای ادای احترام از مقابل آن می‌گذشت وقتی چشم مردم به چهره بیرون داکتر می‌افتاد آنها به حقیقت قتل رهبر سیاست‌هایان متوجه و باین نتیجه میرسیدند که بعداز این صدای متنین و آرام وی که به مردم درس عدالت و محبت میداد بگوش کسی نخواهد رسید، بر خی گریه می‌گردند و به سرعت خارج می‌شوند دیگران لب می‌گزینند و دور می‌شوند.

دو شنبه شب تا بوت را به کلیسا (ای بی نیز) آورده و مقابله منبر کلیسا گذاشتند درین کلیسا که کینگ و پدرش بوعظ می‌پرداختند مراسم تدفین صورت می‌گرفت. مردم به تابوت نزدیک می‌شوند و بار هبر محبوب خویش خدا حافظی می‌کردن.

سیاه پوستان لباس کار و زنان لباس عزا پوشیده بودند در تمام طول شب زیر نور خیره چراغها کلیسا صفت بسته بودند. جوانان جاکت پوشیده بودند و بروی سینه

صدراعظم هند، داکتر کینگ را فرشته صلح خواند، اعضای پارلمان هند و همچنان پارلمان آلان‌فدرال و اسامبله ایالت چنیو نیز بخاطر بزرگداشت داکتر یک دقیقه سکوت اختیار گردند.

وزیر خارجه دنیا رک گفت داکتر هرگز فراموش نخواهد شد و قتلش مبارزات عدالت خواهی اورا پایان نخواهد داد.

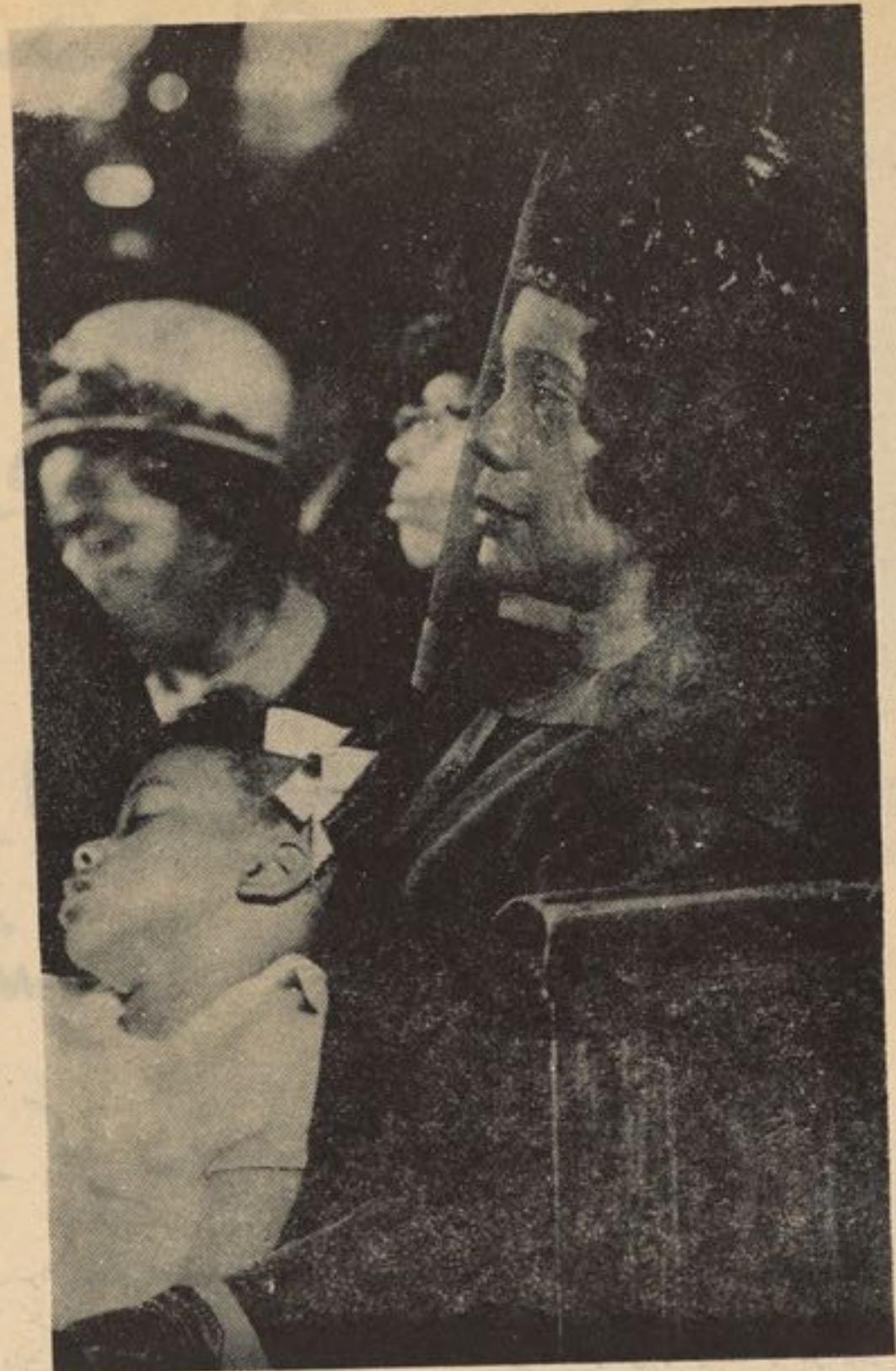
پاپ پال ششم گفت عدا لخواهی، آنها عبارت «سیاه زیباست» به چشم و بشر دوستی که کینگ به دفاع آن می‌خورد. لباس‌های سفید پوستان خواهد شد» از رادیو پخش گردید. کساییکه در کلیسا به دعا و نیایش برداخته بود برای همیش قابل احترام بود.

بعداز چاشت امروز به خاک سپرده شد. کساییکه در کلیسا به دعا و نیایش برداخته بودند روحانی پیوستند. خواهد بود.

ولی تعداد کم مردم از فعا لیت ها و اگون گذاشتند . و قتی همکاری ها یعنی بامار تین اطلاع داشتند . قتل شوهرش اورا بیشتر به مردم شنا ساند . ثبات و اعتماد به نفس او به همه قوت قلب داد . کورتیا برای آمادگی باین مصیبت وقت زیاد داشت . از شروع فعالیت کنگ هردو میدا نستند که این بلا بدون اختصار قبلی به سراغ آنها خواهد آمد . وقتی حادثه بوقوع اگون و جمعیت انبوه از کوچه عیشل به طرف مور هو س برآمد افتاد و قتی از کوچه (هن نز) محله نگرو نشین عبور می کردند آهنگ «فانوس کوچک من» را می خواندند . وقتی قاطرها از گولاپی که به صحن کالج ختم می شود گذشت . جمعیت مزدحم از هردو طرف به طرف جلو هجوم برداشت . قاطرها برای لحظه ایستادند را سرت و چپ را نگاه و گوشی های خود را پنهان ساختند . ولی اند کی بعد آرام گرفتند برآه در روز تغییر یعنی پنج روز بعد از قتل شوهرش کورتیا آسوده خاطر افتادند و به آرامی از در واژه به نظر میرسید . صبح همان روز زن ساعت ۳ بجع بعداز ظهر فریادو گریه در مورهوس شروع شد . جمعیت بسیار انبوه بود و باز ها زن دقتیه باهم صحبت کردند ، اند کی بعد هر دو برای سهم گرفتن در احتراز کنند ، قسمت زیاد پرو گرام مراسم تدفین کنگ از خانه خارج نسبت نبودن وقت کافی حذف شدند . وقتی هرا سم تدفین پایان یافت مارش کنندگان برای آخرین بار آهنگ «ما پیروز خواهیم شده» را خاطر آسو ده تمام این تشریفات را پشت سر گذاشت . وی که یک زن ملیح و بربار می باشد کنگ را در تمام فعالیت هایش یاری کرده بود

کورتیا بیوه کنگ به آرامی و خاطر آسو ده تمام این تشریفات را پشت سر گذاشت . وی که یک زن ملیح و بربار می باشد کنگ را در تمام فعالیت هایش یاری کرده بود

بقیه در صفحه ۴۴



وقتی کنگ از ترک نمودن رستوران سپید پوستان خود داری نمود پولیس اورا دستگیر کرد .



پاپ پال ششم با کنگ وابرنی (سال ۱۹۶۴) ملاقات و اتیکان داکتر کنگ بیانیه های در برگین شرقی و غربی ایراد نمود .

حوالی ساعت پنج صبح هنگامیکه معینه اخذ موقع کرده بود ، در بالای اولین اشعه زرین آفتاب بر روی سر آنها از ورای شیشه کلکین زنگ شکوفه ها بدرخشیدن آغاز کرد صد هانفر بحال ساکت د انتظار بودند ساعت ۳۰ را در حدود ۵۰۰۰ نفر کلیسا داخل می شد . بالای سر تا بوت مقابله عنبر یک صلیب که از گلها رنگارنگ ساخته شده بود قرار داشت . لنز تلویزیونی مراسم را در سر امریکا برای بیشتر از ۱۲۰ میلیون نفر بینده بخش می کرد . در مدخل کلیسا دو قاطر که به یک اگون سبز رنگ زراعتی بسته شده بود دیده می شد و اگون و قاطرها سمبول های غربت اند کنگ در صدد آن بود آنها را بر چیند و اگون تابوت را از کلیساتا کالج مورهوس انتقال میداد . کنگ درین کالج درس خوانده و از آن فارغ التحصیل گردیده بود . کلیسا از عطر گلها انباشته بود . گروه سرود مذهبی در جاهای تابوت را از کلیسا خارج کردند

# گردهم آیی های اختصاصی زوندون

## مسایل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی

### در پوته نقد و انتقاد و فرهنگ و هنر

#### راه های رشد در بازار وی تجارت ملی

##### در کشور

###### آیا تجارت ماد چار رکود شد است؟

دشوار بیهوده مشکلات تجارتی .

از جانب خود سپاس و شکر ات عمیق مردم میگردید و مسائل سیاسی و رابه وزارت تجارت و اعضا شرکت کنند اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ و هنر را در

جدل که دعوت زوندون را برای این کفت و بوته ری نکدو انتقاد میگذارد .

هدف ما از تدویر این جدل هایین است که شنود پذیر شدند هدیه میداریم .

رووف راصع : مسائل ارتباط جمعی ورمانه بتوانیم با بررسی مشکلات زندگی گروه های

های گروهی که در واقع باید آئینه راستین مردم و طرح آن باارگان های مسؤول . رابطه

میان سازمان های مسؤول عرضه خدمات

نمای رویداد ها و مسائل مورد علاقه جامعه باشد

اجتماعی و مردم را استحکام بخشم و یا به

ویل رابطه میان مردم وارگان های عبده دار

توزیع خدمات اجتماعی ، زمانی میتوانند دور

اعتهد خواسته ، شنووند و بینند واقع گردند

بروز مشکلات طرق و شیوه های عملی رفع

آنرا نیز به کاوش گیریم که در همین سلسله

گردهم آیی های ما بپردازی مسائل مختلف

در ارتباط با زندگی مردم و دشواری های همگانی

از نتایج سودمند بر خوردار بوده است .

مسایل هربوت به تجارت ورکود احتمالی

آن که عده بی را براین باور داشته است

از نظر مایه عنوان یک مساله دشواری همگانی

نیست و آنچه هارا واداشت این جمل را در

برآگش را بیشه خود گرداند هرگز هوردقیبل

برآنده گردهم آیی های خود پذیریم این است

که نیجه یک تجارت ناسالم و دچار رکود و

باور مردم قرار نمیگیرد و آنچه که میگوید و با

بعران گشته به همان بیمانه در به وجود آوری

بینویسد چون بی در اتفاق قرار دادن است .

ناهنجاری عای اقتصادی و تأثیر در اقتصاد

همه خانواده های کشور با جنین بینش است

خانواده و جامعه دارد که باروزی و شکوفایی

که در گردهم آیی عاو گفت و شنود های آن در رفاه اقتصادی همگانی .

طرح و تنظیم : رووف راصع

حکم : راحله راسخ خرم

دراین جمل :

۱- انجیر محمد عزیز رئیس عمومی ارزاق

۲- مهر چند ورما رئیس عمومی اتفاقیات تجارت

۳- انجیر شاهین رئیس افغان کارت

۴- انجیر امر احمد لمر رئیس عمومی مواد غذایی و شکر

۵- انجیر مسکین مل دلیس اکتشاف زراعت

راحله راسخ خرم : تجارت به گونه هایی کشور روپرور است . به این جهت زمینه بخت شده و بر اساس پلاتکاری های علمی و متفرق داشتند که از سوی باشند و متفاوت شکایات ، انتقادات و پیشنهاد های دست که منافع توده های میلیونی در آن در نظر بگیرند که این در جلسه اند کار تجارت ملی و سرمایه گذاران افرادی در رشد زیر بنای اقتصادی کشور و در جلسه اند کار تجارت ملی و سرمایه گذاران افرادی و جدب اسعار خارجی نقش عمده و والا بین دارد . باارگان ها و مقام های مسؤول و وزارت تجارت به همانگونه که روابط و ضوابط کمپرادری و گردد و از سوی دیگر سیاست کنونی تجارتی و گردد تجارت وارداتی و صادراتی در جلسه گشود بیشتر به شناخت آید و آگاهی عالی نهضت طلبی بورزوایی ملی . گشود بیشتر به شناخت آید و آگاهی عالی نهضت تباہ گن در رشد و اکتشاف سرمایه های در زمینه به شاکیان داده شود .

ایلوارم این جمل زوندون نیز همچون جمل هفتگی نامه زوندون که از حدتی است با عای دیگر در گردهم آیی های این مجله مفید تقاضا های مکرر عده بی از سرمایه گذاران و با ارزش تلقی گردد و سر آغازی باشد برای و تجارت ملی افرادی برای دایر گردن یاک گردهم آیی های وسیع ترویجه جانبه تر و بررسی کامل تر بمنتظر راه حل یابی های در رفع گردهم آیی و جمل بپردازی مسائل تجارتی کامل تر بمنتظر راه حل یابی های در رفع

شرط انتقالی و در این شمار عدم مصوّب نیت ترانسپورتی و خرابکاری جلو گیری گردد.

وینچ آنکه: تا هنوز هم نو عی هایی که در همین زمینه برای آتش زدن موتو هاو حمله های مسلح نه روابط استثمار گرانه میان مولدهای صنایع دستی و تجاری و موسسات صادر کننده آن وجود دارد با یعنی صورت می گیرد و از سوی دیگر تبلیغات و پروپاگندهای روز افزون معنی که رنجبران وزحمتکشان تولید رسانه های گروهی امپریالیستی یا لیستی در باره افغانستان.

اما رکود در امور توریستی هرگز موجب آن نشده است که بازار یابی برای کالاهای توریستی افغانستان متوجه گردد و یاد چار رکود گردد چنان که برای حفظ بازارهای فروش و بالا روح حجم صدور کالاهای توریستی و بازار یابی تازه در مارکیت های جهانی فعالیت های کستردی بی از ما نشده گشایش داشته و دارد و در این رده اگر بخواهید شواهد مستند فراوا نی وجود دارد که می توانید آنرا در گرامی نامه خود به نشر رسانید.

مورد دومی که شما اشاره کرآن شدید در این زمینه است که گویا نحوه برخورد ارگانهای رسمی تجارتی با تجارت انفرادی به گونه ایست که آنان ساحه محدودی برای فعالیت تجارتی دارند و سرمهای های شان را که میمانند و از دوران همیشگی باز میمانند در حالیکه واقعیت غیر از این است و شواهد برای تایید ادعای من فراوان. تایشن از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب تور تجارتی وطن برست نیز ها نند همه اقسام و طبقات دیگر زیر فشارهای فراوان قرار داشتند تاجا ییکه حتی ملکیت و سرمهای های شان نیز بر پایه اتهامات بی یا به مورد تجاوز و ضبط قرار می گرفت ولی با پیروزی مرحله نوین انقلاب و با پیروزی از محظوظی مواد هجدو و بیست و یک اصول اساسی نه تنها اموالی که به صورت غیر قانونی ضبط شده بود و پس به صاحبان آنها مسترد گردید بلکه برای حمایت از سرمهای گذاران ملی خصوصی اقدامات زیادی به تطبیق آمد که مواردی از آن را بر می شمارم:

لطفاً ورق بزنید

مطا لعه آید و با راههای عملی ازان و پینچ آنکه: تا هنوز هم نو عی هایی که در همین زمینه برای آتش زدن موتو هاو حمله های مسلح نه روابط استثمار گرانه میان مولدهای صنایع دستی و تجاری و موسسات صادر کننده آن وجود دارد با یعنی صورت می گیرد و از سوی دیگر تبلیغات و پروپاگندهای روز افزون معنی که رنجبران وزحمتکشان تولید رسانه های گروهی امپریالیستی یا لیستی در باره افغانستان.

اما رکود در امور توریستی هرگز موجب آن نشده است که بازار یابی برای کالاهای توریستی افغانستان متوجه گردد و یاد چار رکود گردد چنان که برای حفظ بازارهای فروش و بالا روح حجم صدور کالاهای توریستی و بازار یابی تازه در مارکیت های جهانی فعالیت های کستردی بی از ما نشده گشایش داشته و دارد و در این رده اگر بخواهید شواهد مستند فراوا نی وجود دارد که می توانید آنرا در گرامی نامه خود به نشر رسانید.

اینک تو بت سخن را به شما می دهم.

#### رئیس عمومی اتاق های تجارت:

با منتظر از وزیر نامه زوندون که زمینه این گفت و شنود را فراهم آورده است به پاسخ شمایاد آورمی گردم که وزارت تجارت برای اکتشاف امور تجارتی کشور به دوران اندازی مشتبه هر چه بیشتر سکتور سرمایه گذاری های خصوصی، افزایش حجم صادرات کشور، توریزد اجتناب و مواد مصرفی طرف ضرورت های او لی مردم، تابت نکهدا شتن قیم در مارکیت های داخلی و دیگر اهداف رشد و باروری تجارت ملی اقدامات وسیع داشته و بعد از پیروزی مرحله نوین و تکاملی انقلاب تور ساحه این گونه فعالیت های بسط و وسعت بیشتر یافته و بر اساس هدایات مواد هجدو و بیست و یک اصول اساسی جمهوری دمو-

کراتیک افغانستان سرمهای گذاری های سکتور خصوصی را در جهت ملی مورد حمایت و پشتیبانی عمیق قرار داده است.

شما در صحبت خود به ضرورت اکتشاف توریزم و تجارت توریستیک اشاره کردید، با شما کاملاً موافقم، ولی در نظر داشته باشیم که آنچه اکنون موج گا هش حجم تعداد ورود توریست به افغانستان می باشد از یکسو مربوط می گردد به



گوشیه از میز گرد ژوندون پیرامون چگونگی وضع تجارت در کشور

مسایلی را که در این جدل به طرح می آید به مرور دچار ناهماعنگی گردد و از تعداد میتوان در این موارد خلاصه ساخت:

دو دیگر آنکه:

یک آنکه: یکی از راههای جلب اسعار عده بیشتر این باورند که به بیمانه وسیع اکتشاف توریزم در کشور است، اکتشاف توریزم نه تبا میتواند ده ها میلیون دالر را سالانه به عاید کشور بخواهد وزیر بنای اقتصادی هارا تقویت کند، بلکه داد این بیشتر مشمول سرمایه هایی میگردد که در صادرات لباس های افغانی دوران داشته باشد که تکه برخی از دست اندر کاران خارجی حجم بجز از افرادی تا بیش از پنجاه فیصد کاهش داشته و سیزده میلیون افغانی به مردمان اکتسور های دیگر نخشن اساسی دارد، از دیگر سو اکتشاف توریزم در رشد صنایع دستی نایبر عدههایی به جای گذشته و سبب میگردد که هزاران خانوارهای این صنایع در انسکال بومی و محلی بتوانند بازار فروش دایمی برای تولید های خود بدست آورده و چرخ زندگان را این راه بگردانند و به رفاه نسبی اقتصادی ناصل گرددند.

باتوجه به اینکه شرایط خاص انتقالی و اعمال خرابکارانه عمال فدائیانه موج برگردان در توریزم کشود شده است وزارت تجارت باید از طریق تقویت امپوریم هادر مارکیت عای جهانی و به گمک آتشه های تجارتی مادر کشور های خارجی برای کالاهای افغانی صنایع دستی به حدی بازار یابی کند که جریان کمیاب توریست ورگردان توریزم را دد کشور باوراند، اما این گونه فعالیت ها اندک به نظر می آید و به باور گروهی بیم آمیزد که بازار های فروش صنایع دستی کشور در خارج دارد که باید عوامل آن بدرسستی به

وارقام و اعداد واقعیت هایه بیان سال ۱۳۶۰ با سال ۱۳۵۹ تزیید مقداری سیزده فیصد و ارزشی شانزده فیصد را نشان میدهد.

برای ثابت نگهداری قیم در همارکیت های داخلی توجه فراوانی به عمل صادرات در همین مدت سال ۱۳۶۰ آمده که اجتناس و مواد او لیه مورد نیاز همگانی بیش از گذشته و به ۳۸ فیصد را نشان میدهد. اندازه بی تورید گردد که عرضه فراوان روی تقاضا اثر نیک گذاردو ترنکا هی میا ندازیم: ارزش صادرات میوه تازه در سال ۵۹ معادل (۳۳۹۰۰۰) دالرو در همین مدت سال ۱۳۶۰ (۸۶۰۰۰) دالر است میوه خشک در سه ماه اول سال ۵۹ بیش از ۴۵ هزار دالروهم زمان با آن در سال شصت به بیش از شصت و شش هزار دالر افزایش فیصد را نشان می دهد.

مجموع صادرات ربیع او ل سال شانزده فیصد را نشان میدهد.

برای ثابت نگهداری قیم در همارکیت های داخلی توجه فراوانی به عمل صادرات در همین مدت سال ۱۳۶۰ آمده که اجتناس و مواد او لیه مورد نیاز همگانی بیش از گذشته و به

موفق گردند چنانکه ارقام مقایسوی آید.

میعاد جواز نامه و فرا هم آوری تسهیلات بیشتر در امور جوازنامه

به آن معطوف می دارم.

مجموع مبلغ پرو فورمه هادرسال

۱۳۵۸ به موجب اسناد عبارت است ۱۸۶۰۲۷۸۵۶۱ دالر که این رقم در سال ۱۳۵۹ به (۳۳۲۰۸۶۴۶۴) دالر بالارفته و رقم افزایشی (۱۴۶۰۵۸۰۶۸) دالر یعنی تزیید (۷۸) فیصد را در سال ۱۳۵۹ نشان میدهد.

حق التبت در تمام اقلام وبا لخصوص

اموال مورد ضرورت او لیه مردم،

اجازه تورید تلویزیون برای تجار،

تخفیف اخذ حق الانحصار از پشم،

فراهرم آوری تسهیلات فراوان در،

کفته های رئیس عمومی اتاق های

تجارت و برای اینکه نشان دهیم که

نه تنها تجارت در کشور ما د چار

ازابن گو نه اقدامات است درجهت

حمله ایت و پشتیبانی از تجار ملی.

هم چنان بیش از مرحله توین

وتکاملی انقلاب نور طرز العمل اخذ

محصول اموال توریدی و بار تری

چنان بود که محصول پرویت و

ملحظه اصل اسناد سنجش و اجرا

می گردید و اغلب چنان میشد که

استاد اصلی نظر به ورود اموال در

بنادر مدتی مغفل نمیتوانست

صادرات تاجر در صورتی میتوانست

اموال خوش را بر ویت کا پی

اسناد از گمرک محصول و خارج

نماید که علاوه بر تادیه محصول

حقیقی مال وارد مبلغ را نیز به

طور تضمین نزد گمرک به اما نت

گذارد، در این شکل اجرا علاوه از

آنکه تجارت دچار رکود می گردید و

سر مایه های هنگفتی از دوران

تجارتی باز می ماند، مشکلات عمده

بی نیز برای تجار کم سرمایه بار می

آورد که چون توان تحمل آنرا از

نظر کمی سرمایه دورانی خود

نداشتند موجب میگردید که نسبت

به امور تجارتی بد بین گشته و حتی

بیشتر تجارت را ترک گویند، به

این دلایل و بادرک این مشکلات برای

حمایت تاجران کم سرمایه و تشویق

آنان به فعالیت بیشتر در امور تجارتی

چنین تجویز گرفته شد که اجرات

محصولی در این زمینه به استناد

کاپی استناد و بدون گذاشتن اما نت

صورت گیرد.

این همه اقدامات که همه در مجموع

به منظور حمایت از تجار ملی به

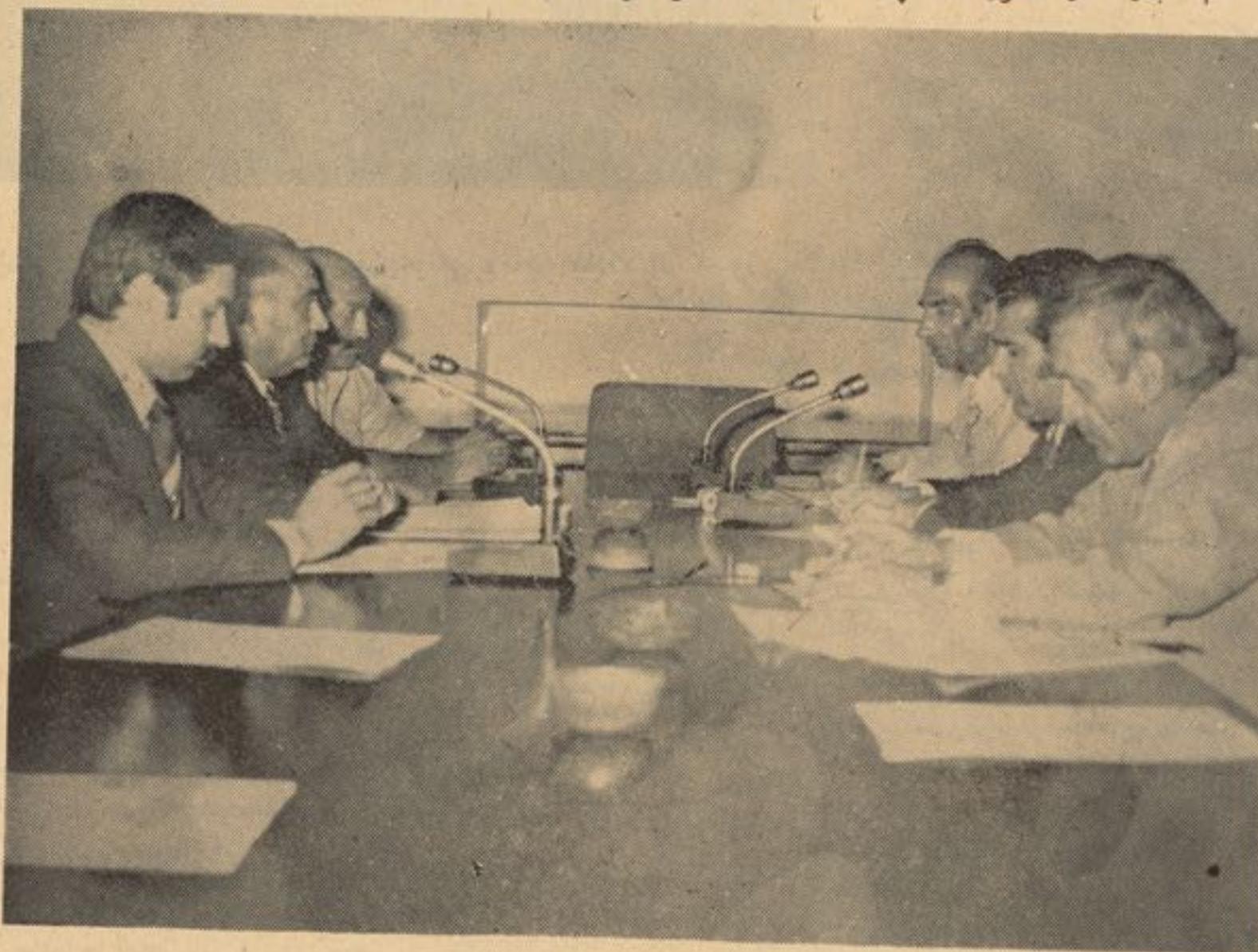
تطبیق آمد ساده فعالیت سکتور

خصوصی را افزایش بسیار داده و

تجار ملی توانستند با استفاده از این

زمینه سازی های دوران پیش از بیش

سرمایه های خود در امور تجارتی



گوشه بی از امیز گرد ژوندون که پیرامون مسائل تجارتی کشور دایر گردیده بود.

این افزایش در مورد چای سبز و یافته است همچنین صادرات پشم به صورت مجموع در ربیع او ل سال ۵۹ میاه در همین مدت شامل هشتادو معادل (۱۱۱) هزار دالر و در همین مدت سال شصت بیش از یکهزار دو صد و شش فیصد افزایش از صابون باب یکصد و هفتاد صادرات پخته در ربیع او ل سال و سه فیصد از مواد نفتی هجده صادرات پخته در صادرات و واردات شصت به مقايسه سال ۵۹ یک اعشاریه هفتاد و پنج فیصد و از مواد کیمیاوى یکصد و چهل و نه تقیص مقداری پنجاه و شش فیصد و وصرف کمتر از ده در صد میزان و تنقیص ارزشی پنجاه و یک فیصد فیصد را نشان میدهد، نکر شی کل در دست دو لت است میتوان رانشان میدهد که این تنقیص به میزان افزایش دورانی سرمایه های دیگر در صادرات سال ۱۳۵۹ به خاطر علم کشت پخته و عواملی دیگر مقایسه سال پنجاه و هشت باز هم میپردازیم به یک مقايسه فشرده از مويه اندکشاف تجارت است چنانکه است..

به همین ترتیب در صادرات مجموع صادرات سه ماه اول سال ۱۳۵۹ با ۱۳۶۰ تا بر اساس استناد نباتات طبی مقايسه سه ماه اول بقیه در صفحه ۳۸

کسب معا فیت رسم از ضیبه گمرکی، معا فیت دیمرج بنادر، حجم تجارت به وسیله سرمایه گذاری معا فیت دیمرج سگرت، تمد یسد میعاد جواز نامه و فرا هم آوری تسهیلات بیشتر در امور جوازنامه

به سکتور خصوصی، جلو گیری از

اخذ اعما نه اجباری از تجار، تخفیف

حق التبت در تمام اقلام وبا لخصوص

اموال مورد ضرورت او لیه مردم،

اجازه تورید تلویزیون برای تجار،

تخفیف اخذ حق الانحصار از پشم،

فراهرم آوری تسهیلات فراوان در،

زمینه انتقالات اموال، تادیه بیست

فیصد از ما حصل فروش صادراتی

که قبل از صورت گرفته باشد گوشه بی

ازابن گو نه اقدامات است درجهت

حمله ایت و پشتیبانی از تجار ملی.

# زردوزی بخارایی



از طرف دشمن دستگیر و اسیر شد. بادشاہ با اجازت دشمن سوزنی را با دست خود دوخته به کشورش به شاه خانم ارسال نمود. چندی بعد عساکر به شهر رسیدند و بادشاہ را از کشتنه تجاویز دادند. معلوم گردید که شاه خانم از لای گلهای سوزنی نوشته را خوانده بود که شوهرش اسیر است.

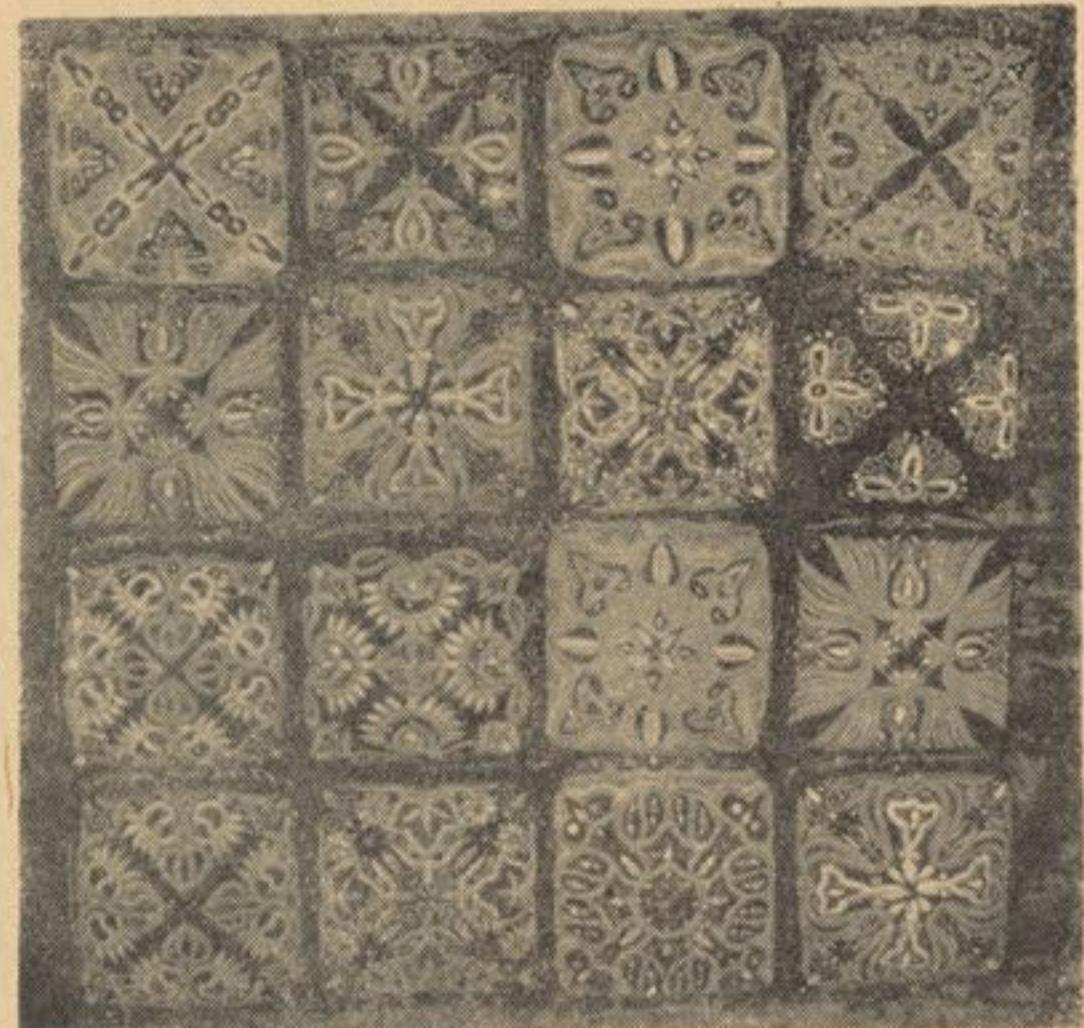
آنچه را قصه کردیم همه تخیلی نیست. قبل از تلاشان و دوزندگان اجازه نداشتند که در آثار شان زنده جان هارا رسم نمایند و بدوزند همینکه در کشورهای شرقی صنعت میده کاری رونق گرفت واشاعه یافت، اسرار نقش هاو در یکی از افسانه های قدیم سمبول ها در بخشیه های دوخت شرقی آمد است که پادشاهی مرموز باقی ماند.



چند نمونه ای از گلهای زردوزی

صنعت و هنر تزئیناتی خصوصاً زردوزی مردانه و یا زنانه حتی زیبا بی خیره کنندگه لباس های در آن منزل دیده می شود. در ملی آسیای میانه و بیشتر از همه قدم این کلاه ها را زردوزی های پیزا هنر های گلا باتون دوزی و دوختند، و بهتر از همه کلاه های ابریشم دوزی، کمز و لهای نوع دوخت بخارا به شمار می رفت محملی، چشم بیننده را خیره می برای یاد گرفتن این نوع دوخت نماید. تزئین اطاقها توسطاً حتی مردم از دیگر کشورهای می خواهند. حیر و تکه های محملی سوزنی تا آمدند.

میگویند، در بخارای قدیم حال در حیات علنی مردم اگر رابع به شخصی گپ زده می حفظ شده. در زمانهای قدیم رو جایی ها، سفره ها، دستمال شد، که او از کوه «میردوست» است، در آن صورت هم دوختند که یک سال وقت را در بر می دانستند که او چه کاره است و از گرفت. ضمناً قسمتی از سوزنی را نا دوخته میگذشتند، بدین معنی که خوشی و خوشبختی همان فاصله تمام نه شود. گویا این هم جزء رسم و رواج مردم به شمار میرفت. پیشه مردانه به شمار میگذرد. در سال های قدیم اگر قافله می رفت، اما اکنون چنین نیست. اگر در خانه کدام او زیبک از شهری میگذشت، اها لی شهر سوزنی وجود نداشته باشد، در آن صورت کلاه پر نقشن و نگار بقیه در صفحه ۵۱



\* سوزنی - تکه های حریر و یامحمل که زردوزی و یا ابریشم دوزی می شد، و از آن برای تزیین منازل استفاده میگردند.  
\*\* کمزول - چنیست که زنانه آن بدون آستین بوده و روی سینه آن گلدوزی میباشد، خانم ها آنرا بالای دیگر لباس های شان میپوشند. نوع مردانه آن آستین دار و بی آستین، بدون گلدوزی میباشد.

کسانیکه به این دوختها وارداند باید نگاه میداشند که بکدام روش دوخته شده و سبک آن بکجا مربوط است به تاشکند، به فرغانه، به بخارا و یا به خیوه.

تیر ماهی، استفاده موثر دهقانان فارم‌های دولتی و کوپرا تیف‌های زراعتی از ماشین آلات عصری زرا - عتی، آشنایی دهقانان به طرق بهتر آماده ساختن زمین بزرگ دریا - فلت وقت مناسب برای کشت آب - یاری، استعمال مقدار مناسب کود کیمیاوی و تخم اصلاح شده تطبیق درست و موثر ادویه جات ضد آفات و امراض نباتی در مزارع، تغییر ذهنیت دهقانان از زراعت عنعنی و قدیمی به زراعت مدرن و میکانیزه به خاطر تامین رفاه و آسایش زندگی اجتماعی و اقتصادی دهقانان و در نتیجه با لابردن سطح توسعه تولیدات زراعتی در فی واحد جریب زمین می‌باشد.

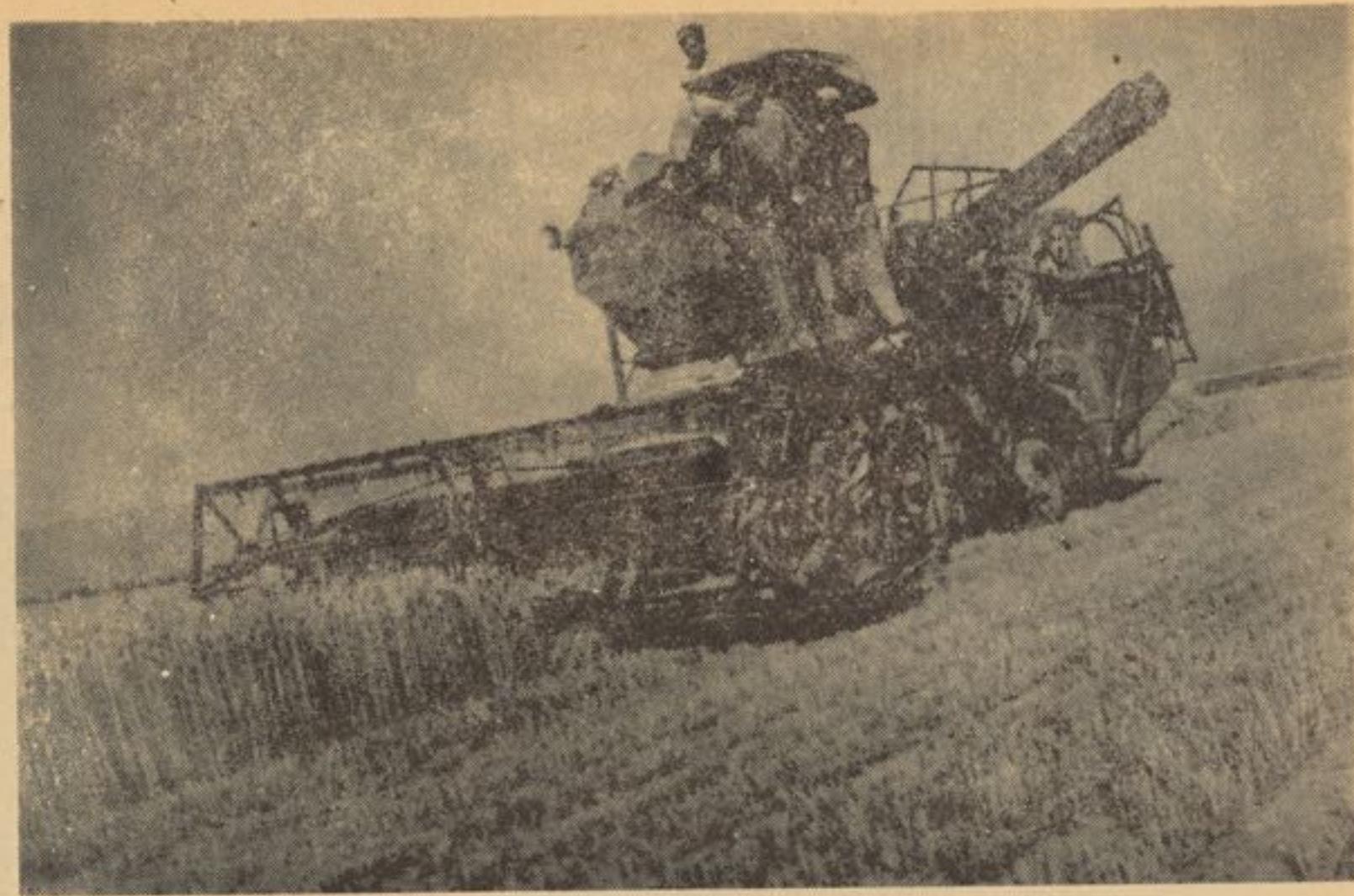
- کدام موسسات موظف اند تا در کمپاین کشت تیر ماهی امسال با زارعین کشور کمک و همکاری نمایند؟

- موسسا تیکه عمدتاً در تطبیق کمپاین کشت تیر ماهی جمهت کمک بیشتر به زارعین ذیدخل هستند عبارت اند از:

۱- ریاست عمومی ترویج و تولیدات زراعتی که مسوو لیست تامین ارتباط بین پلانها و پروگرام‌های شعبات ذیدخل را در کمپاین کشت تیر ماهی (۶۰-۶۱) تفکیک پلان مطروح‌مرکزی به سویه ولایات در مرکز و به سویه‌یونت هاو محلات از طریق مدیریت‌های ترویج ولایات و آمریت های یونت‌های ترویجی و تشویق زارعین را درمورد تطبیق پلان کشت تیر ماهی و استفاده از تسهیلاتی که از طرف دولت فراهم می‌گردد به عهده دارد.

۲- ریاست فارم‌های دولتی وظیفه دارد تا اراضی بیشتر را تحت بذر قرار داده و به منظور تطبیق پلان کشت تیر ماهی تعمیداتی را در مقابل قرار داده کمپاین کشت تیر ماهی در گیمیاوی اصلاح شده و شرکت کود کیمیاوی انجام داده است تکمیل نماید. و در صورت امکان تدبیر موثر استفاده از ماشین آلات زراعتی در جویان کمپاین کشت تیر ماهی در خدمت کوپرا تیف‌های و دهاقنین انفرادی قرار دهد.

۳- ریاست اکشاف کوپرا تیف‌های زراعتی وظیفه دارد تا به منظور تقویه کار دسته جمعی و رضا کارانه به نفع اکثریت دهقانان آن‌ها را زارعین در انجام فعالیت‌های کشت متشكل ساخته مواد و تجهیزات و



یک ماشین کمپاین در حال دروگشتن

گزارش از: جرمی

## دولت زمینه کار و فعالیت های زراعتی را در کشور مساعد می‌سازد

از آن جاییکه سکتور زراعت اسا - فعالیت‌های زراعتی و شیوه‌های اکشاف اقتصادی و پایه‌های تولید پس از پیروزی انقلاب شکو - بزرگ تجارت خارجی کشور ما را همند نور و به خصوص مرحله تشکیل می‌دهد، حزب و دولت نوین و تکا ملی آن توجه جدی مبذول انتقلابی ما برای بهتر ساختن کارو می‌دارد و در زمینه تصاویر و فیلمه



مرجع اخذ کود کیمیاوی و گستاخ اصلاح شده.

دارد تا در مورد تداوی تخم های  
بذری گندم سهیم فعال گرفته و مامو-  
رین مربوط خویش را برای رفع  
هزار هکتار پیش بینی گردیده که از  
آن جمله نود و دو هزار هکتار آن در  
آفات و امراض نباتی در مزارع  
بذر خزان سال ۱۳۶۰ در نظر گر-  
ددقانان در جریان کمپاین کشت  
فته شده و ساحه مجموعی جو و گندم  
خزانی این کمپاین به یک هزار و  
تیره ماهی بگارد.

ششصد و پنجاه و نه هزار هکتار  
می‌رسد. برای کشت کمپاین  
خزانی گندم و جو مجموعاً مقدار  
شصت و یک هزار تن کود کیمیاولی  
که منجمله چهل اعشاریه شده است و  
هفت هزار تن آن یوریا، بیست  
اعشاریه سی و سه هزار تن آن کود  
های فاسفیت دار و مقادیر دو صد و  
یازده اعشاریه پنج هزار تن تخم  
بذری که از آن جمله مقدار یکصد و  
پنجاه و چار اعشاریه سی و پنج هزار  
تن برای کشت گندم آبی و مقدار  
چهل و هفت اعشاریه نود و پنج هزار  
تن برای کشت گندم لمحی و نه  
اعشاریه دو هزار تن برای کشت جو  
بیش بینی گردیده است از جمله  
عفتاد اعشاریه پنج هزار تن تخم  
بذری گندم اصلاح شده مسورد  
ضرورت که مقدار نه هزار تن آن از  
طریق پرو گرام دولت و بقیه شصت  
و چهار اعشاریه پنج هزار تن آن بین  
هزار عدد تا ده هزار میگردد.

در کمپاین کشت خزانی امسال  
چه اندازه زمین تحت بذر غله جات  
قرار خواهد گرفت و به کدام پیمانه  
گندم اصلاح شده کود کیمیاولی و  
ادویه ضد افات و امراض نباتی در  
نظر است به زارعین توزیع گردد.  
ساحات عمومی تحت بذر در  
انغا نستان در سال (۱۳۶۱) به  
(۳۸۲۷) هزار هکتار پیش بینی شده  
که از آن جمله برای کمپاین گندم  
سال (۶۰-۶۱) ساحه مجموعی دو  
هزار و سه صد و چارده هزار هکتار  
تخصیص داده شده است که منجمله  
یک هزار و دو صد و شصت هزار  
هکتار آن آبی و یک هزار و پنجاه و  
چار هزار هکتار آن لمحی می باشد.  
به صورت مشخص در کمپاين  
خزانی گندم سال (۶۱-۶۰) ساحد  
موازی یک هزار و پنج صد و شصت  
و هفت هزار هکتار برای گندم آبی و  
لمحی اختصار ص داده شده که منجمله

این عدد ساحه هشت صد و هشتاد و دو هزار هکتار برای کشت گندم آبی خزانی و شش صد و هشتاد و پنج هزار هکتار آن برای کشت گندم خزانی لدم. بیشینی شده است.

A black and white photograph capturing a wide, open landscape. The lower half of the image is filled with a dense, textured field of tall grasses or reeds, their blades reaching upwards. Above this, a long, thin, dark horizontal band stretches across the middle ground, suggesting a narrow strip of land or a series of small, low-lying islands. The upper portion of the image is a bright, uniform sky, devoid of clouds or other markings.

وزریعه حاصل ایستاده گندم

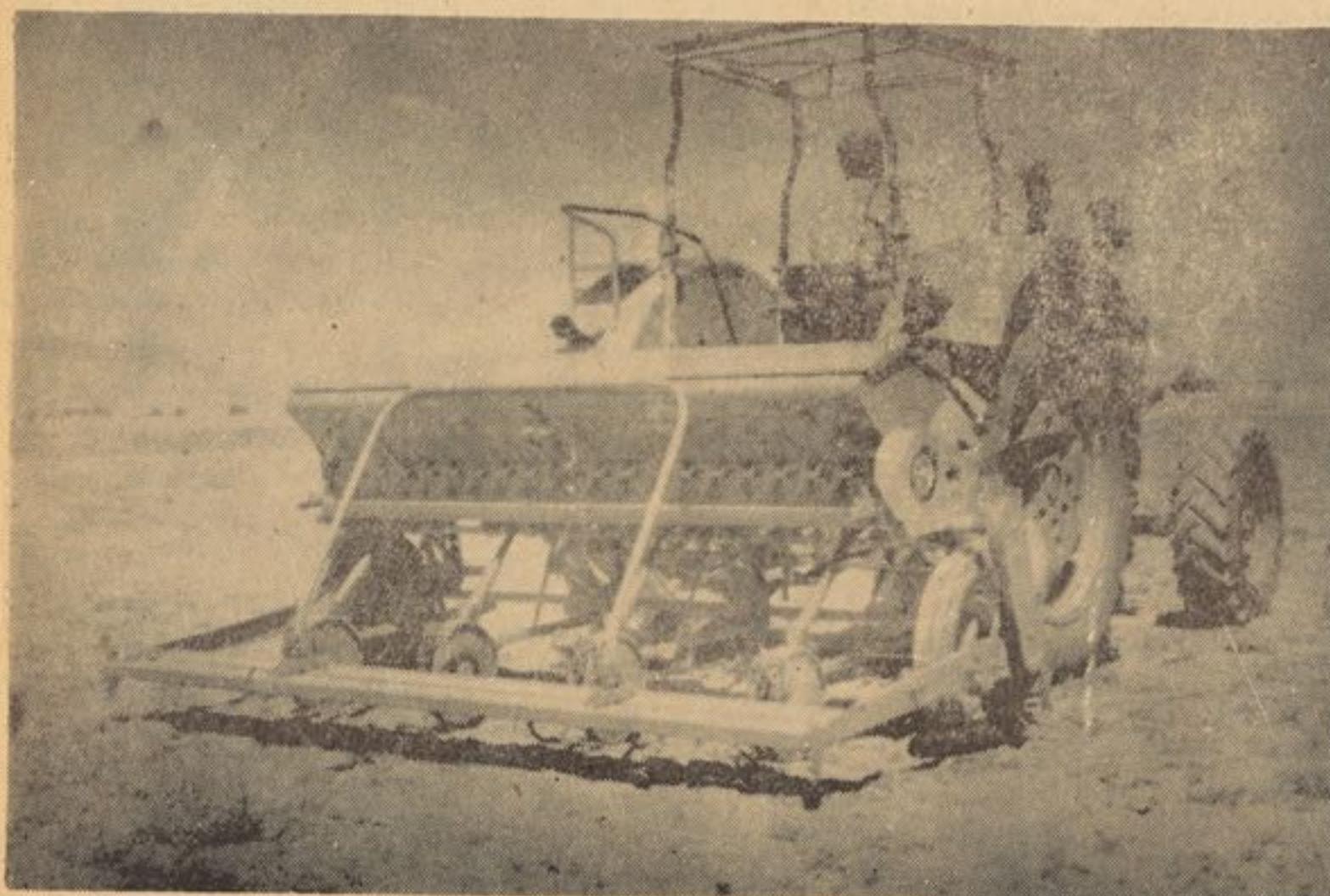
سایر ماشین آلات مورد ضرورت  
کوپرا تیف ها و اعضای آن را به  
صورت نقده و قرضه از طریق بانک  
انکشاف زراعتی، شرکت کودکیمیابی  
شرکت تخم های اصلاح شده، ریا-  
ست میکانیزه و بانک انکشاف صنایع  
وسایر شعبات ذیدخل تهیه و تکمیل  
درمناطق مهم و  
و فعال نگهدا-  
نماید.

۴- شرکت کود کیمیاولی افغان وظیفه دارد تا مقادیر کافی کود کیمیاولی ادویه و تخم های اصلاح شده مورد ضرورت کمپانی کشت تیر ماهی را طبق پروتکل مطروح در او قات معین به سوئیه ولسوالی ها و علاقه داری ها مطابق سبکیه تعیین شده برای زارعین انفرادی ، کوپرا تیف ها و فارم های دولتی انتقال و توزیع نمایند .

۵- شرکت تخم های اصلاح شده وظیفه دارد تا تخم های اصلاح شده مناسب را با در نظر گرفتن نوافص محيطی آن طبق سهمیه بندی پلان شده در وقت معینه و مناسبت به اختیار شرکت کود کیمیاوی افغان قرار دهد.

۶- ریاست بانک انکشاف زراعتی  
وظیفه دارد تا خدمات کرید تا زراعتی  
را به زارعین و اعضای کوپر١ تیف  
های زراعتی جهت خریداری تضمیم  
های اصلاح شده - کود کیمیاوی و  
ماشین: آلات زراعتی. تهیه نماید.

- ۷ ریاست تنظیم و مراقبت آب وزارت محترم آب و برق وظیفه دارد تا در صورت امکان موضوعات مریبوط به پالک کاری جوی ها ، ترمیمدهانه جات ، حل منازعات حق آیه وغیره را در جریان گشت تیر ماهی حل و



ماشین تخم بانش در حال فعالیت

زین شرف چون منع معروه‌ان دیگر میکنند  
چون صفا از توبه اهل زهد را زاهدند.  
چون بدین تکلیف رندان را مکدر می‌کنند ؟  
من فروشنان باده را روز یکه میسازند  
جهر رو خانیان زان بو همطر می‌کنند .  
از بی نتارة بلبل خوستست اوداق گل ،  
باد و باران آن صحایف از چه ابره‌ی کنند .  
جرعه بیر هفتم ده بدهست . ای مفجعه !  
رغم آنا نیکه وصف حورو کونر می‌کنند  
ساده دل واعن ، که گزیده‌رجه آید بر زبانش  
ساده‌تر آنانکه این افسانه باور می‌کنند  
آن چه چشماندکه از هر گان دو صفات استه  
عالمن در طرفة العینی مسخر می‌کنند  
خازنان روضه از اشعار فانی لعل و در  
برد بر رخسارو گوش جود ذیور می‌کنند<sup>(۱)</sup>  
معانی تازه درین غزل جوابیه علیشیر نوایی  
کم نیست . شما در برابر به خوبی رعایت  
نمودن تمام خواسته‌های نظریه سرایی گوشش  
نموده است ، که معانی از تازه داخل نموده  
او نسبت به معانی غزل حافظه به طریق یک  
نویسخ و علاوه قرار گیرد . برای مثال اگر  
بیت اول غزل حافظه را بایست اول غزل  
جوابیه مقایسه کنیم ، این حالت را بخوبی  
مشاهده کرده میتوانیم . حافظه در بیست اول  
واعتنان را انتقاد نموده ، در محراب و هنر  
ایستاده چه گفتن و در خلوت بر عکس آن  
به چه کارها مشغول شدن آنها را ، موافق  
خواست وقت باید باشد ، روشن نمی‌گوید  
از مطالعه بیت شاعر ما بخوبی میفهمیم که  
انتقاد حافظه درین بیت فسیدیت گفتار واعتنان  
باکردار آنها میباشد . علیشیر نوایی اشاره  
کرد «جلوه در محراب و هنر» گردن واعتنان را  
«جلوه در محراب و هنر» گردن واعتنان را  
وادی که علیشیر نوایی در تاریخ نظم دری  
تاجیکی انسفال نموده ، تصورات روشن بدد  
مثال یکم از حافظه :

مثال دوم حافظه :  
«یاتا میان بر اشایم و می در ساغر اندازیم  
فلک را سقف بشنکافیم و طرح نودر اندازیم  
اگر غم لشکر انگردیز ، که خون عاشقان دیزد  
من واسقی بهم سازیم و بینادش بر اندازیم  
سراب ارغوانی را گلاب از دردچ ریزیم  
نسم عطر گردان و شکر در هجر اندازیم  
جود دست است رو دی خوش ، بزن هنر سرودی  
خوش  
که دست اشان غزل خوانیم و یا کوبان سراندازیم  
صبا ، خاکی وجودها بدان عالیجانب انداز  
بود کان شاه خوبان را زنگ بر هنر اندازیم  
یکی از عائل می‌لاده ، یکی تامات می‌باشد  
بیا کابن داودی هارا به پیش داوراندازیم  
پیشست عنده اگر خواهی ، بیا باما به میخانه  
که از پای خست روزی به حوض کوثر اندازیم  
سخنرانی و خوشخوانی نمیورزند در شیراز  
بچیه در صفحه ۲۴

وادی که علیشیر نوایی در تاریخ نظم دری  
تاجیکی انسفال نموده ، تصورات روشن بدد  
مثال یکم از حافظه :

واعتنان کابن جلوه در محراب و هنر میکنند  
جنون به خلوت میروند ، انکار دیگر میکنند  
مشکلی دارم ، زدانته مند مجلس باز پرس  
توبه فرمایان حرا خود تویه کمتر میکنند ؟  
کوییا باور نمیارند و ز داوری  
کا بن همه قلب و دغل در کار داور میکنند  
بایار این نو دولتان را با خود خودشان نشان  
کان همه ناز از خلام ترک و استر میکنند  
ای گنای خانقه برجه که در دریه قان  
میدهند آین و دلها را توانگر میکنند  
حسن بیان او و چندان که عاشق میکشد  
زکره دیگر به عشق از غیب سر بر میکند  
بردر میخانه عشق ، ای ملک تسبیح گوی  
کاندر آنچه طیت آدم مخمر میکنند  
مچشم از عرش می‌آمد خروشی ، عاقل گفت  
قدسیان کویی که شعر حافظه از بر میکنند .  
نوایی :

:

ازین نقطه نظریه موافق خواست نظریه  
جون به خلوت میروند ، انکار دیگر میکنند  
سرایی میباشد . غزلیای بهترین و مشهور  
بزرگترین غمجون یکی از شاعران بزرگ  
وقت که ایجادیات خود را نظریه اکثر هم‌عصرانش  
بیشتر به تعریف مسائلهای مهم زندگی و ادبیات  
اختصاص داده بود .

در ساحة غزل سرایی در غزلیای جوابیه به  
غزلیای کدام استاد سخن میباشد دقت و  
بیرونی نماید ؟ - البته به شاعران خواجه  
حافظه .

روی دادن این حادثه ، سری دیگر هم  
دانست . علیشیر نوایی در برابر به زبان  
هادری خود ایجاد نمودن نمونه های بهترین  
شکلیای موجوده نظم ، چه نوعی که معلوم  
است . نقش سر فرهانده ادبیات او زیلکو  
نژدیک هورد تدقیقات و سیعی فرار گیرد .

ازین چیز حالا متابر نبودن و است فقط  
دو غزل جوابیه نوایی را با دو غزل هورد جواب  
فرار گرفته حافظه از نظر میگذرانیم . زیرا  
همین دو مثال نیز میتواند از مقام تاریخی

مؤلف : اکادمیسین عبدالغئی میرزايف  
گزارش و تهیه : ع. غ. بیاتی

-۲-



## نوایی و حافظه

# زندگینامه و آثار

## روم بولانسکی



روم بولانسکی سینهاگر با استعداد و درخشش جهان سینما.

وای کازم نکن، نمایش داده شد. و گمی طنز آمیز است بولانسکی درین فلم، نقش او را داشت او بازیگر نقش دستیاری پروفیسوری باهوش است که همه عمرش را به پژوهشی علمی در باره خون آشامان گذاردند است. پروفیسور نه تنها نسل خون آشامان را ریشه کن نمی کند بلکه سبب میشود تادستیارش نیز به صورت خون آشام درآید. بدین ترتیب او خود سبب گسترش عارضه خون آنما میشود.

دانستان بچه رزمه‌ی. مسله باور نکردند شیطانپرستی رادر نیوبورک سال ۱۹۶۸ مطرح می‌کند.

می‌کارو زن جوانی آبستنی است که شیطان-برستان از هر سو محاصره اش می‌کنند زیرا به گمان آنها او قرار است که پسری برای شیطان به دنیا بیاورد. آنها نوزاد را می‌ربایند و حتی اجازه نمی‌دهند مادرش اورا بیستند.

پیرهان فلم میافارو، نمادی از معصومیت در دنیای فاسد و تباش شده است.

مرگ فجع همسر روم بولانسکی یعنی شارون تیت به دست اعضا یک فرقه، سبب شد.

بولانسکی با تنها فلم بلندش چاقو در آن شدکه او از چند سالی از کار فلمسازی غافل بیاند. تا آنکه نمایشنامه مکتب شکیب را برای ساختن یک فلم برگزید.

شگفت اتفاق نیست که بولانسکی در سالیانه بروخود میان آدمها و فضای آگنده از تحقیر چاقو در آب، به آنها ی که خلمهای کوتاه بولانسکی را دیده بودند فضای یگانه بود.

در فلم رودی از الماس بولانسکی، دختری در هر چند نیز نیست که بولانسکی، دختری ای بدبستانه دارد.

بولانسکی درین فلم نه فقط فضای خفه ای را می‌بینیم که دو مرد را علیه هم می‌شوراند. بولانسکی درین فلم نه فقط فضای خفه ای را می‌بینیم که افرینده بلکه می‌گوشد تانهایشته شکسپیر را براید.

بولانسکی به سال ۱۹۶۷ به دعوت یک شرکت از استعاره ها و نماد های پیچیده بیرا موشن فلمبرداری به امریکا رفت. و رقص خون جدا کند و بعد های ملموس و امروزی به آنها آشامان را ساخت. این فلم بنام (بیوس، بیخشد).

بیخال، روی تخت گمیه است و جوانی لاغر اندام که مستخدم است (نقش مستخدم دایولانسکی خودبازی می‌کند) سر گرم پذیرای از اوست توکر به انجام دادن هر کاری برای اربابش دست می‌زند، آشپزی می‌کند، پاهاش را می‌شوید، گشتهایش را تعیز می‌کند و حتی به آهنه کوشکارش طبل او هم رقصد. نو کر گاهی ارزو هنده به شهر پاریس، که در دوردست افق دیده میشود نگاه می‌کند و آرزوی آزادی و رهایی را دارد. وسوسه آزادی سرا نجام اورا به اختراض علیه اربابش برمی‌کنید اما اختراض او به جای نمی‌رسد ارباب به قصد کوشمالی، نو کر را به زنجیر می‌بندد و موقعیت نو کر تیره تر میشود و سبب میگردد که او حسرت زمانی را بخورد که دست کم به زنجیر بسته شده بود. دریس این

استعاره لال بازی گونه طنز کوبنده و خشونتی بیرون می‌گزند. بیرون از هر سو محاصره اش می‌کنند زیرا به گمان آنها او قرار است که پسری برای شیطان به دنیا بیاورد. آنها نوزاد را می‌ربایند.

بولانسکی در بازیش به لبستان فلم کوتاه دیگری بنام پستانداران ساخت که در همان سال برندۀ جایزه بزرگ جشنواره (تور) فرانسه می‌گردند. و به ساحل می‌آیند و بعداً به شهری ساحلی وارد می‌شوند. این دو مرد برای بیدا گردن جایی، همه چارا میگردند. ولی جای را نمی‌یابند و به تمام نمایندگان اشار مختلف

مردم خواست خود را در میان می‌گذرانند اما باز هم به جای نمی‌رسند و حتی از دست چند جوان شهربازی اذیت هم می‌ینند و آئینه الماری شان به سال ۱۹۶۲ به هفته خودش یکشنبه از خواب کمنامی به بیداری شبرت رسید.

برخورد میان آدمها و فضای آگنده از تحقیر چاقو در آب، به آنها ی که خلمهای کوتاه بولانسکی را دیده بودند فضای یگانه در هر چند نیز نیست که بولانسکی، دختری ای بدبستانه دارد.

بولانسکی به سال ۱۹۶۷ به دعوت یک شرکت از استعاره ها و نماد های پیچیده بیرا موشن فلمبرداری به امریکا رفت. و رقص خون جدا کند و بعد های ملموس و امروزی به آنها آشامان را ساخت. این فلم بنام (بیوس، بیخشد).

روم بولانسکی در سال ۱۹۳۳ از بدر و مادر لهستانی در پاریس، چشم بجهان گشود و خاتم اش به سال ۱۹۶۶ به لهستان باز گشتند.

وقتی لهستان از طرف سر بازان هتلری استغال شد. در گمرا گرم جنگ جهانی دوم پدر و مادر بولانسکی را به باز داشتگان هیای نازیها فرستادند که درین زمان بولانسکی هشت سال داشت. بعدها زین جاده او تنها ماند اما با عزم واراده دست‌تحکم‌وبا باری چند خانواده لهستانی توانست سالهای دشوار زندگی را بگذراند و بر تمام مشکلات غالب اید. مادری بولانسکی توانست با ظلم و فشار شکنجه هتلری مقاومت کند و در باز داشتگان های بروکسل، سان فرانسیسکو و اوبرهاوزن، جایزه های کسب کند.

بولانسکی باز یکی تیتر رادر چهارده سالگی آغاز کرد و در نمایشنامه های بسیاری شرکت جست. سپس در مدرسه فلم نام نویسی کرد و هم‌زمان با آن به بازی در فلمها پرداخت. در همین دوره ویس از آنکه در ساختن چند فلم باکار گردان ای ای دستیار شد. خودش نیز کار گردانی فلمهای کوتاهش را آغاز کرد.

روم بولانسکی یکی از برگزیده ترین و برجسته ترین فلمسازان است که با استعداد سرشار در دهه شصت، در سینمای جهان ظهور کرد. و تا این زمان در اروپا کسی باوی برای کرده نمیتواند واز شیرت خوبی برخوردار است.

ویزگی کار بولانسکی درین است که او می‌گویند تا عوایض انسانی را بواسطه تصاویر انتقال دهد نه به واسطه دیگر فلم.

ساخته های بولانسکی، دورنمای بسیار غریب و استثنایی دارد و عمین دور نمای غریب در قالب‌های زیبای شناسی است که ازوی بولانسکی را در باره زندگی و جامعه در بردازد هر مندی یگانه ساخته است.

بولانسکی، همچون نویسندهان محبوبش از اینکه روزانه رفتاب انسانها را، آن فرانس کافکا وزان زنه رفتار انسانها را، آن مونه که می‌بیند، شبیه می‌کند. او همیشه دور افتاده. مردی تنومند و چاق، آسوده و

در حال حاضر که پالیسی واحد و منسجم در بخش صحت عامه تذکار یافته موضوع مهم اطفال در کشور موجود نیست به ملاحظه وحیانی دیگر صحی تبیه آب اشامیدنی صحی برای کلیه نقویں و منجمله اطفال کشور است که در محدوده امکانات در پلان ها بان توجه فرامین مختلف دولت و رهنمود های پلان های انتشاری فعالیت های مربوط به انتشار اجتماعی که در محدوده امکانات در پلان ها بان توجه خاصی مبنول شده است.

ازینکه آب غیر صحی یکی از علل عدم تربیه، صحت، تبیه منزل، حفظ الصحه انتقال و سرایت امراض بوده و باعث مرگ محیطی، تبیه آب اشامیدنی و دیگر ضروریات واحتیاجات اولیه اطفال میباشد انسجام بختیمه جدی میغواهد تا بن احتیاج اولیه مترفع مربوطه آن مراقبت، نظارت و کنترول بعمل شاید باید تامین شود. روی این ملعون است که حکومت بصورت عالانه در بروگرام دهه بین المللی ۱ بو حفظ الصحه محیط سیم گردیده و اقدامات چند در جهت تامین اهداف این بروگرام حیاتی در محدوده امکانات بعمل آمده است.

در بخش تعلیم و تربیه اطفال درپلان های انتشاری کشور به فراهم نمودن تعلیمات همگانی واجباری دوره ابتدائی برای نقوس سنین ۷ تا ۱۴ ساله و معو بیسادی و تبیه و توسعه کود کستان ها و فرامن نمودن تسپیلات جیت حمایه و تکیبات اطفال بخصوص اطفالیکه مادران شان یا کار میکنند ویا دارای عاید کم و نا چیز میباشند تاکید شده است، همچنان در پلان های بروگرام های توجه شده تاز طریق آن برای اطفال معیوب تسپیلات بهتر و اولویت های پلان صحی تلقی میگردد.

مادران کشور مایه طور روز افزونی مانند وقت وزمان آن تشخیص و تداوی گردد تادر حدود ممکنه در فعالیت های نور مال تعلیم و تربیه استراک ورزیده بتواند.

باد رکاهیت آموزش و تعلیم و تربیه مادران که این آموزش هم برای خود شان مفید واقع شده ببینی دد زندگی شان رونما خواهد و تجارتیکه صرف منفعت خود را میغواهند اگر قبلا چک و کنترول لازم شده باشد صحت طفل را متلاش ساخته باعث افزایش هرگز و بیرون وفات زیاد اطفال میگردد.

دولت جمهوری دمو کراتیک الفا تستان که توجه خاصی به صحت وسلامت اطفال دارد و بادر نظر داشت شرایط عینی اقتصادی و اجتماعی کشور بسته بانی جدی خود را از

اعلامیه بین المللی که به مناسبت به بازار گذاری و استعمال روز افزون غذا های تعویض شیر مادر و فسر های مربوط به آن نشر رسیده ابراز داشته خواهان تطبیق مندرجات این اعلامیه میباشد. علاوه کشور توقع دارد درین زمینه هیارزه بیشتر و لازم شود تا این خطر ویرابلم صحت و سلامت اطفال تقلیل آن برای ببین بزندگی اطفال فرامن نموده

است. کمیته ملی سال بین المللی طفل درین زمینه سفارشات و بیشنیهات عملی و تطبیق نموده که حکومت نیز طور مجدانه و فعالانه ذایت های تعقیبی این سال را تشویق نموده به منصه اجراء گزارده است. یکی ازین اقدامات تعقیبی سال بین المللی طفل ایجاد و تشکیل طرح و ناگذ شده بتواند. علاوه بر آنچه برآمده بروگرام های انتشاری واحد احصائی برآمده در پلان های انتشاری دروشت احصایی های اجتماعی



## اطفال به حقوق اساسی

### شان نا بیل می شوند

چون اطفال فیصلی قابل ملاحظه نقوس را تشکیل داده و سرمایه و تروت بشری کشور فخر و بیچاره کی و بی دانشی را تکشیده اشخاص میباشد و مطابق احکام قوانین و فرامین ناگذ و اتباع تنومندو صحتمند، هوشیار و مجهز از مراقبت و پروردش سالم آنها سوویلت داریم بامهارت و دانش لازم بار آیند. علاوه از طریق این انتشار ورشد اقتصادی و اجتماعی بروگرام اینجا میگردد. اطفال روحیه های انتشاری و انتخاذ سایر تجاویز و تدبیر، دولت در نظر دارد تا عدم مسافت و استیجار در فامیل های اطفال کشور اینجا یافته شده است در بروگرام های انتشار کاملا از بین رفته عدالت اجتماعی تامین گردد.



مشخص جامعه‌ای را که در آن زیست می‌کند نشان میدهد. در آن سال‌ها نظام سلطنتی بیداد می‌کند، مردم یارای نفس کشیدن ندارد. کارد به استخوان‌های شان رسیده است. تضاد طبقاتی بیداد می‌کند. فضایی است دود آلوده و مسموم، خاموشی و فراموشی بر ارگان جامعه بیدادی کند. سرها در گوییان است، زمستان رویش هاو شکفتان ها، شاهراز از وضعی چنان ناهمجارت رنج فراوان می‌برد.

وقتی می‌نگرد که نظام فرسوده و بیداد گرانه‌ی اجتماعی موچبات فقر بدختی وسیاه روزی گروهانبو. هی از زحمتکشان و اسباب آسایش و راحت مشتی از مفتخوران و بیکار رگان جامعه‌را فراهم آورده است، با حربه‌ای قلم به جنگ آن ناهنجاری بر می‌خیزد، واقعیت‌های درد ناک‌جامعه‌ی خوش را با زبان صریح بیان می‌کند کوینده «شهر حماسه» برای بیان کاستی‌ها و ناراستی‌های اجتماعی عی از زنان صریح شعر استفاده می‌کند تا جایی که شهرها رنگ شعار می‌یابند و از جوهنری فاصله می‌گیرند، اما هر شعاری را نمی‌توان نفی کرد. شعاری که بازتاب دهنده‌ی رنج توده‌ها، خواست ها، تیازها و آرزومندی‌های شان باشد خود به مرز شعر نزدیک شده است، از قدیم ترین روز گار تاکون آن شعری اقبال پایداری یافته است که به نوعی آرمان توده‌ها را در خود بازتاب داده است.

شعر مردم گریز و شاعر خلوت نشین و گوشه گزین در حاشیه‌زنند گی توده‌ها در حرکت اند که بدرد نمی‌خورند، مردم را برای همیشه هرگز نمی‌توان فریب داد. باری شاعر در روزهای سیاه سلطنت با وجود وحشت آفرینی‌های پاسد اران نازیکی و بیداد سخن از فرد ایسی روشن می‌گوید فردا بی که در راه است، کاروانی به راه افتاده است. گوینده‌ی مجموعه شهر حماسه تضاد های کشته طبقاتی را چنین تصویر می‌کند.

## کاتوس

## مروای بر کتاب «شهر حماسه»

کشور ما رخت بربست، مردم دیگر آسایش را نمی‌شناختند. اهاعمر- یاو گان و درو غکو یان همیشه کوتاه باشند در سر آغاز کتاب های خود تبا هکاران پایان داد. در زندگی توده ها روز هایی دیگر آغاز یافت، روز هایی گرم، پر درخشش و یا قوتی رنگ، مردم آرامش از دست رفته را باز یافتند.

باری در بخش اهدای کتاب آمده است:

... شهر حماسه که در سال‌های سیاه بیداد دعوی صمیمانه به رزمندگی و انقلاب بوده است چه خوب است که به شهدای بیکناء دوران ستمبار گی طاغوت سیا که خون سرخ شان نهال انقلاب را جاوید انه آبیاری کرده است اهدا گردد.

در این مجموعه جمعاً ۷۵ قطعه‌شعر از جمله اشعارش در ۴۲ صفحه گرد آوری شده است به استناد اشاره کتاب شعرهای میهنی و حماسی را در بر میگیرد. تاریخ سرایش شعرها در نظر گرفته شده است که اینکار در یک مجموعه شعری اهمیت خارق العاده دارد. در گذشته این شیوه در سر زمین مان رواجی چندانی نداشته است. در حالیکه ضرورت آن را نمی‌توان از نظر دور داشت. تاریخ سرایش شعرها به خواننده این کمک را می‌نماید که خط تکا ملی اندیشه و شعر شاعر را دنبال نماید. نخستین قطعه‌ای که در مجموعه شهر حماسه آمده است زنده مردگان نام یافته که در سال ۱۳۳۱ سروده شده است. شاعر در این قطعه اوضاع و احوال

زمان ما، شاعر ای سطحی اندیش و برای آنکه خاطر همسر، دوست و یا شخص با نفوذی را راضی کرده باشد، مرحله نوین انقلاب به عمر تبا هکاران پایان داد. در زندگی توده ها روز هایی دیگر آغاز یافت، روز باری، به تصریح نظامی عروضی شعر را برای مردم گویند نه برای دل خویش مخاطب شاعر توده هاست آنهایی که کار می‌کنند، عرق می‌نشانند و زحمات توان شکن را پذیرا می‌شوند.

کوینده مجموعه شهر حماسه به مردم نظر دارد، آنها که همیشه شکو همندی، سر بلندی، افتخار و عظمت می‌افریند. قوانین طبیعت را به سود خویش دگر گون می‌کنند. در میهن غرور آفرین ما وقتی انقلاب رها یبخش لور به بیروزی رسید دست آردوی امپریالیسم خون خوار از استین بیرون آمده تا مگر بتواند کودک انقلاب را در گاهواره خفه نماید. امیر یالیسم جهانخوار گما شتکان و دست نشاندگان خود را در استانه‌ی انقلاب که مردم تازه به آزادی رسیده بودند، به سر زمین مگسیل داشت، تا همه بینادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما را ویران نمایند.

انقلاب را به بیراهه و انحراف پکشانند، از هدف‌های انسانی اش تهی سازند. امیر یالیسم تاجایی به مردم سیاه خویش نایل آمده خود فروخته‌ی را به نام حفیظ الله امین به جان و مال و ناموس مردم ما دلیر ساخت، امین و یاران اجبرو بی فرهنگ او همه‌ی ثروت‌های انسانی طبیعی و فرهنگی ما را تاراج کردند. دوره‌ی سیاهی در تاریخ افغانستان آغاز یافت، دوره‌ی ترس، وحشت دلهره، خون و جنون، آرامش از

سراینده، بارق شفیعی به اهتمام، س. ن. رستا خیز از سلسله انتشا رات موسسه طبع و تورید کتب بیهقی در ۲۴۲ صفحه چاپ شده در مطبوعه تعلیم و تربیه.

شهر حماسه مجموعه‌ای است از شعرهای شاعر مبارز بارق شفیعی که اخیراً به دسترس علاقمندان و دوستداران شعر قرار گرفته است. پس از قهرست وارهی مجموعه، چشم خواننده به بخشی از یک قطعه که با خطی خوش نوشته آمده است می‌افتد:

شعر من، ای خدای هنر را پیامبر، بر پیروان اهرمن ذوق دوز خن، بیغام من ببر

تأثیر شعله پرور فریاد من بین اعجاز ناله‌های شر را زاد من نگر در همین بخش کوتاه از شعری بلند موقعیت و پایگاه اجتماعی شاعر روشن و مشخص می‌گردد خواننده‌در می‌یابد که شاعر و یا به گفته‌ی دگر سراینده مجموعه‌ی شهر حماسه در موضع توده‌ها ایستاده است. از سنگر گرسنگان دفاع می‌کند. پا سدوار ندهی حق و آزادی و عدالت اجتماعی است.

شاعر به این باور است که اگر برای گان جامعه‌ای که او در آن زیست می‌کند بیداد. تفرعن، یکه تازی و خود را بی حکم می‌راند، جوانه‌هایی هم در حال شکفتان و قامت افزایختن است. جوانه‌هایی بالند مقاوم و نایز مرد نی، او به این باور است که صدای اورا بالآخره کسی می‌شنود. اگر امروز نشستود، فردا می‌شنود. او فریادی بر می‌آورد. مانند عقاب او جها، شاهین چکاد های همیشه سر بلند و ستوار. مجموعی شهر حماسه که بازتاب دهنده‌ی بیکار جویی‌های نسلی مبارز است، به شخصی یا کسی اهدا نمی‌شود چنانکه این مرسوم ترین و ناستوده ترین قاعده است در

از جفای دمخته ایان گشت دهقانان  
را خراب می بیند در دل او انده  
هزاران کودک پا بر هنری روستاست.  
او غصه های چو پانان را می شناسد  
درد آن بیوه زن روستایی را می شنا.  
سند که همه هستی در خانه ای چوبین  
با کوزه ای آب ، فرشی از بوریسا  
خلاصه می شود و با دوغ خانه ای  
ارباب فرزندان خود را بزرگ می  
کند . او اگر شاعر شهر نشین است  
هرگز و هیچگاه از ده روی بر نمی  
تابد ، صفائی دهانی ها را که سلام  
شان صاد قانه است و کلام شان بی  
ریا دوست می دارد . شاعر «شهر-  
حماسه» تفاصیل هایی که در شهر جاری  
است باز می نماید می نگرد که دیگر  
در شهر خا هوشی بر خلاف تلاشی  
های پاسداران بیداد رنگ می بازد ،  
ذهن کارگران در پیش ناشیان شکل  
میگیرد . از دیواره های کار خانها  
صدای خود را بروون میکند مانند  
موجی توفنده و سر کش سپاهی از  
کارگران در خیابان های شهر برآه  
می افتد صدای پای کارگران لرزه بر  
کاخ نیشینان می اندازد ، دیگر  
شهر موجی از مبارزه و موجی از  
مبارزان پدید آمده است . شاعر از  
نظاره ایین موج این فوج شاد مانه  
می شود . بلند تر فریاد میکند . با  
براه افتاد گان و راه پیمایان هم  
صدایی ، سرود پیروزی رامی سراید  
سر اینده «شهر حماسه» از شهری  
می گوید که در زیر چکمه های خونین  
نظام طاغوتی بیدار شده است . شهری  
که در آن خون زندگی ، مبارزه و  
ایمان جاری شده شهری که دیگر  
نمی تواند آرام باشد ، پنجه های  
شهر در اثر کار ، کوشش ، مبارزه  
و پیکار همه ساکنان آن به سوی  
روشنایی به سوی رهایی و آزادی باز  
می شود . مردم پیروز می شوند .  
حقیقت پیروزی شود . ضبطی راستین  
آغاز می باید ، بنیاد شب و پاسداران  
آن فرومی ریزد .

باری ، گوینده شهر حماسه -  
پیروزی را می بینند ، آفتاب را می  
نگرد که سخاوت مندانه و بی دریغ  
از هر دریجه می تابد و خانه ها را  
گرم می کند ، او ازین دیدار سخت  
شادمانه می شود . شعر های نخستین  
این مجموعه در قالب های کهن و  
شناخته شده زبان دری سروده  
شده است که آشنایی و شناخت  
شاعر از گذشته فرهنگ پر باز  
دری را می رسانند ، باری ، شعر  
بقیه در صفحه ۳۸

طبیعت سخن می گوید ، اما نظر به  
وضع جامعه دارد به این اشاره میکند  
اگر رائز بیداد زور مندان ، افزون  
طبیان زندگی زحمتکشان رنگ باخته  
است ، توده ها در عذاب و سیاه  
روزی و بدیختی بسر می برد . این  
تلخ کامی و سیاه روزی را پایانی  
است دولت خود خواهان و افزون  
طبیان جاودانه نیست . شاعر در  
قطعه ایین گردون به این نیجه  
اجتماعی میرسد که دولت زور مندان  
را هم زوالی در بی است . در سر  
انجام زندگی به گام تهی دستان ،  
زمتکشان ، انهایی که عرق می  
نشانند و کار می کنند می چرخد .  
شعر های بارق شفیعی همیشه بازگو  
کننده پیامی است . شاعر می خواهد  
باز تاب دهنده رنج و اندوه بیکران  
توده ها باشد و همین احسا سات  
صادقانه است که شاعر به دنبال  
جوهری در شعر نمی رود می خواهد  
سخن خود را به صراحت بیان نماید .  
سر اینده مجموعه «شهر حماسه»  
چنانکه در آغاز گفته شد موقعیتی  
روشن و مشخص دارد شاعری است  
بیکار جو و پر خاشک ، در عمق  
واقعه در لحظه های ابتن هزاران  
داغ و درد ، اشک و خون ، سخنی  
از نهار و فردا ، سپیده و روشنی می  
زند توده ها را به پیکار مبارزه و  
و مقاومت دعوت می کند .

دلن نظام کهن را خراب می خواهد  
بین مبارزه جو ، انقلاب می خواهد  
خمرش و سرد نیفتد چو سنت  
در بر کوه

چو موج در دل بحر اضطراب می  
خواهد

همیشه صاحب سرمایه بهر دزدی  
کار

به راه کارگران پیچ و تاب می  
خواهد

برای خرمی گشت از خود ملاک  
هدام دیده دهقان پر آب می  
خواهد

چو انقلاب شود ، پای دارداد گهی  
است

که رنج بر زتوانگر حساب می  
خواهد

بیا مبارزه بهر هرام خلق کنیم  
که حق زندگی بی عذاب می خواهد  
از هر چه بگذریم سر اینده «شهر  
حماسه» گذروااقعیت مساله شاعری  
شیر نشین است از درد روستازاد  
گان و ده زیستان بی خبر نیست . او

یک عدد مست عشرت و اقبال و عزت اند  
جمعی اسیر پنجه اد بار و ذلت اند  
یک دسته غرق عیش و نشاط و مسرب اند  
خلفی اسیر غصه و درد و مصیبت اند  
در این دوانتها به کجا ، شکوه سرگنیم  
یکسو فغان و او اسیران رسید به گوش  
اینجازی قلقل و فریاد نوش ، نوش  
آنجا سکان حضرت عالی خزینه پوش  
زین بی عدالتی چقدر دیده تر کنیم

شاعر نمی تواند تایید گر نظامی  
باشد که پایه های خونین آن بسر  
گرده زحمتکشان سنتکنی می کند .  
او کاستی ها ، نا هنجاری عا و رشتی  
های جامعه را بدون پرده بیان میکند  
به این باور است که وظیفه ای ادبیات  
نشان دادن است . اگر زشتی ،  
شعر حکایتی در تاریخ ادبیات دری  
ناروایی و بیداد در جامعه وجوددارد  
باید بدون دخل و تصرف از جانب  
شاعر ، نویسنده نقاش و در مجموع  
هنرمند نشان داده شود . اگر چه  
کروهی این نظر را نمی پذیرند و  
آناری که واقعیت های زشت اجتماعی  
را بیان می کند نمی پذیرند اما هنر -  
مند این تعهد را دارد که واقعیت را  
اگر چه تلغی ، رشت و درد ناک باشد  
نشان دهد .

شاعر به این باور است که توده  
ها اگر متحد شوند ، همبستکی یابند  
به عمر بیداد گران می توانند پایان  
دهند . باری شاعر خرد گیر محض  
تیسم ، انتقاد خشک نمی کند ، راه  
درمان درد ها را نیز نشان می دهد .

از خفتگان اگر چه بود دور کاروان  
بر مردگان اثر نکند ناله و فغان  
لیکن برای خاطر این خلق ناتوان  
باما بیایه معركه جنگ دشمنان  
تا آتش مبارزه را گرفتار کنیم  
پا سداران نظام طاغو تی سلطنت  
شاعر این وضع رادر قطعه ای ، ناله  
زولانه «بازتاب میدهد .

او اگر دریند اسیر ، به گرد او حصار  
می کند . او وقتی می نگرد که یاران  
رفته اند و عزیزان خواب اند و یا  
دستگاه چنینی آنان را به خواب وا -  
داشته است ، هزاران پرسش در  
ذهن او شکل می گیرد . در جایی  
که همه افراد از راه خواب و اداشته  
باشند پیر ، جوان زن ، مرد طبیب ،  
روحانی ، شاعر ، نویسنده و پیشهور  
روشنفکر ، مرد اداری و نظامی ، در  
حقیقت فاتحه ای آن جامعه را خوانده  
اند از همه درخشش و شکو خانی  
شاعر در قطعه ای «آین گردون» از خران  
اش تهی گرده اند . گوینده مجموعه

در واقع عیم آگاهی زنان به موضوعات اوق طرز خلط نتیجه گیری ها تبارز کرده که البته موجب بروز یک تعداد کثیر، بروبلم ها شده و رهنما بیان فامیلی شاید بسیاری فامیل ها ز تباہی نجات بایدند درنتیجه زنان از امکانات حقوقی ایکه در اختیار دارند استفاده کرده نمی توانند.  
۸- موجودیت عده ها و محرومیت ها عدم در رفع این بروبلم ها غر کاه مطالعات و رضایت شوهر از زن و باعکس آن اکثر اینها رهنما بیان هایی صورت گیرد به یقین گره گشایی اختلافات و منازعات فامیلی میگردد.  
لذا موجودیت دوکوتدان روانی را درین قسمت نباید فراموش کرد.

برای جلو گیری از گیسخن بیرون ازدواج و ویران شدن کسانه های خانوادگی ازدواج و شیربها به شوهر و جلو گیری از بدینه ای اتفاق لازم است جلو دختری را در بدل جراحتی که یکی از اعفای می بند و باری آن عده از مردان که باید خانه فامیل هر تک شده بود «بد» می دانند همچنان و فامیل خود. نیستند قانونی از بیوه را اجازه ازدواج خارج از فامیل شوهر معرفه شود و هنگام عقدنکاح وجاip طرفین به ارزشمند خود فرار میگرد.  
اما لازم است که زن جاده ها ز در گیری متفوی اش نمیداند در غیر آن موضوع به همیگر شان تفییم گردد و حتی در بروگرام خاتمه کشانیده شده و با حداقل مجازات برای های مکاتب در مضمون اختصاصی طرز زندگی خارجی نجات باید تابتو اندیشه خودرا در رفتن رسم و رواج های منطقی و پر قراری مساوات حقوقی بین زن و مرد در مجرمان انسانی و ارزشمند خود فرار میگرد.

زندگی زن جاده ها موجود دارد که از عر لحاظ قابل تعمیق و آن دشنه است.  
در امر ازدواج توافق هردو طرف «زن و مرد» در سطر حتمی است یعنی زن حق دارد در انتخاب شوهر توافق خودرا آشکار سازد و با این روزگار متوجه هستند بعضی خانواده را کند هرگز متناسبه هستند اینها میگردند.  
از نفس فعال و مشعر زنان در امر رشد و اکتشاف جمیع انکار ورزید هرگز تجھیز نیروی زنان برای سهم گیری در فعالیت های عمرانی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مستلزم اقدامات وسیع و گسترده است که می باشد خصوصیات خاصی، طرز ثالثی خانواده ها را برداشت محیطی، اجتماعی و عمرانی جاده را مورد مطالعه و بررسی قرار داد و زمینه مساعده را برای این نیمه بدنی اجتماع فراهم ساخت.  
تا آن زمانی که زن در خانواده و اجتماع از قسمت از حقوق انسانی وطبیعی «حروم» است زن بیوه داده میشد اخلاقش را ازاوجدا ساخته و برخورد فامیل ها در مهالک پیشرفت و زن بیوه را از حقوق انسانی وطبیعی «حروم» است.

## مشکلات اجتماعی زنان

جهت فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تجھیز بخشید حقوق و وظایف خود و سایر اعفای خانواده خود را برایه قانون که بایه مستحکم زندگانی در اجتماعات بشری است اساس بگذارد در آن می تواند واقعاً نفس بزرگ و مطلوب خودرا نه تپاده بروش جسمی و تربیه فکری فرزندان خود مطابق به معارفاو فرهنگ جاده ها مثبت فرم و ارزشند جلوه دهد بلکه موثریت او به جهت مفترقی و آستانی به طرز گار آنها مورد توجه و فرادر داده شود.  
۲- تورید فلم های آموزنده و انتباہی نیز موردن مطالعه فراد داده شود.  
۳- نشر مجله خانواده بدون شکر زنان رایه حقوق، وجاip و مسوولیت های که در قبال حقوق اینجا نیز می باشد از اینجا می باشد.  
۴- دایر شدن کنفرانس ها برای توریز شتر در فرا وروستا ها ز نعمت سعاد معروف زنان و آنها ساختن آنها به حقوق ووجای بوده و ساخته زندگانی آنها محدود به جار - شان از طرف قضات، محکم و دیگر موسسات جوکات منازل شان میباشد که این موضوع ذیل اینجا می باشد.  
۵- موجودیت موستان که بتواند خانم هارا خود باعث عدم آگاهی آنها از فوائین و مغزهای ناقد جاده میگردد.  
بناء یکی از اقدامات موثر درین جهت نامین و معنوی خطا به نهاید.

حقوق انسانی زن در خانواده و جاده است - رژیم مالی زو جن باید هنگام ازدواج همچنان شرط اساسی آگاهی و درک صحیح زنان مدنظر گرفته شود.  
از فوائین و مفردات جاده حقوق ووجایی ۷- موجودیت مشاورین رهنما بیان فامیلی یکی است که در قبال خانواده و اجتماع به عهده از موضعیت هایی و قابل توجه است زیرا اکثر مناقشات ناشی از خلط فیض ها حسادت ها و مادری جهات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می باشد.  
در گشود عزیز ما افغانستان در برخی از قسمت های این هرزویوم هنوز هم بنابراین موجودیت رسم و رواج های منطقی و سیاسی سلسله موارع دیگر زنان عملاً از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خوش نمی توانند است که در قبال خانواده و اجتماع به عهده از موضعیت هایی و قابل توجه است زیرا اکثر استفاده کنند، یک تعداد بروبلم بخصوص دارند.

نمی توانند در فعالیت های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی جاده نشست و سازنده ای را ایفا کنند تا آن زمان که عرف، رسم و رواج های منطقی فرصتی برای رشد استعداد ها و توانایی زن باقی نمی گذارد جاده نمی تواند از نیمه از جمعیت خود انتظار داشته باشد که همدموش با برادران خود پیش برود.  
هیازده برای آزادی و برابری زن موضوعی است دارای اهمیت بسیار گرگ که نه تنها از نگاه حقوقی و سیاسی مساوات را درین زن و مرد فور مطالعه قرار میدهد بلکه بیشتر از همه دارای جهات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز می باشد.

در گشود عزیز ما افغانستان در برخی از قسمت های این هرزویوم هنوز هم بنابراین موجودیت رسم و رواج های منطقی و سیاسی سلسله موارع دیگر زنان عملاً از حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خوش نمی توانند است که در قبال خانواده و اجتماع به عهده از موضعیت هایی و قابل توجه است زیرا اکثر استفاده کنند، یک تعداد بروبلم بخصوص دارند.



# نقش سازندگی زن

زنان از باستان زمان نا اکنون مانند مرد نصر اساس دینامیزم تاریخ است زن و مرد بخاطر موجودیت و ادامه نسل ، دوام زندگی و تامین وسائل معيشت ، لازم و ملزم یکدیگر اند . همچنان تاریخ جوامع بشری گواه است که در تشکیل خانواده نقش سازندگی زن و مرد تساوی است همانطور که ادامه و تنقیم امور خانه و مسکن به زن تعلق دارد مرد نیز به نوعی خوش در رفع حواجع اولیه همت‌من کهارد سعی و تلاش هر چه بیشتر بر آن است تا لانه و گاشانه اش آرامگاه خوبی برای اعضا فامیل و ساکنان منزل باشد . اکنون نیز بایک تکاء زرف و عمیق دیده میشود، همانطوریکه مردان مسؤول اور آسایش و آرامی اعضا فامیل است و جایب و مسو لیتی‌های مهم را بشوشن دارد ، زنان نیز رسالتی بزرگی را به عهده دارند اینها اند که چه در خانه و یا هم برون از منزل در شیر وده در موسسان عرفانی علمی ، فرهنگی و هنری و بالاخره در رهه شئون و شقوق با شکوفان ساختن و تبارزدادن استعدادی های شان با تبارز قدرت فعال و احساسات وطن پرستانه و تفکر علمی و ذرف اندیشه شان توانسته اند بازوه بازو با مردان کارهؤر را انجام دهنده رفع نیازمندی های جامعه را تهایند کار های مهندسی مهندسی گردد در حقیقت فضای سالمی را ایجاد کرده و نشاط همیشگی افراد خانواده کوچک خود یعنی فامیل را تامین نموده است تجربه و عمل در جوامع به اینسانیه که دیگر زن عنصر عامل ، ضعیف و بیکار نبوده وتفاوت های فزیکی مانع انجام وظایف او شده نه تواند جای بس افتخار و مبهات است که با آمدن نظام مردمی در وطن عزیز راه خدمت و استفاده از نیرو و انرژی زدن راه تعلیم و سایر مزایای انسانی برای همه چه زن و مرد همیا شده و زمینه هر گونه فعالیت تمر بخش مساعد گردیده اینجاست که مستویت زنان ستین وستگیتر شده و انجام این مسؤولیت ها وایفای این کار های بزرگ موقف و موقعیت درخشنای رادر تاریخ ملی عصر ما تبت میگردد.

# به امید پیروزی های چشمکیز زنان

امریکا پنجاه فیصد و در بلجیم ده فیصد بیشتر گردید . ایدیولوژی دوران ساز طبقه کار ابتكار ارا به جواب علمی و تعلیم بهمنه زنان را که در تاریخ جوامع طبقاتی بدان توجه شدیدندست گرفت کاتکره اولی اتحادیه بین المللی کار کران در چنوا در سپتامبر ۱۸۶۶ که بوسیله پایه گذار پر بنویغ ایدیولوژی طبقه کار تأسیس گردید نهضتیه درباره حمایه از گاؤن را به ته‌نویب رسانید رهبران بر بنویغ طبقه کارگر چنان این نظریه خود بروزی داشت که زنان نباید در تولید اجتماعی شرکت جویند رد نمودند و طرفداری خود را از این اصل اعلان گردید که به جای منع کار زنان باید از آن حمایه صورت گیرد این موضع گیری علمی چنین کار گری را درین جهتی دهنون گردیده باید زنان را به منزله متحدین کارگران و دارای حقوق و وظایف همانند با مردان به مبارزه علیه استثمار سرمایه داری بکشانند «اگست بیل» این حقیقت را آشکارا بیان گرد که برای طبله کارگر و حزب پیش تاز آن خیلی مهم است که نقش و مقام واقعی زن را در جامعه بدستی درگ گند و به علم تساوی اجتماعی آن خالمه بخشید این چیزه درخشن جتبش کارگری هن تویس «رسالت تاریخی بروتارتیا» اینست که نه تنها راهی خوبی را تحقیق بخشد بلکه همچنان همه خلقها را واژ آن جمله زنان را از ستم وار هاند . تنها نظام های متفرق گام های بلندی درین جهت برداشته است باسas همین درگ علمی بود که حزب دمو کراتیک خلق افغانستان بعداز بیروزی انقلاب اسلامی و بخصوص بعدها مرحله نوبن و تکاملی توجه جدی بهمنه زنان گشود نمود و مقام انسانی زن را احترام گذاشت وزن افغان را در پهلوی برادران زحمتکش وی باحق مساوی قرار داد تازان بتوانند بالتفخار و سر بلندی نه تنها فرزندان قهرمان و دلیر بوطن تقدیم گشت بلکه خود به داری زن را بدان حکوم ساخته است درگیر و ساخت، هنگامیکه بعراخت سرمایه داری کارگر را از فابریکات بیرون همی بینست این فربه به پیکر زن کاری تربود و سریعاً ویرا وداد بخود فروشی و فحشا ساخته که افریمن جامعه سرمایه داری زن را بدان حکوم ساخته است درگیر و دار جامعه سرمایه داری موضوع زن آنقدر فروتنی گرفت که در پهلوی مسایل پیشمار زاده تضادهای آشنا نایدیر براین چامعه جنت بیبود زندگی زنان برداشت تعديل قانون مأمورین بود که به اساس آن زنان ده هنکام ولاد مستحق سه ماه رخصتی باعماش میگردند و همچنان میتوانند هفت یکسال برای تربیه طفل خود از رخصتی بدون معاش باختنا موقعت ورت به استفاده گشت . بقیه در صفحه ۵۴

گره گشایی تیپ سازی و بیووند منطقی بین پدیده ها و افیعت هادرین داستان موجود است بشرط آنکه یکبار دیگر با توجه پیشتر و معلومات عمیق‌تر آنرا بخوانید و لیکن بخاطر ساده نویسی بهبود سهل و همتنع بودن، شما آنرا یک مزارش غیر هنری فکر کرده اید پس لکن چند تا مثل آن بتوسید تا در مقایسه حقیقت موضوع دریافت گردد.

در مورد کلمه داستان دراز حرف ندارم که بگوییم، جزاینکه بگوییم شماچه خیال کرده اید؟ لیکن کسی درینورد چیزی به شما گفته است؟ واما در مورد تحقیقی بودن، باید گفت هر چند این، یک مقاله تحقیقی باذکر مأخذ و منافع وغیره نیست و ادعای هم درینباره بعمل نیامده، برای نوشتن چنین داستان نویسندگان معلومات زیادی علمی جمع حماس و تاریخی معلومات بدست آورید. فقط می‌توانم بآوری کنم که بیشتر اجزاء وویژه‌گی شای داستان گوشه چون گره اندازی، اوج، نهضت روشنگری دوره امپراتوری و فعالیت هنری

به اداره محترم مجله وزیر نوینون! در شماره (۲۱ - ۲۲) مورخ ۷ سپتامبر ۱۳۶۰ در صفحه (۱۸) برداشت «بخاطر بیروزی» نوشتۀ اینجانب مقدمه گوئه بی درین یک چوکات از طرف اداره به نشر رسیده است که هر واکنش تا برای تذکر توضیحاتی اداره بنارم.

شما نوشتۀ اید: (این نوشته نه داستان کوتاه استونه داستان دراز؟ نه مقاله تحقیقی ونه نوشته بی تاریخی).  
باشد گفت: برخلاف نظر شما این نوشته داستان گوشه است. برای شناخت داستان گوشه شمارا به دهها کتاب و مقاله که درین باره نوشته شده حواله میدهم و اگر کتب مذکور در دسترس شما قرار ندارد میتوانید از کمیسیون محترم قصه نویسی اتحادیه نویسندگان مطالعه کنید. از این مطالعه باید آورید. فقط می‌توانم بآوری کنم که بیشتر اجزاء وویژه‌گی شای داستان گوشه چون گره اندازی، اوج، نهضت روشنگری دوره امپراتوری و فعالیت هنری

## نامه‌یی از نویسنده «بخاطر بیروزی»

پاسخ اداره مجله به شمس الدین ظریف صدیقی

# داستان بی سودم و اشکم

اگر ذوق و حالی دارید، نوشته بخاطر بیروزی را بخوانید. آن داستان (۱) در شماره ۲۲ و ۲۱ مجله نشر رسیده است.

تابه دیر انگشت بر دندان بعائد  
گفت در عالم کسی دا این خناد  
این چنین شیری خدا کی آ فرید  
از چنین شیر زیان پس دم هزن

خیره شد دلاک او پس حیران بماند  
برزهین زد سوزن آن دم او ستاد  
شیری دم و سر وانکم که دید  
چون نداری طاقت سوزن ز دن

دوست عزیز ما، ظریف صدیقی، نوشته‌یی زیرنام «بخاطر بیروزی» چهت چاپ فرستادند که به اصرار و با فشاری شان از نشرش دریغ نورزیدیم، اما افزودیم که «آن نوشته نه داستان کوتاه است ونه داستان دراز، نه مقاله تحقیقی ونه نوشته تاریخی... همان حکایت قز و ینی است که وقت پیش گبودن که گبودم بز». از زبان مولوی می‌شنویم:

وقتیکه چنین هی گویید، چرا د لیش را  
حالا من افزاییم که داستان بدم و سرواشکم  
نمی آورید، چه جای بحث و فحص که هارا به  
کمیسیون محترم قصه نویسی اتحادیه نویسندگان  
کان حوالت دهید، مگر، غیر آنچه، کتاب  
قصه و داستان، در جای دیگر، یافت نمی‌  
شود، مگر کتابخانه هارا بستند؟  
آندهه ژید می‌گوید: «هر گز عقیده‌یی را  
مکانیکی تاریخ گذشته نیست. اساس کار مسایل  
فرن ماست و قصه تاریخی بهانه‌یی است برای  
طرح مطالب دو ران معاصر: ای برادر قصه‌چون  
بهانه‌یی است...»  
نویسندۀ «بخاطر بیروزی» هی نویسد:  
« فقط هی خواهیم یاد آوری کنم که بیشتر اجزاء  
وویژه‌گی های داستان گوشه چون گره اندازی،  
شد و در نتیجه وجود خواننده را تسبیح نخواهند  
کرد. اوج، گره گشایی تیپ سازی و بیووند منطقی  
بین پدیده ها و واقعیت ها درین داستان  
موجود است...»

سوی دلاکی بشد قزوینی  
گفت چه صورت زنم ای پیلوان  
گفت برزنه صورت شیر زیان...  
گفت برشانه گهیم زن این رقم  
باچین شیر زیان در عزم جزم  
درد آن در شانه گه مسکن گرفت  
مرهرا گشتی، چه صورت هی ذنی  
گفت از چه عضو گردی ابتدا  
گفت دم بگذار ایدو دیده ام  
که دلم سستی گرفت از زخم گاز  
شیر بی دم باش گو، ای شیرساز  
بی محابایی مواسابی زخم  
گفت این گوش است ای مرد تکو  
گوش را بگذار و گوته گن کلام  
باز قزوینی فناوی ساز گرد  
گفت این است اشکم شیر ای عزیز  
چه شکم باید تکار شیر را  
اشکم چه شیر را ببر خدا  
درد افزون گشت، کم زن ز خمها

عجین ها امام عاو روحانیون خردمند در  
و بافت همدرد و امثال آن فوی ترمهور تراز  
حال حاضر میتوانند در امر ارتباط مردم باشد  
همان نش را اینکه گفته که درین مبارزات  
هر وقت دیگر میتواند اثر خود را تراز دهد  
ملی بر ضد انگلیس ها انجام داده بود تا  
ازینرو وجود عشق بین عبدالرحمن و جنگ  
جنان سراط شیر همکاری با قوای مساج دز  
سپهگیری مردم در همکاری با قوای مساج دز  
کشف خواهی اسلحه و مهمات دشمن امروز  
مشبود است و همچین این داستان تبلیغ  
مشبی است در جهت خواست و نیاز هندی زمان  
کنونی ها در آخر خواهشمند غلطی های پنهان  
را که درین داستان بچاب رسیده چنین اصلاح  
فرمایید.

دقیق بجای دقیق ، دغدغه بجای دغه دغه  
ماهون بجای ماهون، جزء لا بجز ای بجای جزلا بجزی  
سیاسگزاری بجای سیاسگذاری، و خبیه (وقایه)  
بجای وجیبه، صفت بجای صفت وبالآخره بی رمقی  
بجای بی رمقی . از لطف شما شکر .

ظریف صدیقی  
کاپی به اتحادیه معترم تویستگان

مسکن عای چون مساد مقدره ، مشروب  
و بافت همدرد و امثال آن فوی ترمهور تراز  
حال حاضر میتوانند آن فوی ترمهور تراز  
هر وقت دیگر میتواند اثر خود را تراز دهد  
ملی بر ضد انگلیس ها انجام داده بود تا  
ازینرو وجود عشق بین عبدالرحمن و جنگ  
جنان سراط شیر همکاری با قوای مساج دز  
سپهگیری مردم در همکاری با قوای مساج دز  
کشف خواهی اسلحه و مهمات دشمن امروز  
مشبود است و همچین این داستان تبلیغ  
مشبی است در جهت خواست و نیاز هندی زمان  
کنونی ها در آخر خواهشمند غلطی های پنهان  
را که درین داستان بچاب رسیده چنین اصلاح  
فرمایید .

دقیق بجای دقیق ، دغدغه بجای دغه دغه  
ماهون بجای ماهون، جزء لا بجز ای بجای جزلا بجزی  
سیاسگزاری بجای سیاسگذاری، و خبیه (وقایه)  
بجای وجیبه، صفت بجای صفت وبالآخره بی رمقی  
بجای بی رمقی . از لطف شما شکر .

ظریف صدیقی  
کاپی به اتحادیه معترم تویستگان

تبخت امانی را پشتیبان اصلی به شمار  
میرفتند ، او با تمام احساسات و عملکرد  
هاش نهاینده گرو هیست که در به بیرونی  
رساندن آن نهضت سهم فعال داشتند . پدر  
عبدالرحمن از یک تیپ مخالفه کارتمانی و بی-  
تفاوت زمان خود بر گزیده شده است ، ملامام  
مسجد یک مذهبی خوب و فرمیده عامل موثر  
در نزدیکی مردم و دولت بوده و تلهله خود را  
در قالب حوادث مربوط جنگ انجام میدهد .  
دختر (جهن) هم نهاینده دختران پشتون عزاد  
خود است ، واما عشق ، داشت روشنانس  
نشان داده که در بحران های عاطفی ناشی  
از وحشت های عمومی ، ترس های همکاری و  
بیقراری های روانی ، جوانان که در محرومیت  
نفس و هندی قرار میگیرند ، نیاز شدیدی  
باشد که اینکه خدمت دفعه از وطن داوطلبانه  
به تسکین ناراحتی های خود دارند و با تمام  
خود داری ها در برایر چنین امکاناتی ضعیف  
نماینده تیپ خود انتخاب شده اند ، هنلا  
عبدالرحمن نهاینده تیپ جوان روشنگر که  
میشوند . نیاز به محبت جوین ، نیاز به  
میشود .

شما دست عبدالرحمن ، قهرمان چویسن  
قصه (!) را میگیرید به توکنی می برد تاحدانه  
از اینرو بعد نیست که بایستی جدالی رونها  
نشود و حاده بی تسلیم نیابد الا به دست  
تقدیر و تصادف و باز هدایتیم که حاده ،  
تصادف نیست . حاده از نظر « کود من »  
نتیجه جدال و در گیری کرکنده ها با یکدیگر  
است و در واقع اساس طرح و توطئه یسی هر  
داستان و آیا همین عنوان فرعی « در حاشیه  
جنگ سوم افغان و انگلیس » قصه (!) را از  
شكل و هیات قصه خارج نمی سازد ...  
نویستند « بخاطر بیرونی » میگویند : ... هر  
چند این ، یک مقاله تحقیقی با ذکر مأخذ و مراجع  
وغیره نیست و ادعای هم درین باره بعمل  
نیافرده ، برای نوشتند چنین داستان حما سی  
و تاریخی معلومات زیادی علمی جمع آ و دی و  
تنقیم شده است .

تحقیقات در باره تبخت روشنگری دوره  
امانی و فعالیت مکتب و معارف و فر هنگ در  
زهیه .... و عیب کار در همینجاست ، سرور  
ما . این مواد گرد آورده شده ، تبا شکل و  
هیات قصه را نمی سازد و باید هم تسازد ،  
زیرا مواد قصه از تو ، در گوره ذعن قصه  
نویس جوانه هیزنده واژ صافی هنر می گردد .  
مواد ، صیقل می خورد ، شسته می گردد ،  
کم و زیاد میشود و بقولی قصه ترکیب مجدد  
حقایق است بطور دلخواه و اضافه کردن چیز  
هایی دیگر است از تغیل برآن حوادث و در  
قصه داشن اکل طرفین جدل همیشه در برای  
یکدیگر سنگر بندی می گشند ... و در قصه بیان  
دیگر قصه نیست و یکی از بر جسته ترین  
عوامل اصلی جدال دو طرف جدال هستند که  
همیشه می خواهند در یکدیگر تائیر گشند . در  
قصه داشن اکل طرفین جدل همیشه در برای  
دو نیمه های منطقی ندارد . در داستانی کوتاه (!)  
در جای دیگر ، اگر عنوان فرعی « حاشیه  
بخاطر بیرونی » ، اگر عنوان فرعی « نویستند » بخاطر بیرونی ،  
جنگ سوم افغان و انگلیس « نادیده گرفته شود  
هر نوشته تاریخی را ، خود بر داستان کوتاه  
و در جای هم کلمه فرنگی ، اصلا دیگر از قصه (!)  
بخاطر بیرونی » می زند و میگویند : در باره  
جنگ واستعمار استغراج نمی شود و دیگر  
نوشته بیان تاریخی باید بگوییم که اعتراف شما  
مسعود و .... را می شناسید ؟

و فقط دانای گل داد سخن میدهد و عقیده یی  
لح و برو عنه را آشکارا و ییهم ، شعار می-  
دعده . در حالیکه نویستند نشان مید عدویانشان  
دادن و قوف میدهد و بانشان دادن شعور میدهد .  
آیا داستان (!) شما چنین است ؟ آیا در  
داستان کوتاه (!) شما آدم زنده هم بسیدا  
میشود ؟

ترلوپ چنین نتیجه میگیرد : «... من بدینگونه  
با آدمهای خود زسته ام و هر توفیقی که یافته ام  
از همین راه بوده است . نمایشگاهی از این  
آنکه یافتن پدر « جنگ » گره گشایی می کنند ،  
بی خبر از اینکه نگره بین افکنده شده است  
ونه بعرانی نه اوج و فرو دی .

آیا دلباختگی عبدالرحمن ، قهرمان بی گوشت  
و پوست و خون ، به جننه خود نمودی از گفته  
فورستر نیست ، « پادشا هی مرد و بعد ملکه  
مرد ». چرا این دو به عنم می دستند ، با آنکه  
عبدالرحمن به تعوی عامل و مسؤول قتل پدر  
و برادر جننه است ؟ آیا عبدالرحمن طلب ،  
بقول شما و خبیه کیم ، میتواند نمونه از یک  
تیپ آزادیخواه باشد ؟

کلمیم این قصه (!) طرح و تو طنه تدارد ،  
بینیم دیگر چه کمبود دارد ؟ حاده هم ندارد ،  
جدال هم ندارد و ... و اگر هم چیزی به نام حاده  
و جدال داشته باشد آنقدر گنگ و غیر درونش است که  
پوشاخت قابل رویت نیست و یا اصلا حاده  
خود ساخته به داستان (!) نمی چسبد ، زیرا  
قهرمانان (!) دینا میک و متجرک نیست و در قصه  
زندگی نمی گشند . و میدانیم که هیچ قصه بیان  
بدون جدال نمی تواند باشد و اگر قصه بیان  
بدون جدال نمی تواند باشد و اگر قصه بیان  
جنال باشد .

دیگر قصه نیست و یکی از بر جسته ترین  
عوامل اصلی جدال دو طرف جدال هستند که  
همیشه می خواهند در یکدیگر تائیر گشند . در  
حقایق است بطور دلخواه و اضافه کردن چیز  
هایی دیگر است از تغیل برآن حوادث و در  
حقیقت افریتیش مجدد حوادث است .

بخاطر بیرونی ، اگر عنوان فرعی « حاشیه  
جنگ سوم افغان و انگلیس » نادیده گرفته شود  
هر نوشته تاریخی را ، خود بر داستان کوتاه  
و در جای هم کلمه فرنگی ، اصلا دیگر از قصه (!)  
بخاطر بیرونی » می زند و میگویند : در باره  
جنگ واستعمار استغراج نمی شود . شما  
خواننده قصه (!) در نمی باید که جنگ برسر  
بچه در صفحه ۵۱

# پیام زندگی نو

## پیام ما

ما خواستار صلح  
ما رهروان راه سکونه‌مند کار  
ما همتغار مردم را حمکش و ملن  
مادر لالاش راه نوین برادری  
یک آرزو بدل  
وآن اتحاد بی خلل جمله کارگر  
با جمله بزرگ  
و آنکه همه یکی  
در جیوه ملی  
یکجا رویم بسوی جهان برابری

زهرد بیر خسته دل ، زیرشکسته نو جوان  
زیبوه گشته نو عروس ، ز اشک و خون ما دران  
ز تودگان در بدر ، ز دختران نا مراد  
ز خواهان خشمگین ، ز توده‌های فیروزان  
ز گوشه گوشه وطن ، گتون بگوش می دست  
پیام زندگی نو ، سرود صلح‌جاذیدان  
پیام زندگی نو ، ز شیر و ده و دره ها  
سرود صلح و دوستی ، رسیدها ز مردان  
پس ای برادر و دفیق ، نشستن بخانه جیست ؟  
بجز نبادن وطن ، به چنگ قلم‌نمیان  
خوس آن بود اکبر دهیم ، نجات‌مادر و طعن  
زکشور عزیز خود ، بیرون گشتن ستمکران  
بابا توکارگر ، تو قدون زمانه ساز  
شکن طلسیم کیته را ، بیاز وان بسر توان  
بیا بیا تو بزرگ ، ز گوشه شاز بیشه ها  
برای عسکر جوان ، سرود مردمی بخوان  
بابایا تو بذرگ ، ز گوشه هاز بیشه ها  
برو به چیشه نبرد ، به ستمکران  
جو موج مست حمله کن ، به چاکران زوروزد  
و خلق خود رها نهاد ، ز قید و بندبای و خان

دستگیر پنجشیری

۲۱ سپتامبر ۱۳۶۰ کابل-افغانستان

## هیهون سر بازان

هن فرزانه گوه های سر به فلک گشیده‌ام ،  
با همه تپی دستی ها ، عتم بلند است ،  
هن زاده دشت های سوزانم با آتش خسروکردام  
سالها چون بدر خویش بر خار مغیلان راه سیرده ایم ،  
از تیر و تیغ و خنجر نمی هراسم  
زاده گوه را تندر دایگی گرده  
چه صدایی دلم را از جا بر خواهد گند ؟  
هن سریازم و بدرم سریاز بود  
همجون بدر خویش ،  
ویهیم هیهون سر بازان است  
این را سکندر دید و چنگیز و آذ هنستان فرهنگ ،  
وای بر من اگر بر بستر جان سبارم  
بگذار خاک هیهون با خون من  
سیراب گردد  
قاچل های آزادی شکو ها تر و ر تکین ترسیرکشند .

## کبوتر صلح

چنگ است به نزد همه جو مات  
آنکوئه که نزد نور، ظلمات  
در راه نجات نسل انسان  
بر فرق تمام صلح جویان  
بر راز کن ای کبوتر صلح  
با همذده روح بپور صلح  
چون بمال و پرت ، رهت سفید است  
خردل برا تو با امید است

## سر باز

### مغور و حسن

بسکه گار یشه فرهاد رنگین آمده  
هر که بند نش او گوید که سیرین آمده  
ستگ بر سر میز نه خسرو ز شرم گوهن  
نش این استاد کار از بسکه سرگین آمده  
کو ندارد زلف بر سر شرق پایوس ترا  
ازجه رواز عالم بالا به یائین آمده  
شوخ من ناریخت خون شبدان را بخاک  
حروف تیفت هر کجاد بدم که رنگین آمده  
گرنگشته هرخ دل در دام زلف او اسیر  
همچو گشک از جه رواخ به چنین آمده  
گار فرهاد محبت یشه را خسرو وجودید  
کلت این تصویر زیبا ساخت سیرین آمده  
ساق آن غفور حسن از بسکه بدینه هر ا  
کصدی از کوی او بسویه نمکین آمده  
شایق جمال

نیروی تان - باروی تان  
توفنده است ، گوینده است  
بر ارجاع  
بر دشمنان خاک هان  
بر دشمنان مردمان  
\* \* \*  
سر باز ها - سر باز ها  
دایم سلاح بر دوش تان  
عمر دوز سرخ آفتاب  
کاهی میان دشت ها  
کاهی درون سنجار  
الفینه اید بر عزم این  
از بیر اهن مملکت  
از بیر صلح اندر جهان  
سر باز ها - سر باز ها  
جنگ شما  
جنگ نو است با گنه ها  
تاکنه ها مغلوب شود  
تاغو ها غالب شود  
جنگ شماست خد چنگ  
از بیر صلح جاویدان  
سر باز ها - سر باز ها  
عزم شما ، رزم شما  
پاینده باد ، تاینده باد  
عشق شما آمان تان

### ای هیواده



ای هیواده خما روحه ، خما نسنه  
زماآوند بی ، راته گران بی له هر خه نه !  
نه سبب می دزوئدون او ده قابی  
ای هیوانه ، ته خما دیشمن سنه ای

### رآز نیرو بیمه

خکه ، ستاینه به تل ذه کپس سانه  
خما زوند بی راته گران بی له هر خه نه  
نه میرات موئر نه را باتی له نیکویی  
نه خلا نکو دار تیانا دنپستو بی  
او س کوو موئر سنا دتیر عظمت پاله  
خما زوند بی راته گران بی له هر خه نه  
القانان دی سنا خدمت سانی ملاتر لی  
سنا به قدر او الیوت بسیه بو هیانی

گر بود عمر بیخانه روم بار دگر  
معرفت نیست درین قوم ، خدا یا سبیبی  
خون آن روز که بادیده گریان بروم  
پار اگر رفت و حق صحبت درین نشاخت  
هر زمان بادف ونی بر سر بازار دگر  
کنند قصد دل دیش بازار دگر  
باز گویند درین واقعه ، حافظه تنباست  
خرقه گشتند درین بادیه بسیار دگر

# ପ୍ରିଯାମନ୍ତର

این هفته از ادبیات لهستان

## برندۀ جایزه نوبل

انت کوا در حالیکه اسکپاین را که از شدت خشم از چشمانش فرو می ریخت ، پلاک من گرد ، روی پا های کشیش افتاد و آب نمکس را در ظرف لب پرینده بین ریخت ، ظرف آب مقدس را به گوشه یی گذاشت و لفڑ راهرو شد .

را به دیگران بخشید . پانزده جریب ز هین ، زمین می زدند که گرم شوند ، زنها در حالیکه دست های خود را زیر پیش بند های شان ابرای لعنه بی کشیش ایستاد ، هر روزی اش .

کاربها و آن همه اسباب و لوازم را ، واو فرو کرده بودند ، بهم فشرده می شدند و با به جمع انداخت ، لباس یوست گرانبهایش را فیله های صبور ، به در اتفاق نشیمن چشم اطراف شانه اش محکمتر کرد ، اما چیزمناسبی دوخته بودند .

عاقبت صدای زنگ آنپارا به درون اتفاق را به طرف آنها تکان داد و در حالیکه دست خواند ، همدمیگر را با شمار گناه زدند و یکی سفید خود را میداد که بوسند و آنها چلوبای او خم شده بودند ، از اتفاق بیرون رفت .

یکی داخل شدند ، مرد محتضر به پشت شوهر زن سخن او را قطع کرد و گفت : سبید بود از زیر پیراهن بازش بخوبی معلوم شدند ، روز کوتاه ز هستانی به پایان خود شدند ، احمق ، این حرف ها چه فایده بی داره ، هیشد کشیش روی او خم شد و آبرا روی زبان بیرون آمده اش پاشید ، همه زانوزدند ، زانه ایشان به سقف دو خم شده در حالیکه چشمها یشان به ساقه گردید ، تاریکی شب بداخل اتفاق می خزید ، انت کوا چلو شیش رفت آنها بلا فاصله پرا گنده وقتی کشیش رفت آنها بلا فاصله پرا گنده شدند ، روی هر کوتاه ز هستانی به پایان خود هیشد کشیش روی او خم شد و آبرا روی هیش ها ، هالی که در حق ها نا توائسته ظلم گردید ، بیچاره من ، بد بخت من .

تکان داده نمیشود .

هرد دیگر متفکرانه گفت :

- و فتن گاو نخواهد تکان بخورد ، از جا باسر و صدا آه می گشیدند ، زنبا بطرف زمین خویده بودند و صدا می دادند :

انت کوا دو باره به گریه افتاد .

سوهم غرید واز میان دندانهایش تفگرد : - ای عزیز خدا که گناهان مردم دنیا را میگردد ، آدم به موقعش به همه چیز عادت میکته ، میشویں !

در گوشه یی سگ پریشان از صدای یک اتفاق را روشن کرده بود . انت کوا یکدفعه سوسو هیزد و زانوی زن و قسمتی از کف دوباره همه ساکت شدند ، باد در را به نواخت زنگ با بدخوبی خرخر می گرد .

کشیش گار تد فین را تمام گرد و به دختر از جا جست واز پنجه به بیرون نگریست و به بازار د هکده نگاه کرد ، بازار خلوت بود ، برخ انبو هی بارید ، از طا صله چند قدمی متفکرانه ایستاده بودند و پا هایشان را به - شو هرت کجاست انت کوا ؟

- نه غلط کردم ، نه هلاکم کن ، نه ..  
زنه محکمتر او را زد :  
- چوچه سک ، نه عیزم داریم و نه آب  
و تو ایلا ، ایلا میگردی ..  
عاقبت پسرک توانست خودرا از دست او  
برهاند ، از پنجره بیرون برید از بیرون بسا  
روبل بیرون افتاد ، چشمهاش برق زد :  
- پس و قش که گفت بولی برای کفن و  
دفنش جذاکرده ، دروغ نمی گفت :  
- انساء الله دستت بشکند ، انساء الله  
ماگدا و حشته از جا بر خواست و در را  
پول هارا در پارچه بی پیجید و در یعنی  
بیمیری ، آ تقدیر منتظر بمان تا بیوسی ، امام  
آب ، نمس آورم و به طرف ده دوید .  
پیراهن پیشان ساخت .  
ای بیود ، ای خاین انساء الله که برای  
چراخ سر بخاری به بیت پیشان ، دخترک  
همیشه کود شوی .  
نیم ساعت گذشت و آتو قت برف زیر پای  
عق عق میکرد .

روی برف کشیده میشد و دو شیار عمیق بوجود  
آن بدها هر دو گشت و به آنها نگاه کرد .  
مالو شا ، مالو ، مالو ، مالو !  
شدت سر ما بیر مرد بیبوش و محض را  
کرد و پشت به پنجره گردن بند تسبیح را از هم  
به هوش آورد و چون در هویلی شروع  
شگافت ، و قش چند نوت کا غذی و چند سکه  
به ناله کرد و برینه بریده گفت :  
روبل بیرون افتاد ، چشمهاش برق زد :  
- حق داری چیخ بزن ، هر چقدر دلت می-  
خواهد چیخ بزن ، اگر حنجرهات راهم باده کنی  
کسی صدای ترا نمی شنود .

او را به آنطرف خوبیلی کشید و بایا در  
خوکدانی را باز کرد ، بیر مرد را به دا خل  
کشید و کنار دیوار انداخت .  
ماگدا با دستهای کو چکش با های پسردر  
بزرگش را گرفت و منتظر بالاتگاه گرد ، مادرش

عنه چیز در برف محو شده بود ، جلو بستر  
برای مدتنی با تر دید ایستاد ، آ تو قت بگذفه  
می آورد .

لحف را مصمم و با خشونت از روی بیندن  
یدرس بر داشت و آنرا روی تخت خواب  
دیگری بر تاب گرد ، زیر بغل های بیر مرد را  
گرفت و او را روی هوا بلند گرد و بلند فریاد  
- چو لیشا ، واخ خدایا ، جو ...  
کشید :

- ماگدا ، در را باز کن !  
ماگدا و حشته از جا بر خواست و در را  
باز کرد .

- بیا اینجا پا هایش را بگیر !  
ماگدا با دستهای کو چکش پا های پسردر  
خواک خواه خر خر کنان جلو آمد و بجه



- تو دیگه چرا گویه میکنی ؟  
- نه ، اوه .. او .. بایه کلان .  
دخترک گریه کنان دوی زانوی هادرش خشمد .  
- بس کن دخترک ا حمق .  
طلل را روی داشت و شرکت و به خود دش  
پسر بیکاره ، در ده ساعت تیری میکنی  
غدیان میگفت ، به نظر می آمد که تدبیر  
چشمهاش را با دست های کو چکش ماید  
در آستانه در پایش لغزیده بود و پا های بیر  
خوکها دنبال هم در خوبیلی می خویدند ،  
لطفا ورق بز نمید .

کسی آهسته آهسته راه می رفت غریب صدا  
گرد و سایه اش از جلو پنجره رد شد .  
آننا کوا کنده چوبی را برداشت و کنار در  
که باز هانه بود ، ایستاد ، پسری هشت ،  
برگشت ، بیرا عن بیر مرد را پاره کرد ،  
نه ساله وارد اتفاق آمد .

- پسر بیکاره ، در ده ساعت تیری میکنی  
لگدی با گفشن تلی چوبی خود به پای بر هنه  
در حالیکه با گرفت ، او را گرفته بسود .  
بیر مرد که از هم باز شده بود ، زد و بیرون  
بادست دیگر پسرک را که داد و فریاد می  
رفت .

مرد از دستان کو چکش را شده بود ، پا ها

دوباره هفدهم تر فر مان داد :  
- خب بیا گمک کن که بیریمش ، این طرف  
و انطرف را نگاه نکن ، عز چه که میگوییم بورا  
تیام بده .

بیر مرد سنتگین بود واز هوش رفت ، منتظر  
نمی آمد چیزی از آنجه بر او میگذشت بفهمد ،  
زدن محکم او را گرفته بود و من برد ، نمی برد  
بلکه او را بدنبال خود می کشید ، چون دخترک  
در آستانه در پایش لغزیده بود و پا های بیر  
مرد از دستان کو چکش را شده بود ، پا ها

بیست احمدق ۱

- تو بوزه ات را بیند ، چوچه سگ .  
و بعد به جان هم افتادند ، از هوی هم کشیدند  
و دشنام گویان همدیگر را تاصر حد مرگ لت  
و کوبک ردنده تاینکه مرد ها به زور آنها را  
از هم جدا ساختند ، با چیزهایی که بود ،  
پراز خراس و شبهه به غیرت های جادو گز .  
آنتا کوا کوا از خشم و درمانده گز به گزیمه  
افتاد ، موهاش را میکند و شیوه هی کرد :  
- خدا یا ، خدا یا ، مریم مقدس ، به این  
زن نفرین شده تکاه کن ، لعنت به این کافرها ،  
وای ... وای ...

در همان لحظه تومه کوا در بیرون خانه  
فریاد میزد ، نفرین هی کرد و هشت به در  
می کویید تماسگرها می کوشیدند آنها را  
ازام سازند و پند دهن .

عاقبت کشیش وارد شد ، تابوت را از اتاق  
بیرون آوردند و در گادی گذاشتند ، و فتنی  
جمعیت به سوی کو دستان روانه گردید ، زنان  
به توجه سرایی پر داختنده بجهه های خرد با تکاه  
مشتاق از عقب پنجه های بسته به بیرون  
برداخت مصادف گفن و دفن را ندارند ، هنوز  
بی دندان که چیزهای هرم اعلام کرد حاضر است  
برشیار بود ، دیده هشتدند .

جمعیت کمی از اطفال با تبان های گر باسی  
ونیم تنه هایی آبی که دگمه های برنجی داشت  
با یا های بر هنری که در گلش های چو بی  
قرار داشت ، دنبال کشیش می دویدند ، به  
تصویر پنجه و دفن خرسش را بیز دارد .

دو خواهر نزدیک بهم ، عقب تابوت راه هی -  
رفتند ، دعا را زیر لب ز هزمه هی کردند ، و  
بانگاه های پر از خشم به همد یکر میدیدند .

سرود لا تیش به آخر رسیده بود ، ز تهای  
صدای لرزان به خواندن این سرود قند یعنی

پرداختند :

- آنکه قرین ر حمت پر ورد گار است .

صدا قدرتی نداشت ، باران پر خاسته

بود ، نمی گذشت صدا ها به اوج خود برسد .

هو آرام آرام تاریک میشد ، باد توده عای

برف را از دشت های بی آب و علف هی آورد

و ته عربان درختان را می بوساند ، سرود

ادامه داشت :

« و کلام او را دوست دارد و ده قلبی باک

نگه میدارد . »

وقتی مردم با تکرانی به فضای سفید خانی

نگاه می کردند و آواز شان پیاپی قطع میشد .

وقتی با عوهوی گرفته بین در غضا من پیچیده ،

اتکار غضا به حرکت هی آمد ، مثل حصارهای

عقلیم بالا میرفت و گاهی مثل آواری فرو

من ریخت ، هزاران سوزن تیز را به چیزه

عزیزدار ها بر تاب میگرد ، بیشتر آنها از

ترس زیاد شدن سوز سر ما و برف از میان

راه برگشتند ، بقیه باشتاب بسیار تقریباً بسوی

بقیه در صفحه ۳۸

بایوشن سفیدی از برف و صورت درد زده ،  
با زبان بیرون افتاده و دندانهای قفل شده قیافه  
هول انگیزی پیدا گرده بود ، لکه های کیودی  
روی پوست بدنش دیده میشد و سر تا با از  
کنافت پر شده بود ، مرد در حالیکه روی جسد  
خم شده بود ، آئسته گفت : بگیرش :

نفس ز نان گفت :

- باید کسی را پیدا کنیم که او را بشویه !

- درست است ، میروم « کرو گنگی » را

میارم .

همینکه هوا روشن شد ، آنکه را عقب  
کرو گنگی فرستادند ، یکساعت بعد مرد شست

وشوی گردید و لباس پوشانده شد ، شمعدان

مقدسی را نیز بالای سر شن گذاشتند ، آنوقت

آنکه رفت که مرگ پدر بزرگ را به اطلاع

کشیش رساند و شمنا بگوید که آنها قدرت  
برداخت مصادف گفن و دفن را ندارند ، هنوز

غروب نشده بود که « تو هاک » داماد دیگر

زیر تائیر گیاهی هرم اعلام کرد حاضر است

خرج گفن و دفن خرسش را بیز دارد .

روز سوم کمی پیش از هر اسم گفن و دفن ،

زن تو هاک نیز آمد و در راه هرو سینه به سینه

بردن یک سطل آب به کاو دانی بود ، سطل

دا به زمین گذاشت و گفت :

- بالآخره پیدا شدی ، شاگرد شیطان ، تو

که خود را از سر پیر مرد رهاندی ، چطور

جرت میکنی پای در این خانه بگذاری ، هنر

آمده بی لباس های کهنه اش را بیری ، مرد

خوار !

- « توعه کوا » به آرا می جواب داد :

- عقب یو سینش آهد ام ، من آ نراباپول

خودم خربده بودم .

آنکه کوا با خشمی دیوانه وار فریاد کشید :

- بوسین را می خواهی ؟ حالا بسرا بست

نشان می دهم .

و بعد با ضمیم تهدید کننده عقب چیزی

گشت تا او را لت و کوب کند به گپ هایش

و ته عربان درختان را می بوساند ، سرود

ادامه داد :

- میخواهی که بیری راستی که پر روی ،

حد در بوت پاکی گردی و تملق گفتی تا همه

چیزش را بتو بخشید و به حق من ظلم کرد

و آنوقت ...

- همه می دانند که ما ز مین از او خریدیم ،

تمام مردم ده شا هدند .

- از خدا شرم نداری که این همه دروغ

میگوین ، تو دزد ، تو سگ بیشرف ، تو سو

شوهرت بو لبایش را دزدید و بعد هم آقدر

چاپلوسی گردید که او بانزده جریب ژ میش

و تمام تروت خود را به شما بخشید .

- بوزه ات را بیند و گرته من برایت میبینم

چون دیگر هیچ وقت او نمیانه زمین را از گرو  
من خارج سازه و اضافه کرد :

- با او قرار داد می بندم که اگر در مدت

ینچ سال زمین را از گرو بیرون نیاره ، زمین

ملک شخصی خودم شو .

ایگناس با احتیاط به درون اتاق خزینه ،

کسی خشمی به او نگرفت ، همه ساكت بودند

و در اندیشه های دور و دراز خود غوطه ور

بودند ، چند لحظه بعد و قتن که زن از گذاشت

بول ها در جای مخصوص صی آرام شد همه به

خواب رفتند و در همانحال پیر مرد هرده بود ،

خوکانی ۱ تا لکی بی حفاظ بود ، کسی صدای

خوکانی ۲ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۴ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۵ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۶ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۷ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۸ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۹ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۰ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۱ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۲ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۳ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۴ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۵ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۶ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۷ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۸ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۱۹ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۰ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۱ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۲ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۳ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۴ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۵ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۶ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۷ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۸ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۲۹ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۰ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۱ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۲ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۳ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۴ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۵ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۶ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۷ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۸ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۳۹ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۴۰ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۴۱ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۴۲ مید او را که طلب رحم می کرد ،

لرزان نا ۴۳ مید او را که طلب رحم می کرد ،

از رووف راصع :

## بورسی مجلات تازه کشود

# «صحبت» تولدی

## تازه در مطبوعات ما

یکی از خصوصیت های عده و وزیری های مبار کردن امراض مذهب و گشته چشون میرانی شوم برای ما باقی هاند و در برای خاص کشور های عقب تکیداشته شده گهله میرانی شای فراوانی رادر زیر ضوابط استئمار گرانه میگردند.

خان سالاری زیسته وزیر فشار های گونه گون صحن در سطح پائین ترین ویسماںده توین کشود های حس عقب تکیداشته شده قرار دارد.

به گونه یعنی که کشور مارا از نظر تامینات در پهلوی این معایب، توپر گلوز و امراض دیگر زاده فقر که بیشتر هولود شرایط تا هنچه از اقتصادی را در جهت رسید و اکتشاف جامعه و در رخ های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ظالمانه توده های وسیع انسانی را در بینداد فقر غوطه و رساخته و امکان هر گونه فعالیت جمعی سازنده را به منظور تحقق آرمان های والای انسانی در جهت رسید و اکتشاف جامعه و در رخ های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از آنان سلب داشته است.

شرایط نا هنجار و قد منافع ملی، علم مناسبات عادلانه تولیدی و پایه میال گشتن تمام حقوق طبقات رنجبر و زحمتکش به وسیله افشار و طبقات حاکم از یکسو زیسته های چیاول و خارجی سرمهای های ملی راه و سیله صدر نشینان حاکم مساعد گر دانیده واز سوی دیگر توانایی های توکیدی کار گران و دهقانان را که اکثریت فیصله جمیعت هارا دراین جوامع تشکیل میدهند هور بوره کشی قرار داده و در نتیجه زمینه های فقر، بیماری، بیکاری و بیسادی را هر روز بیشتر بسط و توسعه داده است.

عدم تامین صحن عمکانی، علم موجود یت سازمان های وسیع و قایوی که در عمل گرد توانایی پیشگیری امراض رادریک سطح ملی دارا باشند و عدم توازن توزیع خدمات صحن در میان توده های میلیونی و توجه تقسیم خدمات به گونه انحرافی و به لفع افشار بالایی همه در مجموع حجم بیماری های ساری وغیرساری رادر میان کودکان، زنان و مردان رنجبر و فقر افزایش داده و جامعه را رنگی بیمار گون زده است. چنانکه هر سال بیش از گذشته تلفات جانی را متوجه آن میسازد.

نکرنسی هر چند گوتاه و شتابنده به شرایط خاص کشور ما نیز که کشوری است عقب تکیداشته شده به وسیله نظام های فاسد و فسیلی سالارمنشی خانی گذشته، کویای این واقعیت درد ناک است که شیوع بیماری های کشنده ساری، موجود بیوهان امکانات گسترده و شرایط پیشگیری آن و عدم توانایی

مارا در هیکنده \*  
این درست است که برای بوجود آوری طبیعی خرد در بیک حداوسط نه طفل زایهان میگند امادر موقع مرگ بیش از بینج فرزند ندارد، به معنی دیگر از هرنه کودک ما چهار آن بیش از زرسیدن به سن مکتب میمیرند. در حالیکه اگر سرایط وفا به ویشگیری بیماری عای ساری وواگیر وجود داشته باشد، همه آنان میتوانند زنده مانند.

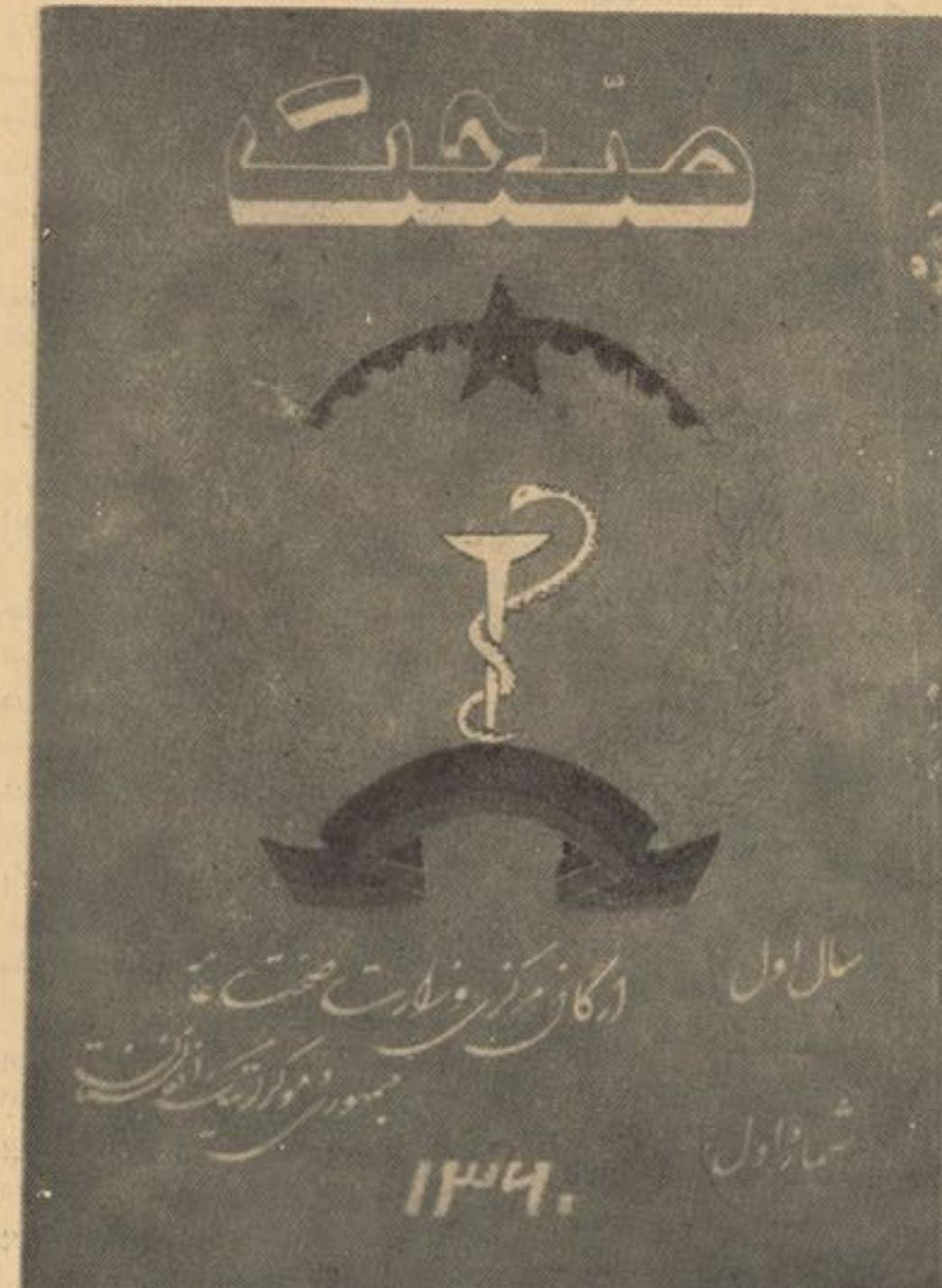
همین احصایه ها که شاید اگر دقیق تر تبیه گردد مارا از حجم و سیعتی از معایب آگاهی دهدند بر اساس این آمار یک مادرانش نش مادر یادر دوران بار داری و شیردهی میمیرد و بالغلب به فقر غذایی مصاب میگردد که اگر توزیع خدمات حمایه طفل و مادر تنظیم گردد و مواد غذایی لازم در زمان بار داری و شیر دهنی به مادر برسودختمان نرسنگ و قابله گی برای همه درده و شیر میگردد، این تلفات میتوانند در حد نزدیک به صفر کاهش یابد.

در پهلوی این معایب، توپر گلوز و امراض دیگر زاده فقر که بیشتر هولود شرایط تا هنچه از اقتصادی، عدم شرایط تامین حفظ الصحة خود استفاده نیزند.

این واقعیت است که وفا بهتر فاردا نز از تداوی است اما برای اینکه این واقعیت مورد پژوهش جامعه قرار گیرد مردم باید از حد اول آگاهی صحن بر خود را گرددند، باید بدانند که چه بخورند، چگونه بخورند و کی بخورند، باید به پاک تکیداری محیط زیست باور گشته، باید راه های آسان جلو گیری از انتشار میکروب ها را بفهمند و باید بدانند که در چه شرایطی میکروب میتواند تکش کند و در چه شرایطی نابود گردد و خیلی دانستی عای دیگر را نیز در همین زمینه فرا گیرند که برای رسیدن به چنین عذر وسائل ارتباط گروهی و در شرایط ساده کشورها که بیسادی عام است رادیو بیش از همه نقش دارد.

برای تحقق تعیین صحت و برای آگاهی دهن زمینه های وفا بیوی باید نشرات فراوان صورت گیرد و مسایل در زبان ساده بایوسترها پا فلیت ها، لیف لیت ها، مجلات و چراید فلم های مستند و آموزشی و هرسیله مفید دیگر، توضیح گردد و هم چنین سطح آگاهی و دانش برسوند طبعاً صحت عامه هر روز بلند برده شود تا آنها بهتر بتوانند مقاومت صحن را به مردم بیساد و کم سواد انتقال دهند، باید کار کنان صحت عامه رعتمایی شوند که به جمع آوری احصایه ها و آمار دقیق در هر کجا باید که وظیله دارند و بپردازون مسایل گوتا کون طبی و در ارتباط عقاید مردم بایمایری عامله های و موارد تبیه و ترتیب دارند تا این معلومات در تحقیقات علمی و پرسیج های موردن درود طرف استفاده قرار گیرد.

«صحبت» مجله سه ها هم تازه بیش است که به عنوان ارگان مرکزی وزارت صحت عامه تازه به نشرات خود اغاز گردد و بخستین شماره آن اخیراً به قطعه متوسط در یکصندوو صفحه از چاپ بر آمده است، این مجله با اهداف نشراتی مشابه چند سال در خدمت بقیه در صفحه ۴۵



# از میان فرستادهای شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

سال جبس و لی در زندان هم  
دست از عقايد خود و ترویج آن  
بر نداشت و چون رفته طرف  
دارا نی پیدا کرد و مخصوصاً در  
دربار خلافت چندتن از اشخاص  
متغیر به حمایت او برخاستند از تو  
در سال ۳۹۰، اورا باز محاکمه  
نمودند و این محاکمه هفت ماه طول  
کشید و در روز عجده ذی القعده  
همان سال فتوای قتل او صادر  
گردید. از طرف سه تن از علمای  
مشهور آن عهد و چهار روز بعد امر  
خلافت نیز در قتل او صادر شد و  
در روز بیست و چار ذی القعده  
۳۰۹ در جلو زندان بغداد او را اول  
حد زدند و دست و پایش را بریدند  
و بعد بدار کشیدند در صور تیکه  
در همان حال باز آواز «انا الحق»  
از حلقو م او بیرون می آمد. آنگاه  
جسد او را از دار پایین آویزد  
سرش را بریدند و تنفس را سوزان  
نندند.

شیخ عطار که او نیز در سنت  
۳۰۹ سال بعد از آن در سال  
۶۱۸ در فتنه چنگیز بشداد رسید  
در فصلی که در کتاب «سی فصل»  
خود در باب «تو صیف انسان کامل  
ووصول به آن مقام دارد» منصور  
ابن عیسی و زیر او را محاکمه  
نمودند و سخت شکنجه و عذاب  
معروفی نموده و در حق او چنین  
دادند و عاقبت محکوم شد بهشت سروده است.

به نیروی جمعی در آمدند  
ناجها نرا زیستگاه باهمی سازند.

۳-

و امروز ....  
انسان عصر نوین

با آفریدن اسطوره خویش،  
فراتر از مرز زمانها و مکانها  
عروج می‌کند:

۴-

زیرا گه ...  
سالها قبل از بطن زمان

که آبستن تولد دیگر بود:  
حمسه انسان تولد شد!!

(کابل ۹ جدی ۱۳۵۹)

دستگیر نایل

## تولد دیگر

آنها که راهی ،

بسی فردا های روشن

و تک رواندیشه امروز ما بودند.

فکر و عقیدت شان

پژوه شناکن یک خورشید:

از جنگل تاریک وابیه عقیدت ها

بدرخشیدن آغازید ،

و به پنجه فکر انسان ،

نود یا شید!

-۲-

وانسان ...

به امید فردا ،

فردا روش و آزاد

که فشار زمان از پشت بود ،

## منصور حلاج

« منصور وار گر ببرند بپای دار  
هر دانه جان دهم که جهان پایدار نیست ..

این منصور حلاج که همه  
اسمش را شنیده ایم و شعر و  
عرفای ما آن همه در حق او سخنان  
بلند گفته اند، کیست؟

تصویر نمیرود که از صد نفر ما  
یکنفر باشد که بتواند باین سوال  
جواب صحیح و مقنعی بدارد. یک نفر

از مستشر قین فرانسوی موسم  
به ما سینیون پس از زحمات  
بسیار و تحقیقات و پژوهش های  
بیشمار و مسا فرت دور و درا ز  
به بغداد که شهادتکار حلاج است

چند کتاب در با ب منصور حلاج  
تألیف نموده که بطبع رسیده است  
و بلا شک تاکنون بدان شرح و  
تفصیل و دقیق و تحقیق کتاب جامعی  
نه در عربی و نه فارسی و نه در  
زبان های فرنگی نوشته شده  
است. از این رو اطلاعات ذیل  
را از همان کتاب پروردیم و  
ما سینیون در ترجمة حلاج

نقل می نماییم:

حلاج مرد مجذوب و دلبخته ای  
بود که در راه عقیده پاک و بلندخود  
غایت مجاہدت را به منصه ظهور  
رسانید و در ترویج آن چه در  
وطن خود و چه در اطراف جهانی  
که در آن تاریخ بدان دستور سی  
بوده زحمات و مشکلات بی نهایت  
متحمل گردید و بیش از آنچه  
بتصور آید از دست تعصب و جهل  
و بد خواهی هم کیشان و هموطنان  
خود عذاب و مصیب دید و عاقبت  
پس از هشت سال حبس متواتی  
در زندان های کثیف و تاریک  
بغداد بالآخر در بالای دار در کمال  
مردانگی و شهامت جان داد چنانکه  
حدیث آن هنوز ورد زبان خاص  
وعام و ضرب المثل جانفشا نسی  
مردا نه است. حلاج ما نند عیسی  
مسیح و همانم خود حضرت ابا  
عبدالله الحسین و جانبای زان بزرگ  
دیگر با شهامت و شجاعتی که  
ما فرق آن تصویر پذیر نیست  
جان داد و صدای حقا نیت خود را  
پکوش عالم و عالمیان رسانید ولی  
اگر شهرت آنان را نیافت حقا که  
قصیری بر او وارد نیست و اگر  
قصیری در میان باشد با تاریخ  
است.

اینک و قایع عمدۀ زندگانی  
حلاج با تعیین تاریخ آن :  
هندوستان واز هند به ترکستان  
رفت و همه جا بمو عظه و تالیف  
منصور از اهل بیضا فارس و در  
uman نزد یکی بیضا در حدود سنه  
۲۴۴ هجری بدنیآمد و است و لی  
تریبیش در عراق در شهر واسط  
بوده است.

در حدود سنه ۲۶۰ که شانزده  
ساله بود به شاگردی بخد مت  
در حدود سنه ۲۶۷ ابن داود اصفهانی  
فتوى بر ضد او داد و حلاج دستگیر  
گردید و بتو فیض در آمد.

در ۲۹۸ از حبس گریخته مدتی  
مخفي بود و در همان حال شاگردش  
ابن بشر مورد تعقیب متعصبین  
واقع گردید.

در ۳۰۱ دو میان بار دستگیر شده  
مورد استنطا قهای مفصلی واقع  
گردید و سپس در بغداد در حضور  
ابن عیسی و زیر او را محاکمه  
نمودند و سخت شکنجه و عذاب  
دادند و عاقبت محکوم شد بهشت سروده است.

در حدود سنه ۲۶۲ در بصره  
بخد مت و شاگردی عمر والملکی  
که او نیز از صوفیان و مشایخ  
بزرگ است در آمد و هجده ماه  
خد مت نمود و در همان مد تدخل  
یکی از مشایخ دیگر را موسویه  
ابو یعقوب الاقطع بز نی گرفت.  
در سال ۲۶۴ در بغداد بخد مت  
جنید بغدادی معروف در آمد و در  
شماره صوفیان به حساب آمد.

در حدود سال ۲۸۲ به مکان

مشرف گردید و یک سال تمام

در آنجا به گوش شنیمنی تجرد

بسی برد و در حین هرا جمع از مکه

با ابرا هیم خواص در کوفه و با

جنید در بغداد مباحثتی دارد که

مشهور است.

در حدود سنه ۱۲۸۴ از صوفیان

بریده دو سال تمام در تستر

انزوا اختیار نمود. از حدود ۲۸۶

بعد مدت پنج سال به مسافرت

در خراسان و فارس برداخت

بو عظ و تبلیغات مشغول گردید و

به حلاج معروف شد و به تالیف

و تصنیف پرداخت.

در حدود ۲۹۱ دو مبار به مکه رفت

(از راه بصره).

در حدود ۲۹۲ باعده ای از

معاريف اهواز ساکن بغداد گردیده

یکسال در آنجا اقامت نمود.

تابیا شم ز رد در چشم کسی  
سرخ رو بی باشد م اینجا بسی  
هر که راه زرد آیم د رنظر  
طنبرد کا ینجا بترسید م مکر  
چون هرا از ترس یکسر موی نیست  
جز چنین گلکو نه اینجا روی نیست  
چون جهانم حلقه میم بود  
کسی چنین جایی هرا بیمی بود

م . ایوب . اعظمی «پتیوال»

## مبارزی سنگر

ای زمونین د مبارزی سنگره!  
ای زمونین د خلکو د نیکمرغی سرچیتی!  
به تا کی دیر بیاوی خوا نان جنگیزی!  
به تا کی دیر سرو نه قربان شویدی!  
نه زمونین د هدفونو د بر یالی کیدو لازه بی!  
نه زمونین د خلکو دردو نو دوایی!  
تا دیر خوانان د مبارزی د پاره روزلی دی!  
نه زمونین د قهرمانانو خانگو بی!  
\* \* \*  
تا د مبارزی په دگر کی دیسرقیرمان خوانان له لاسه ور کپیدی.  
تا دیر و خوانانو ته د تبات او مقاو مت شیدی ور کپیدی.  
تا هفوی د غیرت په ناز ناز ولی دی.  
تا دیر قهرما نان ، په قهرمان ویاره دیر و ته لیبرلی دی.  
او هفوی ته دی همیشنه ویاره دیر و ته لیبرلی دی.  
تا هفوی ته د وطن دمور د غیری دسا تنی ، روحیه وربیشلی ده.  
تا هفوی ته وسله په لاس ، د هیواد خخه د دفاع، او د انقلاب ضد،  
دله منخه ورلو در سو نه ور کپیدی.  
\* \* \*

همدا ته وی چی استعمار گر، انگریز ته دی درانده گذا رو نه  
وزکرل .  
همدا ته وی چی، د میو ندیه سخت دگر کی بر یالی شوی.  
او داته بی ، چی اوی امریکا یی امپریا لیزم ، چینا یی هژمو تستا تو  
او د هفوی ملکروته د تاریخ درسو نه بشایی!  
به تا کی زمونین د بر یا لیتوب کار نامی بشکاری!

ای زمونین د عادلانه مبارزی سنگره!  
نه تل بیاوی او بر یالی بی!  
ستا عادلانه اهداف به زمونین به سرو وینو عملی کپری!  
ستاد امید نوی گلان به لاتا زگی و مومی!  
مونرا په خپلو وینو ستا کرل شوی گلکو نه او بیوو!  
ته قهرما ن بی!  
ته بر یالی بی!  
ته بیاوی بی!  
ته پر منع خی!  
اولا ین منع خی د نوی ژو نسدستبا وون په لور ! ....

اگر پر سی که منصور از کجا رفت  
چر اسرا رینهان بر ملا رفت  
جو شد منصور ما هو د شریعت  
به معنی دید اسرا ر حقیقت  
مرید حضرت صادق بجان بود  
لنا حضرت شش و روز بان بود  
ز جعفر دید اسوار معانی  
برروشد کشف اسرا ر امعانی  
ز سر وحدت حق گشت آگاه  
وجو دخو یشن بر داشت از راه  
بکلی گشت فانی در ره حق  
زبا نش گشت گو یا در انا الحق  
شنا سا شد بنور خو یش آنگاه  
بسوی بحر و حدت یا فست او راه  
بدز یا باز رفت و همچو او شد  
باول بود و در آخر هم او شد  
ز جعفر میشنو د اسرا از منصور  
بدو گفتاز جا هل دار مستور  
نداند جا هل اسرار ولی را  
بله غفلت میرود راه نبی را  
به آخر آشکارا کسر داسرار  
ببرندجا هلا نش بر سر دار  
شنبیدی جا هلان با او چه گردند  
بنادا نی بدان حق گو چه گردند  
اگر من باز گویم ای برادر  
جهان زیر و زبر گردد سرا سر  
تو در دل عشق چون منصور رمیدار  
که تاگو بی انا الحق بر سر دار  
شوی اندرا حقیقت همچو منصور  
انالحق گویی و گردی همه نور  
حجا ب خو یشن از راه کندو ر  
که تاگردی بمعنی همچو منصور  
شنبیدی تو که با منصور حق گو  
زنادانی جهان کردند با او  
شد ه بود از دو عالم برگرانه  
نمی دانست جزء حق آن یکانه  
بر آورده از وجود خو یشن گرد  
سبو در در گه حق را چسان کرد  
و باز عطار در جای دیگرفرموده:  
چون شد آن حلاج بردا رآن زمان

جز انالحق می نر فتش بر زبان  
چون زبان او همی نشناختند  
چار دست و بای او اندرا ختند  
زرد شد چون ریخت از وی خون بسی  
سرخ کی ماند در آن حالت کسی  
زود در مالید آن خور شیدراه  
دست ببریده بروی همچو ماه  
گفت چون گلکو نه مرد است خون  
روی خود گلکو نه تر گرد م کنو ن

# از میان فرستاده های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

اصل مدنی برای رفاه طفل تهیه  
بدارد که در واقع همین سیمینا ر  
نیز بررسی دیگری است بر این  
مو نو گراف .

از سوی دیگر با وعد های بی  
که از جانب وزارت عدایه داده  
شده است نتایج بررسی های  
سیمینا ر به مقامات صلاحیت دار  
حزب و دولت گزارش خواهد  
شد تا زمینه های تطبیق آن فراهم  
آید .

باتوجه به این نکات و مطالعات  
و ارزیابی های عمد جانبه بی  
که پیرا مون مسائل طفل و قانون  
در این سیمینا ر به عمل آمده است  
جای امیدواری فراوان است که  
نتایج آن مفید و با ارزش باشد و  
به زودی جهات تطبیق برای فیصله  
ها به عمل آید ، البته باید گفت  
که مسایل قانون گذاری بیش از  
همه به فکتور زمان نیاز دارد تا همه  
جهات تطبیق آن با درک شناخت  
محیطی و اجتماعی به مطابع آید  
و قانون مویده تطبیقی قوی داشته  
باشد .

## طفل و قانون ۰۰۰

سیمینا ر طفل و قانون را چگونه  
به بررسی میگیرد و چه نتایجی را  
از آن انتظار دارد ، میگوید :

بعد از پیروزی مرحله توین و  
نکاح ملی انقلاب نور در کشور در  
واقع کامهای فراخ و ارزشمندی  
در جهت حمایت از کودک و مادر  
برداشت شد چنانکه با پیروزی از  
هدايات مواد بیست و چهار و بیست  
و شش اصل اساسی جمهوری  
دمو کرا تیک افغانستان بود که  
برای فراهم آوری تسهیلاتی برای  
مادران حامله سه ماه رخصتی با  
معاش بعد از ولادت به تصویب  
دو لت رسید و هم چنین ساخته  
معافیت کنلوی برای بیبود صحی  
حال کودک و مادر به بیانه وسیع  
تر در دست اجرا گرفته شد هم —  
چنین وزارت عدایه مکلف ساخته  
شد تا مو نو گراف قوانین تازه  
و مطابق با عدل را در چوکات  
باشد .

توفان آشوب میگرد و زوزه میکشد .

هر از هر بلایی در امان دار .

نگهبان ساخت شد ، تاریکی انبوه بود واز  
دو قدمی چشم چیزی را نمی دید ، با زدن  
به حد اکثر شدت خود رسیده بود ، با صفير  
و زوزه و حشتناکی هوا را پر میگرد و کوههایی  
از برف را روی اتنک و زنش هی الداخت .

وقت آنها از کنار خانه توعک میگذشتند ،  
صدای دعا ختم و گفت و گوی بلند هردم را  
شیدند . اتنک شروع کرد به دستام دادن :

— کافرها ، دزد ها ، من صاحب پنج جریب  
زمین هستم ، بعد ازین روی زمین خودم کار  
میگنم ، نهاد دیگر نمی توانند اربابی کنند ،  
شماگ ... باشند به سینه اش کو بیسد  
و چشمانش را در حدقه چرخاند ، تا مدتی همین  
طور دشتم میداد ، اما همینکه به خانه  
رسیدند ، زنش او را روی تخت خواب کشید ،  
چند دقیقه بعد باز فرید کشید :

— ایکنناس !

— پسرش که از لکد یدو به شدت وحشت  
داشت با احتیاط نزدیک شد ، اتنک نفره کشید :  
ایکنناس تو یک دهقان درج اول منشی  
ونه یک کاسپیکار گذا !

و مشتش را روی تخت خواب کویید :  
پنج جریب زمین از من است ، از خود

ونگهبان شروع به آواز خواندن کرد :  
— خداوندان تکه دارم تو هست .

و دانش که قاطع غریب حربه هاست  
مسلح شوند . از صفحه ۵۰ تا ۵۸  
نیز با شعرهایی بر می خوریم که  
او زانی کهنه دارند اما دید گاهی

تازه ای را ارائه می کنند .

قطعه شبستان قبرها که ازقطعات  
معروف شاعر است و در وقت آن  
جایزه ادبی رحمن بابا را گرفته نیز  
در این مجموعه آمده ، این قطعه نیز  
قالبی آزاد دارد . در مجموع کتاب  
شهر حماسه آمیزه ای است از شعر  
های آزاد و شعرهای دارای اوزان  
کهنه ، اما آنچه گفتنی است اینکه  
شاعر از هر قالب و روشی که استفاده  
کرده است درد زمانی خود ، نیاز  
روزگار خود را بازتاب داده است  
اگر از چند مورد اندک بگذریم ،  
کتاب بی غلط چاپ شده است ،  
صفحه اول و چهارپشتی با تصویری  
از کارهای نقاش معاصر یوسف  
کهزاد اراسته که بر زیبایی کتاب می  
افزاید و همچنان طرح «دیزاین» ،  
صفحه بست ، نقطه گذاری طرز قرار  
گرفتن عنوان های کتاب جالب می  
توان گفت که در کشور ما بی سابقه  
است تا پیش از این مجموعه شعر  
های که چاپ شده است در آنها این  
همه گوشش و دقتی که در این مجموعه  
کنند . او به این عقیده است تا وقتی  
که زن از اسارت های خانوادگی و  
اقتصادی نرسته است و در روند  
تولید و پرخ تکامل اجتماعی سهم  
پیروزی هر چه بیشتر شاعر و تدوین  
می خواهد سخن دل و احساسات خود را  
بیان کند ، در این قطعه شاعر زنان  
کشور خود را به سوی کار و به سوی  
مبازه و به سوی انقلاب دعوت می  
کند . او به این عقیده است تا وقتی  
که زن از اسارت های خانوادگی و  
اقتصادی نرسته است و در روند  
تولید و پرخ تکامل اجتماعی سهم  
پیروزی هر چه بیشتر شاعر و تدوین  
می خواهد که زنان با سلاح اندیشه

## گرد هم آیی ۰۰۰

و چار میلیون دالر است و هم چنین  
صادرات همزمان سال ۱۳۵۹ یکصد  
و سی میلیون و از سال ۱۳۶۰ یکصد  
و هشتاد میلیون دالر است که  
اخزایش بیست و هشت فیصد را

نشان میدهد .

با تووجه به اینکه در حدود نود  
فیصد تجارت کشور به وسیله  
سکتورهای خصوصی صورت می  
گیرد افزایش ها بی که در ساحه  
های وارداتی و صادراتی تجا رتی  
در سال ۱۳۵۸ اندکی بیش از چار  
صد و بیست و شش میلیون بوده  
و در سال ۱۳۵۹ به بیشتر از پنجصد  
شده و حکایت از آن دارد که دوران  
سرمایه های خصوصی در سال

۱۳۹۵ به بیانه بسیار وسیع  
افزون تر از سال ۱۳۵۸ و در سال  
۱۳۶۰ بیشتر از سال ۱۳۵۹ بوده و  
هر گونه ادعای در این زمینه که  
تجارت مابا رکود مواجه است اتهامی  
بیش نمی باشد .

مجموع واردات سه ماه اول سال  
۱۳۵۸ یکصد و نوزده اعشاریه هفتاد  
و سه میلیون دالر و از سال ۱۳۵۹  
بیش از یکهزار و دو صد شصت  
میلیون دالر بوده است .

مجموع واردات سه ماه اول سال  
۱۳۵۹ یکصد و شش میلیون دالر واژ  
همین مدت سال شصت یکصد و سی

کېږي د حساب نتيجه د دغۇ عددو نو  
په وسیله خرگند یېرى ۵۶ا -  
۱۸ ۷۷۶ ر ۷۴۴ ر ۹۵۱  
چې په اړکلې تو ګه د ۳۷۰۰ ملياردو  
خروار په شاو خوا کې کېږي.

خینو ددى نسبت بوزر جمهور ته  
کړي دی چې انو شیر وان ته یې د  
شطرنج دراز دور بشود لونه وروسته

یې ډدغى جايزي پيشنځاد کړي دی  
چې خینو یخوا نيو تاریخ لېکو نکو  
ددغۇ سر ګذشتونواو د غنوم دشمير  
خودولونه په دری او عربی مطبوخ عاتو  
نقل کړي چې د هغه له جملې په



دوه شطرنج بازان دلوبی په حال کې لیدل کېږي

د زلمی خاخی خیبر نه او لنډیز

## د شطرنج په زړه پوری لو به خرنګه مینځ ته راغله

مسعودی په هرج الذهب او ابو ریحان  
البیرونی په التفہیم کې یادو لى  
شو او وروسته نفایس الفنون او نورو  
كتابو نو هم دا کار کړي دی . د  
شطرنج د نوم به باب فرهنگ لېکونکی  
بیلی، بیلی نظر یې لري او کوم خه  
چې حقیقت ته نېړدي دی، دادی چې  
اصلا د هغه نوم د سانسکریت نه -  
اخیستل شوی خوموڑ خین د شطرنج  
دمربوطو کیسو په یوه کې هم د نظر  
یووالی نه لري او ټول یخوا نیو  
خرگند و تو ته په شکمن نظر ګوري.  
تاریخ د شطرنج پیدا یېشت د خینو  
په قول د پنځمي میلا دی پېړي په  
بیل کې او د خینو نورو په قول د  
مسیح د میلاد نه مخکی شپږ مه پېړي  
کې یوازی د اخبره د زیاتو خلکوله  
خوا منل شوی چې شطرنج له هندنه  
افغانستان او ایران ته تللى او د  
عربو له حملی وروسته عربی هیوادو  
ته رسیدلی د صلیبی جنکو نو نه  
وروسته د عربو په وسیله اسپانی  
ته او له هفځای نه یې نورو اروپا یې  
هیوادونو ته لاره پیدا کړي ده اوورخ  
په ورڅي رواج زیات شوی، او تر نن  
ورځي پوری د یوی ستري بین المللی  
لو یې په تو ګه پیژندل شوی ده.

ننداري تکرار د هغه د عمر تر پای  
بوری د هغه د مور داد یوازینې وسیله  
وه، وروسته بیا دغې جنکی ننداري  
دیوی لو یې بنه غوره کړه او همدا سی  
باتی شوہ چې د هغه او پدده شرح په  
شاعنا مه کې لو سنتلي شی .

یو بل روایت چې ځو عربی ماخذونه  
هم هغه تائید وي او یوځه شهرت  
هم لري دا یې چې شطرنج دهند د  
بودا یې بر همنا نو خڅه د داهيرا  
زوی چې سسه یا سسیانو میمه  
اختراع کړي دی او په دی وسیله د  
سسیا د غنوم د دانو کبسه هم منځ  
ته راغلی یعنی خرنګه چې د شطرنج  
لو به په د خپل وخت پاچا ته ورزده  
کړه نو هغه ور ته دا د ورکړي او خپله  
دجا یې په تو ګه یې د رکرم ، نو  
ورته یې ووبل چې د شطرنج خانود  
شمیر او دوہ چنده په حساب یعنی  
په هر ه خا نه کې د بلی خا نې په  
نسبت دوہ چنده زیات د غنوم دانی  
جایزه وا خلی پاچا هم دا خبره و منله،  
په لومړي نظر دغه جایزه کو چني  
ښکاره شوہ خو وروسته له دی چې  
حساب یې وکړنو یو ھیده چې  
ددی جایزه دور کولو د پاره د هغه  
هیواد دغلي ګډامو نه هم نه بس

چینائیان د شطرنج لو یې ته د  
جګړي د علم لو به وا یې او ادعاکوی  
چې دالو به یوی چینا یې قوماندانی  
اختراع کړي ده . خو په هر حال کوم  
شی چې خرنګه دی هغه دادی چې  
د شطرنج لو به یوه شرقی لو به ده  
اود هندیا نو په وسیله د شطرنج د  
شطرنج د سا نسکر یت په ژبه  
چې د هند لر غو نې ژبه ده «شاتارا»  
نګا، یعنی «د شطرنجی د کاګذې»  
خیبر د کورو نو «مانا لری»، وروسته  
له دی چې په دری ژبه نقل شوی په  
یهلوی کې چتر نګ یا ششنګک او  
وروسته شتر نګ ویل شوی او عربو  
چګړه وشه خو مخکی له دی چې  
یو به بل لاس بر کړي طلحند دخپلوا  
عسکرو په منځ کې بیله دی چې خه  
زیان وویې مړ شو او مور یې له  
کېښی یو چول دی که بخه هم تیره پېړي  
کې د لوبی خینو جز ییاتو په خینو  
هیوادو نو کې یو د بل سره تو پېړي  
در لود خو اوس هر ځوک کولای شی  
چې خپلی مور ته دا د ورکړي او خپله  
مور په دی قانع کړي چې طلحند ته  
په جګړه کې زیان ته دی رسیدلی  
کړي .

د شطرنج د اختراع او نوم ایښو دلو  
په پاب بیل، بیل روایتونه شته چې  
په لاندی چول بیا نېړۍ : یو نانۍ  
کیسی ددغه لو یې پیدا کولو نسبت  
د (تورو) د محا صری په وخت کې  
یو یونا نې سېری ته کوي چې «یالامه»  
نومیده د خینو شرقی کیسو له مخې  
 DALO به د سیر الانکا په تاپو کې منځ  
د طلحند خای ته نه دی نېړدي شوی  
ته را غلی او مخترع یې ځلورزره کاله  
د مخه د هغه هیواد ملکه وه .

# دستورالعمل

ظرف مجله کدام فسابقه های خاص و مشخص موجود است؟ اگر کدام فسابقه و مقادره بسی در زمینه وجود دارد، لطفاً معلومات دهید.

در غیر آن اجازه فرماید که آستین هارا بزرگ و دست اندر گار تبیه صاحبہ هاشده  
و بعداز تکمیل نمودن ، آنها را جمیع چاب به بجهله بفرستم ، تا از يك سواستعداد هائی  
نیاز مند به پروردش ، تشویق شده واز سوی دیگر دوستان و علاقمندان مجله دلپستند ژوندون  
از موجودت استعدادهای نسبته و غیر شناسای گشود با خبر شوند .  
پاسخگو

اگر از مقربه و ضایعه شروع کنیم، خواهید گفت که کار را مشکل ترا شیده ایم، اما بگذارید که از قواعد صرف نظر کنیم و فقط کار سمارا بهارز یابی بگیریم، گفتم از قواعد صرف نظر هیکنیم، زیرا شما تا هنوز بصورت سیستماتیک تحصیل روزنامه نگاری ندارید و چه بسا مصاحبه بی را سرو صورت بدھید ولی ندانید که قواعد دستور آن جگونه خواهد بود؟ و خوب میانند که با اینکه نظر و عمامه بوده نظر است:

تلاش خیر خواهانه بی است که به سراغ گمنامان هیروید و نقاب فراموشی از چهره شان  
به بکسو می زندید ، همت تان بدرقه راه تان ناد .

اجازه به دست شما و پر زدن آستین عاصم به اختیار شما ، یکبار یا غازید و بیا زماید  
و ماحصل کار تانرا به ها بفرستید و آنگاه خواهیم گفت که عیب کار در کجا سنت و حسن  
کار در کجا ؟ و نمیشود هنوز چیز دقیقی گفت چرا ؟ تیجه سعی و گوشش شما را اندرین نهاد  
ندیده ایم ، اگر خواستید معلومات بستری حاصل نهایید کار کنان مجله هیزبان شما  
خواهند بود ، پیر حال در خاطر شما باشد که مصاحبه یعنی عکس برای مجله در حکم نان بی  
نهک است . به انتظار مصاحبه یعنی توام با موفقیت شما .

بیدرید سلام صمیمانه هارا هم . در باب آن قطعه «معجم» که به مجله فرستاده اید عرضی نداریم جزاینکه بگوییم پاسخ به نامه هارا به دلت بخوانید ، حتیما از نشر یا عدم نشر آن در آن شماره های پیشین چیزی خواهید یافت . همکاری تانرا با مجله ادامه دهد . موفق باشد .

دوست عزیز دیانا جوان شیر متعلم صنف هشتم مکتب نسوان جمال مینه.  
سلام عمکار عزیز ، از لطف و مرحمت شما هم نویم و خوشحالیم ، توصیه دوستانه مان  
همین قدر است که شعر بسیار بخواهید ، لعل از شعر سرودن بسیار دست بگیرید ، فقط  
قطایعه زیاد نهاید و اگر هم شعر میگویید کم گویید و همچون در بگویید . خوشحالیم که  
آن نوشته خالقانه طنز آلد را که محمد ظاهر ایوبی تکاشته، پستنده اید ، از جانب او از  
شما تشکر میکنیم و به ایوبی میگوییم که همچون نامه ها، نامه های دیگر نیز به ما بفرستند .  
از نشر این پارچه شعر تان خودداری میکنیم بخاطر ای که بیان آن ناقص است، اما لازم  
به تذکر مینماید که باستثنیت گفته شود، جزوای شعر سروده تان خیلی غالیست و با شما  
همنوا هستیم . به انتشار عمکاری های دیگر شما، کامیاب باشید .

سلام برادر ، مخمس ارسالی تانرا به متصرفی صفحه شعر  
سپرد یم که در صورت امکان از نشرش دریغ نورزد . اما خواهش  
پاسخگو اینست که مطالب ارسالی تانرا خوانا و روشن بنویسید ،  
زیرا در اداره های نشراتی نوشته های خوانا زودتر بچاپ میرسد .  
گاهی نوشته های که واضح و روشن تحریر نیافته کارکنان مطبوعه  
از حروف ریختن آن خود داری میکنند و دلیل میاورند که درست  
خوانده ننمودند .

سلام همکاران و خوانندگان عزیز  
به اعیانی سلامتی و موفقیت شما عزیزان میبرداریم به پاسخ نامه ها :

دست عزیز ناظر ناد میان از استمیوت هوا شناسی میدان هوابین کابل .  
باسلام عرفن سود که شعر «اسانه وفا راخواندیم واینک بار دیگر هیغوانیم :

دور از رخ توابی مه زیبا گریستم  
تا گشته ام نشانه تیر نگاه تو  
بالغم آنیس گشتم و شبها گریستم  
چون صید تیر خورده بیرون چا گریستم

رسوا نبوده‌ام ولی با عشق جانگداز  
السانه وفاو محبت‌جه تبهشت است

زین بعد بر دو لیم خنده نشگفت  
ظاهر اگر بخنده لبی تر کنم ولی  
بر گود آرزو و خوشی ها گرستم  
تبای سلم بگو شه تبا گرستم

و دغا میکنیم که از گور یستن و رسوا شدن اجات یافته باشید و دیگر بر گور آزو ها و خوشی ها نگرید . عهکاری شما را خواستاریم .

دست عزیز محمد سلیم «تین» محصل - یوهنگی زراعت کابل  
دعاو سلامان بر تو باد - اشعار فرستاده بیان رسید ، از خواندنش لذت بردیم و بیوسته

آرزو هنديم که با همکاري هاي هشتر خويش مجله خود را آذين بستديد ، اشعار عيسى  
را در صفحه «از هميان فرستاده هاي شما» بخوانيد آنها تمونه يي از آنرا در انتجا باهم بخوانيم:

عبد است بیاتا که شوم یعنی تو قربان سر تا بقلم سرود لارام تو بوسم  
عبداست به تادی بکشا زلف پریشان تا هوبه مو جعد سمنسای تو بو سم

عیداست بیا بر سر بازار که یکبار  
باقد دو تا نقش داد م های تو بوسم  
عیداست بیا تا که بشکرانه این شعر  
لعل لب شیرین و نهر سار تو بوسم  
دوست غزیز محمد فاروق سراج

سلام گرم و آتشین ها شار تان باد . خوشوقتیم که چنین نامه بی نگاشته اید «مدیریت محترم مجله زوندون ، جواب نامه های شماره ۱۸ مجله را خواندم و همتگونه صفحه «سپورت» را مطالعه کردم و بر شما معلوم خواهد بود که بنده از مدت ها قبل نوشتۀ های اندربن باب «سپورت» در روز نامه های انبیس و اصلاح به نشر رسانده ام ، اگر حالا هم موافقه دارید بحث همکار افتخاری مضماین و معلومات سپورتی برای مجله زوندون تبیه میدارم و مبلغ ستون :

البته در بدل آن تبا و تبا یک یک شماره مجله مجازی برایم بفرستید ، اینک نامه خدمت شما نیست ، انتظار حباب ازنا نیکن .

پاسخگو : انتقال عکاری شمارا داریم، این قلم وایشهم کاغذ.

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی هنگام صندوقم و او رئته ساینس لیسه عمر سپید  
از ما سلام بادت ، همکار عزیز ، همانهم ارجمند ما بعداز سلام و دعا که پسکارتنی هم

ضمیمه دارد، چنین تگاشته است: «...جنین ناهه بی که به اداره مجله فرستادم از شما خواسته بودم که بنده را به حیث همکار تان قبول فرمایید. خوشبختانه شما نه تنها با

جیجن گشاده جواب هشت ارائه گرده بودید بلکه چندین بار تکرار تموده بودید که به همگاری همه دوستان نیازمندیم.

به این سلسله می‌خواهم که در جهت تبیه صاحب‌های هبکاری نهایم و چهره‌های

ناتساخته و گل های نوشتکته و انتعداد های تووانا را معرفی نموده و با اینها گفت و سخنواری هم برای مجله دوست داشتنی داشته باشیم الیه این مصاحبه های با اشخاص چیره دست

وتوانان که یا با اینها استنایی داریم و یا در گونه‌های افراطی اینکنه تنده اندستور خواهد گرفت و من خواهم دراین قسمت سعی و نلاش زیاد بخراج دهن نمیدانم که شما به این خواست عتمکار تان، چه باشی هر دهد؟ لطفاً بگویند که برای اینکار «خیلی تکاری» و تیسه مصاحبه از

می کنم وقتی مو ضوع را برایشی گفتم کمی بر افو و خته شد و بعداً لبخند آرامی روی لبا نش نشسته گفت نمی دانم برادر گاهی تخلصم، گاهی شعرم را از خود میدانندمی ترسم روزی نکو یند که فرهاد «لبیب» خودم هستم بعداً کمی جدی شده گفت من بخود حق نمی دهم که حتی نام شاعر و یا نویسنده را بخود بگذارم و تنها افتخارم دراین است که در بی افتخار نیستم . در بی شهرت قلبم نمی تپد همین است که راه بی افتخاری را دنبال می کنم ولی مو ضوع شعر را گفتی ؟

بعداً از جایش بر خاسته سوی الماری کتابها یعنی رفت چند مجله و یک کست را برایم آورد که همین شعر «مرا به صبح دل انگیز این دیار قسم» به نام و تخلص خود شد در شماره ۲۷ سال ۱۳۵۵ مجله حربی پوهنتون و همچنان همین شعر بدون غلط طبا عتی و تصرف به نام و تخلص خود شد در شماره ۱۳ سال ۱۳۵۷ مجله روزنامه بچاپ رسیده بود و بعداً کست را در رادیو تیپ گذاشت که همین شعر چند سال قبل در پروگرام «ارمنان سحر» که فعلاً «بیام بامدادی» یاد می شود نشر شده است . بعد گفت برادر چه فکر می کنی شعراز کیست از فرهاد «لبیب» است یا از آقای «نظام» وقتی مجلات و کست را دیدم و شنیدم بدین نتیجه رسیدم که شاید «نظام» کسی باشد یه سن دوازده ، سیزده سال که فکر می کند اگر در اخیر شعر هر کس نام ویا تخلص خود را بنو یسد شعر از او می شود شاید هم آقای نظام شاعری باشد بزرگ که این شعر را داده یا پانزده سال قبل سروده و در سینه اش بالا بلای دفترش در منزل محفوظ داشته و شاید این فرهاد «لبیب» باشد که هشت سال قبل شعر را از ا و دزدیده باشد !

رو بطرف «لبیب» گردید گفتم معلوم است نظام طفل است و گله کردن از او خوب نیست و این طفل فرد ششم غزل را هم خوب خوانده نتوانسته یعنی عوض .

دهم بخون خودم شستشویش بادل ناشاد .

کنم دوباره اش گلگون به صدمزار قسم

(کنم بخون خودم شسته بادل ناشاد

کنم دوباره بس گلگون به صدمزار قسم)

و شعر را هم بی معنی ساخته که به زعم خودش شعر را اصلاح کرده است . تنها «شاد» (ناشاد) شاخته و فرهاد را بیرون کرده عوضش نام و یا تخلص خود ش «نظام» را افزوده و فکر کرده که شعر همینطور گفته می شود و آنرا به پروگرام خودش یعنی «پروگرام اطفال» برای نشر ارسال کرده است ، خیر جای تشویش نیست .

بعد فرهاد «لبیب» گفت چند ماه قبل از رادیو به آواز گرم «زحیم» مهرباری آهنگی را شنیدم که دروغه اول فکر کردم همین شعر است که من سروده ام ولی بعد از دقت متوجه شدم که تغییر دارد حتی در بعضی جاهای با اندک تغییر که من سروده ام می باشد . مثلاً «مرا به عشق شمیدان داغدار قسم» که چنین شده است «مرا بخون شمیدان نامدار قسم» وقتی تیلفونی پر سیدم که این شعر از کیست گفته شد از «سید نور فرخ» من گفتنی دیگر ندارم فقط شما این دو غزل را از نظر بگذرانید و مقایسه کنید و هر نام که بالای آن می گذارید درست است .

### فرهاد «لبیب»

مرا به صبح دل انگیز این دیار قسم

مرا به شام شکوهمند این حصار قسم

مرا به بیج وخم که سارسر بغلک

مرا به عمق دره های آبدار قسم

مرا به عرصه خا موش دشت های کوهی

مرا به گریه پنهان چشم سار قسم

مرا به عشق قسم ، عشق این دیار قسم

مرا به عشق شمیدان داغدار قسم

بقیه در صفحه ۴۵

دوست عزیز حمید معلم صنف دواز دهم لیسه جیبیه سلام همکار ارجمند . استعداد قابل تو صیغی دارید و در آینده میتوانید قصه نویسن معرو فی تمویل اما مشروط بر اینکه داستان کوتاه بسیار بخوا نیست . طرح قصه را بر منطق مستحکم و محکم بنا کنید . هرگاه میخواهید فاصله های طبقاتی را در یک قصه تجسم بخشید فرا موش نکنید که معلول ها را بر جای علت های عرضی نکیرید . اصل چیز دیگری است و نا حق میگویند «دگور غریبی» فقر عالم محسوس سل بد ختی خانواره طفیف است ، اما علت اصلی واقعی نیست . فقر مو لود بر خوردها ن دو طبقه است که اگر دست طبقه بالا بی را کو تا ه کنید از فقر دیگر خبری نخواهد بود . با این تند کر به انتظار همکاری تان خواهیم بود .

دوست عزیز محمد طاهر غوثی از چاریکار :

با عرض سلام اضافه شود که قرار بود آن پارچه شعر را در صفحه برگزیده ها ... می خواندید ، اینکه درین صفحه آن شعر نفر و پر شور صوفی عشقی را بخوانید از خلاف و عده عندر می خواهیم .

بدین تمکین که ساقی باده در بیمهانه می ریزد

رسد تادرور ما دیوار این میخانه می ریزد

شود هر کس بکوی عشق بازی پیرو فرهاد

بروز جانفشنی خون خود مردانه می ریزد

گرفتی چون بی مجنون ز رسوابی مرنج ایدل

که دایم سنگ طفلان برسود دیوانه می ریزد

سر بازار شهر مصر بین در گفه یوسف

دیگر ها سیم وزر اما زلیخا دانه می ریزد

زلیخا گسر برون آرد ذلد آه پشمیمانی

زیبای یوسف زندا نیش زولانه می ریزد

بیاد شمع رخسار که میسوزد دل زارم

که اهشب بر سرم از هر طرف پروانه می ریزد

ذ تیغ ابروی جانان بپر سید از زبان من

شهمیدانش بزیر خاک ریزد یانه مسی ریزد

رسان بر هن ای مشاطه تا زنار خود سازم

ز زلف یار همان تاریکه وقت شانه می ریزد

چو غواصان گذر از جان و در کام نهیگی رو

که در هر گز به ساحل از لب دریانه می ریزد

چسان هاند بجا قدر وقار عزت آنکس را

که آب روی خود را بر دو هر خانه می ریزد

اگر سیم و ذرعالیم بدست (عشقی) افتاد

شب دعوت به پیش پای آن جانانه می ریزد

به انتظار همکار یهای خوب همکار عزیز روز شماری می کنیم و علاوه

می نمایم که همینکو نه اشعار پر معنی و پر احساس را برای مجله خویش انتخاب نمایید . بخت یار تان کامیابی در راه تان .

دوست عزیز بی نام و نشان

همکار ارجمند ما مینگارد : « در یکی از بخشینه ها ... که

مشغول شنیدن پروگرام «بررسی از پروگرام های رادیو » بودم شعر

میهندی که سالها گوش به آن آشنا بود و گذشته از آن با شاعر آن هم

معرفت داشتم از لا بلای امواج رادیو نشر شد و در ضمن نطاق پروگرام از

پروگرام اطفال انتقاد نمود که این قطعه شعر گنجایش پروگرام اطفال را نداشت ، باید در پروگرام «زمزمه های شب هنگام» و یا پروگرام

«بیام بامدادی» نشر میگردید .

میایم به اصل مطلب ، در مقطع غزل یعنی «همین به عالم هستی است

آرزو فرهاد» ناگهان شنیده شد که «همین به عالم هستی است آرزوی

نظام» من فکر کردم که دوستم فرهاد «لبیب» در غزل های خود عرض

تخلص نام خود یعنی فرهاد را می گنجایند تغییر نام و یا تخلص کرده

میست . همین مو ضوع بیادم بود تارو زی به دیدنش رفتم بعد از احوال پرسی گفتم برادر تخلص جدید ت مبارک در وله او ل فکر کرد شوخی

# جوان و روابط خانوادگی

مجبور میشود که در آینده پول قرض را ندهد و همه را به همسرش بیاورد . اما دیری نمی باشد که قرضدار به خانه می آید و دروازه را بصدام آورد و مطالبه پول میکند خلاصه اینکه زندگی برای این دو جوان به تلخی می گراید و بنای ناله و شکایت از این نوع زندگی بسیاری از جوانان مشکلات را خود برای شان می سازند . اگر زن و تمام مشکلات شیرینی های دارد . اگر زن و شوهری خواسته باشد زندگی شیرین و خالی از هرگونه ناراحتی داشته باشند می توانند این زندگی را برای خود بسازند ، اما شرطش اینست که عردو به واقعیت های زندگی پس ببرند و بدانند که تجمل و اشیای گران قیمت باعث خوبیختی نمی شود ، خانه زیبا و مجلل خوبیختی نمی آورد . این محبت و سادگی است که صفا می آورد و زندگی را شیرین می سازد .

اگر انسان باکمی که دارد مشروط براینکه او را از تپ و تلاش با زش ندارد بسازد زندگی ساده و خالی از هر گونه تشریفات را از آن زندگی که تجمل داشته باشد اما در آن سعادت خوبیختی و آرامی نباشد ترجیح دهد هرگز در زندگی خانوادگی اش شکست نخواهد خورد و زندگی ایده آلی خواهد داشت .



بایوجه بهاینکه زندگی امروزی روز بسرورز بیشتر بر مشکلات انسان ها می افزاید ، ولی با تمام آنها ، انسان های با اراده و مصمم توانسته اند با تمام این مشکلات مبارزه کنند و خلاصه اینکه را طبق آرزو و خواسته شان عیار سازند .

بنده موضوع را باید خدمت شان عرض کنم که بسیاری از جوانان مشکلات را خود برای شان می سازند . مثلاً فلان جوان که نازه ازدواج نموده است . برای اینکه به سرو وضع خانه اش سر و سامانی داده باشد ، دایم در فکر این است که چطور واز کدام راه می تواند بعضی از نیازمندی های منزل را بوره کند اما باعاید محدود که دارد نمی تواند به این خواسته عایش جامه عمل بپوشاند واز اینرو در نازحتی عایی گوتاکونی سرگردان و سرچار می گردد . خانم جوانی که مایل است متنزلش از هرگاه باذوق و سلیقه اش برابر باشد و تماس احوال و اشیای خانه طبق ذوق و سلیقه اول و انتخاب گردد ، نمی تواند که این اشیاء تبیه نماید از این رو هر وقتی برای خرید به بازار می رود ، بدون اینکه بتواند چیزی بخرد دو باره با دست عای خالی بور می گردد که این عمل باعث ناراحتی اویی گردد . زیرا اشیای مورد نظر قیمت خیلی بلند دارد و او با پولی که دارد نمی تواند این اشیا را بخرد ، از این رو وقتی شب شوهر جوانش که او هم مثل همسرش آرزو دارد خانه اش بر خود دارد از زیبایی باشد می آید بنای داد و فر باد را می گذارد واز زندگی واز بی پولی می نالد و زاری میکند . این دفتار زن برای شوهر بیان میکند که به زنش علاقه فراوان دارد و هرگز آرزو ندارد که زنش را ناراحت ببیند خیلی گران می نماید . بپرسیله یکه میشود بولی قرض میکند و آن بول را به دسترس همسرش می گذارد ، همسر و قتن بول را می گیرد و خوش میشود لبخندی از رضایت روی لبپايش میدود واز شوهرش تشکر میکند .

فردای آن زن به مقاومه عا می رود و اشیای مورد قبولش را می خرد ، واز این مقاومه به آن مقاومه سر می زند و تمام آن بول هارا با خرید چند چیز بر باد میدهد .

شب و قتن شوهر به خانه می آید ، از خرید زن تحسین میکند و ذوق او را و سلیقه او را می ستاید ، این ستایش شاید از روی ظاهر باشد و شاید هم از ته دل باشد بپرسیله میگردد .

رسد . شوهر مقدار از بول معاش را به قرض گشته میگردد که مبارزه آگاهانه را علیه دیو .

شیوه های جنگ طلب هژمونیستی و امیریا لیست از عادی شدن روابط میان کشور های دارای نظامهای مختلف رادر جهان متعارض نموده بیوسته درین داه موافع ایجاد می نماید و بدینوسیله از نزدیکی و دوستی بیشتر میگردد . از این خرید میگردد و وقتی تادیه قروض میگردد که مبارزه آگاهانه را علیه دیو .

کشور های امیریا لیستی و ارجاعی در داخل هایش میدهد . و و قتن باقی معاش را بسیاری و تیره روزی ، بد بخشی و فقر کشیده را میگردند .

کشور های شان استثمار بیرون حمانه را بخار همسرش میدهد ، زن از دیدن آن بول ناجیز دستیابی به تروت و چاول بیشتر حاصل سخت ناراحت میشود و بول را بدوره میگردند .

رنج زحمکشان کشور هایشان برای انداخته و با هزار سخن نیشدار بر ناراحتی شو هر دیگر دنبال می نماید .

شوهری بخاره هر قدر دلیل می آورد مورد پذیرش و قبول زن قرار نمی گیرد . شوهر



محسن زاده

## در راه هدف مشترک نسل جوان

سازمان دو کراتیک جوانان افغانستان بخش جدایی ناپذیر جنبش جهانی نسل جوان در پیکار علیه جنگ ، تجاوز و غارت که خصلت امیریا لیزم و ارجاعی اجتماعی را تشکیل داده و دو شادوش موج خروشان نسل جوان در راه تحقق این ایدهای پیکاری افغان را به پیش میرید .

عضویت سازمان دو کراتیک جوانان افغانستان در فدراسیون جهانی جوانان دموکرات و کمیته اجرائیه اتحادیه بین المللی مصلحان بیانکر اعتقاد خشنۀ ناپذیر سازمان روزنه جوانان افغانستان به انتراسیو نالیزم ، که نیروی مطمئن در پیکار عادلانه و بر حق اراده و مردمان کشور آزاده ما افغانستان برای تحقق ارمان انقلاب ثور و مرحله توین تکاملن آن می باشد . است .

پیکار علیه امیریا لیزم ، هژمونیزیم و ارجاعی که بخش لايجزاء کار و پیکار انقلابی نیروهای اصلی انقلابی جوانان کشور ما را در عرصه ملی و بین المللی تشکیل میدهد ، از خصلت پیکار جوانان حزب پیشاپتگ و رهبری کنندۀ جامعه ما، حزب دو کراتیک خلق افغانستان

ناتس میگردد که مبارزه آگاهانه را علیه دیو . سیاهی و تیره روزی ، بد بخشی و فقر کشیده از یکسو و مبارزه سر سخنانه را علیه امیریا لیزم ، هژمونیزیم و ارجاعی از جانب جهانی بخار همکاری اجتماعی از جانب دیگر دنبال می نماید .

جنگ جهانی نسل جوان از همان روزهای

است ، که در آن بر روی همه علاقمندان علم و کتاب باز است .  
سرايیط عصر و زمان با این همه پیش رفت و ترقی اش به انسان های عصر و زمانش موقع میدهد که برای بقای زندگی به مطالعه روآورده بودند خوبیش بیافزایند .

دانش امروز یک ضرورت است ، اگر دیروز به کتاب علاوه و دلچسپی نبود امروز نمی توان بدن آن زندگی کرد . چه سرايیط زندگی امروزی با دیروز تفاوت زیاد نموده است . و بسون دانش مشکل است که بتوان زندگی کرد . پس برای اینکه بتوان زندگی نمود باید علم بیاموزیم و بردانش خود بیافزایم و این وقتی میسر و امکان بذیر است که با کتاب سرو کار داشته باشیم و از لا بلای صفحات آن به مطلوب خود دست بیابیم .

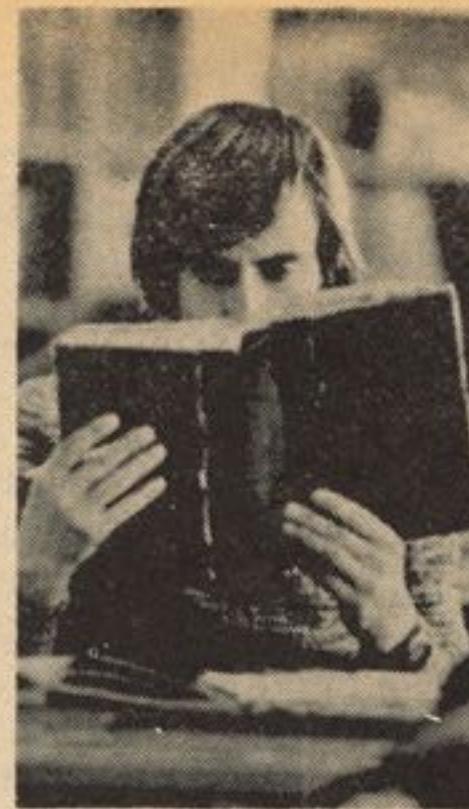
امروز ما در راه قدم گذاشته ایم که بدون دانش نمی توانیم خود را به سر هنzel مفصول و استعداد توانایی او برای ایش اجازه میدهد باید از این دانش نوبن استفاده نماید و بهره بجوید . رسیدن به این دانش وقتی میسر و امکان بذیر است که مطالعه اند و جامعه خود را به شکوفایی رسانیده اند . و امروز که ما تازه به زندگی نوبن قدم گذاشته ایم بیاندیش امکنات استفاده اعقول نهاییم ، و بردانش خود را فزاییم . و این کتاب و مطالعه است که هارا میتواند به سر هنzel مقصود برساند و بر آرزو های هاجمه عمل بیوشاند و راه زندگی را نشان دهد .



## بتوای جون

مشخص از اوضاع مشخص بادید ترق و همه جانبه که از نظر اسلوب و نیل به اهداف عالیه آغازگر کار توانست موقوف به سعادت جامعه توست .

وظیله تو در برایر بیدار ساختن مردم و از لفاظی ها و ذهنی گرایی ها بدرای ، و از عمر دراز تیره بختی ها خود بگاه ، با سربازی برای جلو بردن مردم که از عالی ترین همکوراه از خود گذری و ایثار قبرهانه بنابر یگانه عاطفی انسانی و مسوولیت و جذابی که رسالتمندی تعبید جامعه متوجه انکاسات ماحول خود توهمن در عین جاست تواضعیتبا را بر ملاساخته بوده بر آموزش و تجربه خوبیش افزوده دوباره خوبیها و بدیها را آنطور یکه هست بشناسانی از طریق اسلوب اصولی در جهت دوشناسختن و با ایمان کامل به علم ، روند تکامل و تحلیل بقیه در صفحه ۴۵



## نقش جوان در سال تحصیلی جامعه

با آغاز انقلاب شکوهمند تور چرخ عظیم امروز نیز در امر دفاع از دست آورد های آن در تاریخ مبارزات مردم افغانستان رونمایگردید نیز با همان قاطعیت انقلابی آماده جانبازی و یعنی مردم افغانستان تحت رهبری ح.د.خ. ۱۰ توائیستند تغییرهای اسارت را از دست ریا علیه دموکراتیک افغانستان با شکست مردم خود دور سازند و خود حاکم بر سر نوشته با طرح پلان های متفرق و ارزشمند به پیش خود گردند .  
تاریخ گواه است هر باریکه قدرت های استعمالگر خواسته است با تحت تأثیر در اما دشمنان شرف و آزادی کشور در مدداند تا با طرح پلان های شیطان صفت نه خود دوباره آوردن مردم سلحشور و آزاد منش افغانستان حاکومیت خود را در کشور مستقر سازند ، روی از هنایع سرشار کشود شان استفاده کنند .  
باقیام های ملی و هر دمی کشور ماهوچه سده اند و همچنان جوانان ما تازه ازی به مبارزات برحق خوبیش ادامه دادند تا فرمان روابی آذنا را وار گون ساختند و خود حاکم بر سر نوشته خوبیش دست به عملیات خرابکارانه میزنند .

مثال عده آن کمک های هادی و معنوی و امروز نیز دشمنان مردم و انقلاب میخواهند تریه افراد نظامی در کمب های به اصطلاح مهاجرین افغانی و فرستادن آشان در داخل نهایند تا بتوانند از این طریق وحدت مردم را متزال سازند ، ولی مردم افغانستان از این ازمونگاه و از این کوره راه نبرد موفق بدرآمده اند و دیگر فریب عناصر ضد انقلاب را نمیخورند .  
پیروزی انقلاب تور و خاصتاً پیروزی مرحله تکاملی آن که لزمه بر کاخ آرزو های شیطانی میزند ولی بیشتر از این نمی توانند رخنه بروحدت آهین و همیستگی خلق هاوارد گنند .  
دانان اندخته ، آنان را وادر به فتنه گزی و دیسیه سازی نموده است .

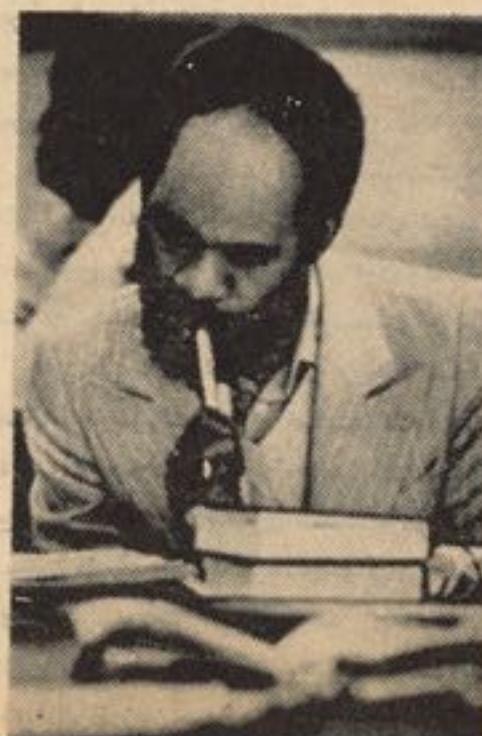
از انجاییکه مردم و جوانان انقلابی افغانستان خود منعیت وارکان با لاستحقاق تمام گزینیه کامل خدمه انقلاب با قاطعیت و ایمانداری به هم در مقابل این اجران و گهانسته گان امیر .  
باید یاد اورشیدعلوہ بر آنکه درامر پیروزی بالیزم غلت نمی گنند .

انقلاب تور جوانان ما نقش مهم داشتند .

## زندگی و مطالعه

گفته اند که : «از گهواره تا گور دانش بجوی ». راستی که انسان در طول حیات خوبیش محتاج به مطالعه است . زیرا برای دانستن به علوم و فنون امروزی که باز زندگی انسان ها ارتباط مستقیم دارد ، بدن دانش امروزی مشکل است که زندگی کرد . پس برای بیشتر زندگی کردن باید مطالعه کرد و بردانش خوبیش افزود این افزودن دانش چگونه و به چه شکل امکان بذیر است ؟

سوالی بجای است ولی جوابش ساده است این را همه میدانیم که هر علم از خود جهانی است و شاید هم بزرگتر از جهان باشد که رسیدن به آن مشکل و حتی ناگهانی



می کردند . فردای روز به خاک سپردن داکتر باران می بارید دسته گلهاي قشنگ که با لای قبر کنگ گذاشته شده بود بروی آب باران شناور بودند بعداز آرام شدن باران هفت زن سفید پوست که پتلون و لباس های نخی به تن کرده بودند بالای قبر هارتین آمدند و به خطوط منقوش لوحه سنگ خیره شده بودند . یکی از آنها گفت . هارتین بدون اینکه رنگ جلد وی در نظر گرفته شود مرد شا یسته بود . زن یک تعداد دسته های گل را بروی قبر مرتب کرد و از آنجا دور شد . آنها کنگ را تنها گذاشته بودند . داکتر بروی یک تپه که بر زادگاهش حاکم است به خواب ابدی فرو رفته است .

### پایان قسمت سوم

قانون گذاری تهیه و تضمین خواهد گردید قانون مذکور حاوی مطا لبی است که از حقوق مد نی کار گران و هنری های امریکایی حما یت شده میتواند .

این قانون مذکور مانند مجلس نما یندگان معطل مانند بالاخره در دهم ایریل مجلس روحیه ملت (ملکت) را درک و آنرا بارای ۲۵۰ - ۱۷۱ پاس کرد .

این تصویب باعث اطمینان و شادمانی مردم شد رهبران جنبش حقوق مد نی مردم را از استقبال زیاده از حد بر حذر داشتند و متذکر می شدند که بسیاری پروری های کلبه نشین های غیرتوسط این قانون حل خواهد گردید . رهبران از نگاه اینکه شاید اکثر مردم به غلط باین فکر شوند که ملت امریکا واقعاً با اهداف داکتر نایل آمده اند ابراز نکرای نی

## من هم یک افسانه...

مار تین در قربستان (سوتویو) به خاک سپرده شد . این قبرستان را یک عده سیاه پوستان خریده بودند سیاه پوستان اجازه دفن اموات شان را در قبرستان شهر نداشتند و لی میتوانستند از اراضی همچوار آن استفاده کنند .

بروی سنگ قبر کنگ آخرین و معروف فتیان جمله بیانیه اش «من خواب شمارا دیده ام ، خدارا شکر آزاد شدم آزاد شدم » حک گردیده بود . وقتی کنگ به خاک سپرده شد به مردم توصیه شد بجای فریادو کریه و سخن پردازی بدانند کنگ چرا و به خاطر چه حیات خود را فدا نمود .

در راپور کمیسیون (جلو گیری از بلواو شورش) ریاست جمهوری وضع حیات سیا هان به تفصیل تذکر داده شده است . درین کتاب مطالعات کمیسیون در باره شیوه زندگی سیا هان فقیریکه در نواحی شهر ها امرار حیات می کنند هم منعکس شده است . در راپور آمده است که این محله هاچکونه ابادشده و چرا به همان حال او لی نگهداشته می شوند .

پو هنتون بوستون ده سکالر شب برای شا گردان و محصلان محلات فقیر نشین اختصاص داد . پوهنتون کلورا دو صندوقی بنام صندوق امدادیه تحصیلی داکتر ما رتین لوتر کنگ افتتاح نمود . هدف این این صندوق را تر بیه هزار لوتر کنگ بجای یک لوتر کنگ ازیست دفتر تشکیل میداد .

شاگردان یکی از مکاتب عالی طی عریضه تقاضا کردند شا گردان سیاه پوست به مکتب همراهی آنها یکجا درس بخوانند .

یک کمپنی امریکا یسی صندوق مخصوصی به منظور کمک به فامیل های نادر سیاه بوسیله ای آنها یکجا درس بخوانند .

یکی از دستگاه ساختمانی منازل اعلام داشت که در آینده در قسمت ساختمان و اعمار منازل تبعیض نژادی و مو ضوع تحرید سفید را از سیاه در پالیستی ساختمانی خود در نظر نمی گیرد .

قتل کنگ در کانگرس امریکا تیز تالیرا تی وارد گردید بعداز آنکه رئیس

### ادیبات داخل خواهد شد .

#### حافظ :

صبا بغلطف بگو آن غزال رعنای را که سر بکوه و بیابان توداده ای ما را چو با حبیب نشیتی و باده بیما بیم بیاد دار محبان باده بیما را غرود حسن اجازت مگرندادی گل که پرشی بکنی عنديلیب شیدا را بغلطف و لطف توان ، صید گردانی نظر به بند و دام تکریز مرغ دانا را ندانم از جهیزی بر نگاهش اشتباه نیست سهی قدان سیه چشم ماه سیما را جز این فدرتوان گفت در جمال توعیب که صنع مهرو و فانیست روی زیبارا در آسمان نه عجب گو بگفته حافظ سماع زهره بر قص اورد فسیحارا نوای نسیم صیع ، بگو آن نهال رعنای که باع عمر خزان از تو دیده شده اند یک قدر که کشیدی زاپ آتش دنگ چه آتشی که زدی عاشقان شیدا را شدم بزعد قوی غرمه و ندانستم که ذور عشق بعیز افکن تو انارا نوای جوان که شکیبا زخل عشقی ترجمی بکن این پیر ناشکیبا را فروز مشعله حسن از آتش عشق ایست هدار حیف زاهل نظر تمادا را لب چو آب حیات است زانگه بیشش نیست بلکاه نقطه ردهم زدن مسیحا را بیا که حاصل کوئین برگ گاهی نیست بکوی میکنند و زنان باد بیما را بجان قبول کنم هرجه شیخ فرماید اگرنه منع کنند عشق و جام صبیارا فناد فالی بیخانمان به رسوا بی جودید بزم خراباتیان رسوا را (ادامه دارد)

### پیشنهاد صفحه ۲۰

## نوائی ...

بیا حافظه تا خود را به ملک دیگراندازیم<sup>(۱)</sup> صحة خوشحالی است . با عبارت دیگر ، او وقت و محل «گل انسانی و می درساغر اندازی

بهارا نگر بگلشن ، طرح جام و ساغر اندازیم حافظه را در فصل بهاران و در طرف گلشن بیا بین سقف بشکافیم و طرح نو در اندازیم میداند .

سیاهی گو نهاید غم ، که سازد وقت مایره عموماً معانی نازه و تصویر لطیف بدینه بیک برق شاعر جام ، بینادش بر اندازیم درین دو غزل جوایه علیشیر نوایی تاریخ زیاد و ماهرانه آورده شده اند ، که آن هارا نکی ماهم ، نزراب لعل ، در جام زر اندازیم بیا دایم ، بر طرف گلستان بزم شاهانه زهستی شورو غوغای ، در روای اخضر اندازیم بدل گردانیده است .

این حالت در دیوان «فانی» یک حادثه تصادفی نمیباشد ، استادی علیشیر نوایی و

مبارت بلند در نظم دری و تاجیکی او ، زیاد و کم در هر یک غزل جوایه و غیر جوایه او

به خوبی مشاهده گرده میشود . سی غزل جوایه علیشیر نوایی و سی غزل هورد

جواب فوار گرفته خواجه حافظه ، که به طریق نمونه بعداز این آورده میشوند ، درین باره برندان خویش را ، سوی خرابات اندازیم

شبی هر کس که چون فانی ، بدینسان هست خواب اند

سزد ، جام صبوح شنگر ، بصیغه محشر اندازیم<sup>(۱)</sup> در مناسبتین این دو غزل نیز همان

حالات مثال یکم را مشاهده میکنیم . هنلا :

حافظ در بیت اول غزل خود محل

وقت گل انسانی و می در ساغر انداختن را

نماینده بزرگ ادب ، حمایه گننده اهل

ادیبات و صنعت و زمینه حاضر گننده تو انا

برای ترقی علم و ادبیات و صنعت مردم افغان

ستان ماوراء الشیر خراسان و ایران نیمه دوم غصر یانزده ، بلکه بعداز عبدالرحمن

جامی ، همچون یکی از بیترین غزلسرایان

غصر یانزده زبان دری و تاجیکی ، به تاریخ

<sup>(۱)</sup> دیوان حافظ ، ص ۲۵۸

<sup>(۱)</sup> دیوان فانی . صفحه ۱۴۵-۱۴۶

## جواب به نامه‌های شما

که گر بدامن گلکون این دیار قسم  
نشسته لکه نتکی به کر دگار قسم  
دهم بخون خود م شستشوش بادل شاد  
کنم دوباره اش گلکون بصدمزار قسم  
همین به عالم هستی است آرزو (فرهاد)  
که جان دهم بدله پاک این دیار قسم

### «سید نور فروخ»

مرا به سنگر گرم تو بی دیار قسم  
مرا بخون شمیدان نامدار قسم  
مرا به گلشن آمال سینه میهن  
مرا به غیرت مردان روزگار قسم  
مرا به ماه و به دریا ولله و خورشید  
مرا به ذره ذره خاک و به که سار قسم  
مرا به بلبل و پروا نه و به شمع و بکل  
مرا به صبح بهار و به لاله زار قسم  
مرا به همت مردان کار زار قسم  
مرا به عرصه میدان کار زار قسم  
به قلب دشمن این خاک میز نم آتش

مرا به حرمت آن ذات کرد گار قسم  
بعدا فرهاد لبیب گفت برادر از اینگو نه کارها خیلی زیاد است که  
من خاطره های دارم و یک مو ضوع تازه را می خواهم برایتان بگویم، در  
«کیست سوم» آواز خوان جفا دیده ما «ساربان» یک خواندن بنام «بشتا»  
است که چنین شروع می شود.  
(بیایی نفمه گر بشتا بـ که کان نفمه ها اینجاست) این شعر در  
سال ۱۳۵۷ شماره ۱۹ زوندون از اینجا نب به چا پ رسیده عوض  
چند جای آن مثلا عوض (دراین ویرانه با بر جاست) خوانده شده (درون  
سینه با بر جاست) و یا «رسان تا آن کران دور» خوانده شده (رسان  
تا کوی دلدار) و امثال این تغییر کلمات. حال شما بگویید که تصرف  
ویا تغییر یک قسمت و عوض آن جادا دن گفته خود درست است چرا؟  
عوض (رسان تا آن کران دور) را (رسان تا کوی دلدار) بسانند اگر  
رسانیدن پیغام و یا پیام بکوی دلدارشان باشد باید آنرا بایال کبو ترویا  
نامه رسان خود رسانند ته آنکه آنرا در چانته دیگران جا دهند و یا دربال  
کبوتر دیگران بینندند؟  
خدایا قلم بدمستان مبتدی و ناشی راهداشت کن و نگذار که درزدی بی تبر  
و کمان نمایند و به سنان قلم ممال دیگران را بر بایند. آمین.  
والسلام

## بموای حوان

وده ها مسائل دیگر هارادر خود بیچیده است. پس  
بیانید باهم بایکار اراده اعتمین و مستحکم نشود  
و متعدد یکصدنا همراهانگ شده بر علیه این  
دشواری های که منبع اساسی عنم سعادت  
آنرا بیاموزان.

بگوش تاصر در چاره بروار یک ناسیون آیزم  
بر تعریف و بقول هر گونه رنج مبارزه کنیم  
و به ندای و جدان خود پاسخ مثبت بدهیم،  
حقایق را با حقائیق راسخ باهم درهیان گذاشت  
بن هراس و بن اهل در صدد تقویر دشیت  
نشستگان تحول اجتماع، نشستگان تو ای و  
سعادت جامعه خود هستیم در حالیکه مصروفها  
بالدرست علم و تکنالوژی به مهتابو گهگشان  
و عالم دیگر با تحولات علیم و شگرف در باره  
اسرار نهانی دست اندر کاراند، ها هنوز هم و من از بین برده و فضای صمیمیت و دمو  
بر مشکلات دشواری ها روپرورد هستیم تقرت کراییک دا مهبا ساخته و متعددانه بارزه نمائیم.

گنوی وزارت صحت عامه به تکارش آمده و  
حتی به صورت نمونه یک مقاله در آن نمیتوان  
یافت که به وسیله متخصصان خارج از کشور  
اداری به نسبت آمده باشد، هم چنین در  
معرفی مسوولان و گردانند کان مجله از یک  
هیات تحریر شنگری و شورای تحریر بسیزده  
عضوی نام بردۀ شده است که معلوم نیست  
چه تفاوتی میان مسوولیت های نشر انتشاری هیات  
تحریر و شورای تحریر وجود دارد.

در صفحات نخستین مجله بیانیه بیرون کارهای  
منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراییک  
خلق افغا نستان به مناسبت افتتاح اولین  
کنگره کار هندان طب جمهوری دمو کراییک  
اولنها نستان به نشر رسیده است که علاوه از  
آموزنده بودن، هوش دارند است و کارگران  
طب و صحت عامه را به وظایف شان در شرایط  
کار کنان طب و صحت عامه کشور قرار داشت  
و بعد نشرات آن متوقف ساخته شد.

بیون شک نشر یک مجله آموز نهاد صحی  
که در بالا دوی سطح آگاهی مسلکی و داشت  
دست اندرگاران طب و صحت عامه کمک پیوایند  
پوهاند دکتور محمد ابراهیم علیم وزیر  
صحت عامه در بخشی از مقنه بی که برای  
مجله تکائیه است پالیسی نشر ای و عدف  
از نشر آنرا چنین تعیین میکند:

۱۰۰۰ این مجله که هر سه ماه بعد نشر  
پیگرد از یک طرف ممثل و انعکاس دهنده  
پالیسی ها پلان ها و فعالیت های مختلف  
وزارت صحت عامه به متفاوت آگاهی بیشتر  
هموطنان در بخش صحت عامه میباشد، از جانب  
دیگر دست آورده های طب و صحت عامه را که  
دانشمندان و کارگران مربوط در تیجه کاوشن  
او و مطالعات علمی به آن نایل میگردد منشی  
صحت که بعذار نشر بیانیه بیرون کارهای این  
جهة حذبیمانه بی میتواند فروخت  
های همگانی کار کنان صحت عامه را برآورد  
موردی است که باید در انتظار هاند تا شماره  
جوابگوی نیاز هنریهای باشد که بیشترین  
تعداد پرسوئل آنرا احساس میکنند و اینکه این  
نشریه در چه حذبیمانه بی میتواند خدمت داشت و بروان  
هزار دهد به شرط آنکه در محتوی خود بتواند  
جوابگوی نیاز هنریهای باشد که بیشترین  
هر دیگر آن بسترس علاقمندان بررسد.

هروری به مطالب و مقالات نخستین شماره  
صحت که بعذار نشر بیانیه بیرون کارهای این  
جهة عمل مورد تطبیق قرار دهند.

محمد ابراهیم علیم وزیر صحت عامه ویاد

داشت مدیر مسوول بالاترین سازماندهی

عرضه خدمات طب و علاجی و وقاوی درجه مهندسی

دو کراییک افغا نستان نوشه دکتور نی

کامیار، «به کوچنیانو کی درویشین او کالوری

سوء تغذی» به قلم دکتور «هل» کانسیت حمامیه

اکنون دکتوران زور نایستی رادر کدر های

خود دارد که نه تنها به فن روز نامه نگاری

آنستایی کامل دارند. بلکه مدت هائی مجلاتی

مانند زورنال صحت عامه و در هر ماه محتویات

نشر کرده اند، آغاز نشرات مجله

صحت را به وزارت صحت عامه به کار کنان

طب و صحت عامه و علاقمندان به «طبوعات

کشود تبریک میگوییم.

استیوت طب و دورنمای فعالیت های این

استیوت در قسمت تیمه که قلم، به قلم

دکتور هنصور و بک صفحه اخبار وزارت صحت

عامه به نشر رسیده است نشان میدهد با آنکه

محتوی مقالات در برگاههای درسی دو

مسنی و قابل فهم برای گذر طب و صحت عامه

مباید از نظر انسایی ضعف فراوان دارد و

انسلاخ حسنه در عنایوین نیز راه یافته است.

نکات قابل باز گوین دیگر درین نشریه

ای است که مجموع مقالات به وسیله روسای

## صحبت تولدی ۰۰۰

اکثر  
منک  
بدید  
عدا  
قید  
نخن  
رین  
منک  
غفت  
یدر  
بدید  
ند  
هش  
رفته  
م

# السکون

## الحاج

### الجوان

#### الجوان

## ۹۸ روز مسافت در راه کرمه هریخ

۹۵ درجه اتموسفیر می رسید که به این مورد درجه و فشار اتموسفیر به ثبوت رسانید که درجه حرارت در سطح کره هریخ ۵۵۰ درجه سانتی گردید بود که معادل به ۱۰۰ درجه فشار سطح اتموسفیر میباشد .  
اقدام بعدی درین مورد کاملاً اکتشاف یافته به این ترتیب کنله قمر مصنوعی «وینوس ۷» در سال ۱۹۷۰ صد کیلو گرام اضافه ترشید نایاب شد به فشار های خارجی که به ۱۸۰ درجه اتموسفیر میرسد مقاومت نایاب «وینوس ۷» توانست در سطح هریخ بیاده شده و هدف هشتم گردیدند و در یافتن که در سطح سیاره عناصر کیمیاگری مشابه به عناصر کیمیاگری نایاب گردید که درجه اتموسفیر در نقطه اصابت و فرود اقمار هشت بیان شده بود و منطقه ۲۰ درجه نایاب شد که ابرهای این سیاره شدت نور آفتاب نایاب شدند که این میزان زیادی کاهش میبخشد .

## تو گسین زهری که ۲۵۰ ملی گرام آن نیتو اند تمام نفوس دنیارا محو نماید

تصویر عموم زهرهای دو نوع اند یکی آنرا پروردگران خوبیه عای پلاستیک و گوشت هاو که بنام سم یاد میکنند . تمام زهرهای را در غذاهای که در قطبی های سریسته تورید گردید برمی گیرد که از نباتات زهایی هائند بعض تسمم مواد غذایی باکلو ستریدیوم نیز جلب سوارق ها - و بعض نباتات زعفرانی چراگاهای توجه نمود .  
وحشی بدمت من آیند و زهرهای مواد کیمیاگری زیرا یک غذا وقتی ملوث میشود که دارای دو شرط باشد . اول اینکه شرایط بدون هوا های زندگانی افزایش میکند و بدمت طولانی در حرارت میگردد . درینجا منظور از توکسین این است که محافظه کا نسروها به مدت طولانی در حرارت از یکنوع میکرو اور گنیزم غیر هوایی بصورت دوم آن عبارت از زهری است که توسط میکروب عادی این شرایط را تأمین میکنند .  
مواد غذایی کانسرهای یا گوشت های که در قطبی های جا داده میشوند باید قبل از استفاده به دقت بوي شود ، بدون بوي گردن باید استعمال شدت تالیر توکسینی آن به اندازه است که تانک ها و تمام سلاح های تقلیل جهان امروزی به آن برابر گردد نایاب شد این توکسین از میکرو اور گنیزم بنا م کلوستریدیوم بولوتیوم بوجود آید که یک هرض کشنده قوی میباشد همچنان مذکور را بنام بوتولیزم یاد میکنند توکسین های بوتو لیز نو یرو توکسین (توکسین عصبی) بوده خیلی توکسین قوی است .  
کلو ستریدیوم بوتو لیز نو یک اور گنیزم سیور دار بوده سبود آن نسبتاً حرارت زیادتر کار دارد تا تخریب شود ،  
برای جلوگیری باید تکات ذیل را در تلف بگیریم :  
۱- فقط و گوشت های کانسرهای نایاب در حرارت پایین نگه داری شوند .  
۲- در وقت استعمال باید متوجه بود که (دی) آن در ماهی های موجود بوده و از اهمیت ملوث نشده باشد ، و نگاه آن تغیر نکرده باشد .  
۳- قبل از یکه داخل قطبی های گامود غذایی در سال های اخیر که در افغانستان غذای میگردد خوب تعقیم شود و حرارت مکمل به تمام سربسته و کانسرهای شکل ساقی روده - حصر غذا بر میگردند .

قمر مصنوعی بنام «وینوس ۱۲» که بسوی اند برای انسانها اهمیت فوق العاده و اساسی هریخ برتاب شده بود پیاریخ ۲۱ دسامبر داشت که بدون این آگاهی و اطلاعات تکامل ۱۹۷۸ بعداز ۹۸ روز مسافت و طی مسافت وحدت هر نوع توری درباره گذشت و آینده انسانه از ۴۰ میلیون کیلو متر مواصلت نمود .  
اتحاد شوروی اولین کشوری بود که درین پنج روز قبل از «وینوس ۱۲» در گرده هریخ صورت گرفت . در وهله نخست قبل ازینکه بیاده شد این بیاده شدن به بسیار آسانی صورت گرفت و عکسها و رایبورهای جالب علم معلومات و اطلاعاتی در باره شرایط حاکم بر از گرده هریخ به زمین مخابره شد .  
انسانها از قدیم به ستاره صیغه (هریخ) و معتقد در زمینه وجود داشت .  
علقه داشته و با علاقمندی خاص نام آنرا بزیان اولین قمر مصنوعی که موفق گردید فشار می آوردند این نهاد علاقمندی و عطش انسانی و ترکیب درجه حرارت هریخ را به صورت مستقیم ملاحظه و تحقیق نماید و «وینوس چهارم قدیم را به علم نشان میدهد بلکه علاقمندی آنها را به دانستن فاضله که گرده هریخ از زمین دارد نشان میدهد . انسانهای قدیم گلاس مینمودند تا وسایلی را بدانست آورند که فاصله مذکور را طی نموده و به در دسترس بشر قرار داد که به اساس آن دانشمندان توانستند «وینوس پنجم و ششم را گرده هریخ برسند .  
 واضح این علاقمندی بخاطر آن هم بوده که آماده برواز سازند . این اقمار موفق گردیدند تا رایبورهای رادیویی را از عمیق ترین نقاط اتموسفیر کرات دریابند و چنین به نظر هر رسد که ترکیبات کیمیاگری در درجه حرارت و فشار اتمو سفیر گرده هریخ اتموسفیر ۹۷-۹۳ فیصد گاز کاربونیک اسید و هم اینکه چگونه سنتک هایی ترکیب سطح ۶-۵ فیصد نایتروجن و ۱-۰ فیصد اکسیجن گرده را تشکیل داده و عنصره مشکله آن کدام هم باشد . تحلیل و ارزیابی بیشتر ارقام در

سوا ل که ملیت طفل متولد داد  
چنین فا میل ها چه خواهد بود ،  
افزود که این پستگی به خود طفل  
دارد و زمانیکه در سن شانزده  
سالگی یا سپورتیشن داده می  
شود می تواند ملیت پدر و یا از مادر  
را انتخاب نماید . بطور مثال  
جوانان از فا میل های او کراینی  
وروسی که در خارج از او کراینی  
زندگی می کنند ملیت خود را روسی  
و آنا نیکه در داخل او کراینی زندگی  
دارند او کراینی می نامند .

و قتکه و خانہ

داخل شوید

چراغ روشن

می شود

اعضای هیات مدیره دیپارتمنٹ انرژی ایالت  
تحدید امریکا هنگام کاردر دفاتر مربوط چراغ  
های شانرا سوچ نمی‌کنند (موج چراغهاي  
ذکور اتومات است) \*

چراغ های دفاتر آنها توسط یک دستگاه  
ولتر سوند که در مقابل حرکت انسان حساسیت  
شان میدهد طور اتومات روشن و خاموش  
بگردد . دستگاه مذکور که در سقف هر یک  
از دفاتر نصب است هر کب از یک ترانسمیتر  
ولتر سوند و یک آخده میباشد . این دستگاه  
طور دائم فعال بوده و کمترین انرژی بر قبی را  
مصرف میرساند .

مکرر اعمال دستگاه طوری است که به مثلاً  
اصل شدن شخص در اطاق آلات سیستم متانر  
ارزیدنده و یک سگنال به دستگاه ارتباط سوچ  
کنترول کننده سوچ) عبور نموده و جراغ نا  
روشن می‌سازد فرق نمی‌کند که شخص هنگام  
سبع داخل دفتر خود شود یا هنگام شام ود  
مول شب .. یعنی غریب بخطه که داخل دفتر شود  
جراغ به قسم خود کار روشن می‌شود .. همان  
آنکه اینکه شخص دفتر خود را ترک می‌کنند  
وازانه سیستم مذکور به عقب برگشته و دوباره  
جراغ خاموش می‌گردد ..

این سیستم چراخهای خود کار طی پنجسال  
حالیت خود ثابت نموده است که در مصرف  
برق تا ۳۰ قیصد ویا بیشتر از آن صرفهجویی  
عمل آمده میتواند.

هفت فیصد در شهر های آسیا و مرکزی اتحاد شوروی و بلندترین رقم سی الى چهل فیصد در شهر های مولداوی، اوکراین و بیلا روسیه نیت گردیده است. زبان نمی تواند سدره ازدواج مختلط

گردد زیرا زبان مشترک روسی است که اکثر مردم با آن تکلم می‌کنند. پر و سه تشکیل چنین نوع فا میل‌ها ساده نیست. روابط میان زن و شوهر درین گونه اندکا - حلقه - اخلاق - فایده - نیاز

اردو، ج س متصفح احمدیت ریاض  
در طرز تفکر، رسم و رواج وغیره  
عادات میباشد. واین مستلزم  
احترام دو جانبی به عادات و خصوصیات  
صیانت طرف مقابل و طرز زندگی  
آن میباشد. زندگی به اثبات  
رسانیده است هر گاهی دو همسر  
از ملیت های مختلف در نخستین  
ایام زندگی زناشو بی شان با  
مشکلات مواجه شو ند، آنها دارای  
استعداد اضافی در جمیت فایق  
آمدند بر آن مشکلات رانیز دارا می  
باشند. لود میلا به جواب این

رو ابطفاه میلی در یک کشور  
کثیر الهمایت چگو نه است؟

از جمله شخصت و سه اعشا ریه سه ملیون همسران در شوروی بیشتر از چهار ده فیصد آن از نقطه نظر نژادی مخلوط می باشند لود میلا تیر ینتیوا معاون رئیس انسستیتوت نژاد شنا سی اکا د می علوم اتحاد شوروی در مورد این پدیده چنین اظهار نظر نموده است : ولی اکنون اندازه آن یک بر هفت مساوی بر خور دار اند . از قام احصائیه عمومی و دست آوردهای مطالعات نژاد شنا سی نشان می دهد که تعداد ازدواج های مختلف در آن کشور بطور عمومی رو به افزایش است . ده سال قبل ده ازدواج مختلف صورت گرفته بود ولی اکنون اندازه آن یک بر هفت است :

یک رقم بلند (یک بیانج) در لتویا  
قراستا ن و او کراین ثبت گردیده  
است . در عین زمان این رقم در  
ار میتیا فقط سی و هفت فیصد است  
و دلیل آن تشا به ملیت ها میباشد  
که نسبت به دیگر جمهوریت هادر  
آن بیشتر است . تزاد شناسان  
می گویند که ازدواج مختلط در شهر  
هازیاد تر میباشد .  
ورقم آن به بیست و سه اعشاریه

طوری که من فکر می کنم انتخاب  
شو هر و یا زن از هر ملیت یکی  
از مظا هر آزادی بشر یست و می  
می افزاید اگر یک جا معه ازدواج  
مختلط را غلط تلقی کند آنرا نمی  
توان یک جا معه دموکرا تیک  
نا مید . قبل از انقلاب سو سیا -  
لیستی اکتو بر ازدواج مختلط در  
اتحاد شوروی بعید بنظر می رسید  
قاتون امپراتوری رو سیه مرد مان

غیر عیسوی نمی داد . وی می گوید اگر این قانون هنوز هم وجود داشت ، فاصله من اصلاح و جود نمی داشت ، زیرا من یک رو سی هستم و شو هرم یهودی ، در حالیکه دختر م بایک تبعه جسم و ری دموکراتیک آلمان ازدواج نموده و همشیره زاده ام بایک تاتار ازدواج نموده است . وی علاوه می نماید که فاصله من تجسس این نظریه است که نژاد انسان یک نوع منفرد بیو لو جیکی میباشد که در آن همه مساوی اند ، بعد از انقلاب سو سیا لیستی اکتوبر ، به اساس قانون اساسی برای همه اتباع اتحاد شوروی بدون درنظر داشت عقیده ، ملیت ، جنس و یا اساس اجتماعی حقوق مساوی اعطای گردیده است . بازشده سویه تعليمی و فرهنگی عقاید پو سیده گذشتند بدرو افگنده شده است .

سر شماری نفو س در سال ۱۹۷۹) بیشتر از یکصد و بیست ملیت و ملت در آن کشور زندگی می کنند که همه شان از حقوق



در نگاه اول شاید لکر کنید که این یک هرگز است هگر اشتباه تکنید این یک گاسه آش خود را و معرف صنایع ظریفه هردم آسیای میانه شوری است.

## دیوانگان



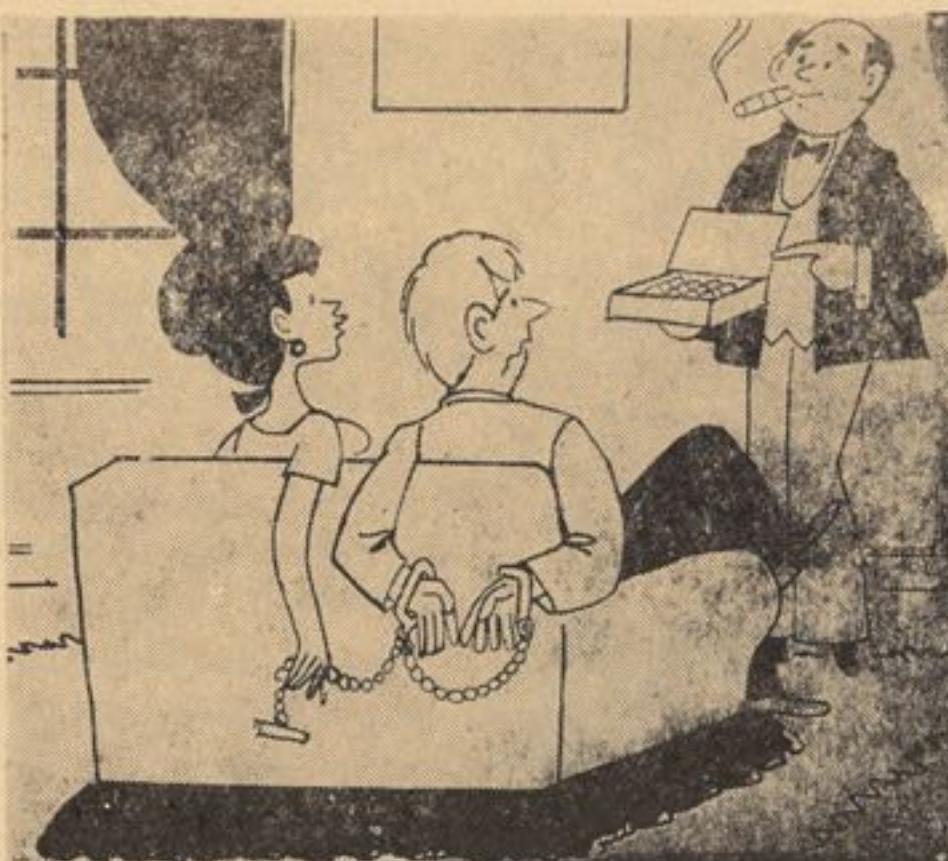
بدون شرح

دیوانه ای یکی از دوستان خود را که مثل خودش دیوانه بود در شهر پاریس گردش میداد شخصی گردش دیوانه دوست گفت : ساینچه وانها سور شنگن است .

جنه هر دان بزرگ زیادی در آن به دنیا آمد .

\* \* \*

اولی سری تکان دادو گفت : سئی در اینجا فقط بجه های بسیار کوچک بدنبال هم آمد .



برادر برو شوهرم تصمیم گرفته که دیگر سیگار نکشد .

## باز هم اسکا تلند



بدون شرح

دو اسکا تلندی با دیبل سفر می گردند یکی از آنها ناگهان قیافه پریشانی به خود گرفت .

\* \* \*

- عجیب کاری گردم . بسیار بخشید . و بعد در مقابل چشم ان حیرت نده دوستش دستعمال

از جیب پرون آورد و با اختیاط تمام آن را باز گردود بک جوره دندان مصنوعی ظاهر شد .

دوستش گفت : تو خود دنده های سایه داشتی

دنده مصنوعی چیست ؟

هر ده ناراحتی سری تکان دادو گفت .

سال زتم است چون چند وقت بود غادت

داشت در وقت نام و ناهار چیزی بخورد آنها

راز او گرفتم . حالا هی بینم یادم رکته گاه در

ایستگاه دندان هایش را پس بدهم .

## خندق خندق خندق

### برای شهدا انتخاب کرد ۱۵۰ یارم

## شب خوشی

جوانی به تازگی با دختر زبانی آشنا شده بود و فرار بود بزوودی نامزدی آنها اعلام شود .

یک روز جوان به سراغ نامزد آینده اش رفت و با خوشحالی گفت :

- امشب بسیار خوش خواهد گذاشت .

برای شب نشیمن بزرگی که در هتل برپا می شود سه کارت ورودی دارم .

دختر تعجب گرده گفت :

سوی چرا سه کارت ؟

�وب یکی برای پدرت ، یکی برای هادرت و یکی هم برای برادر کوچکت . هادر منزل

\* \* \*



شوهر عزیزم ، فقط این چک آخری را امساء کن قول میدهم که ترا راحت بگذارم .

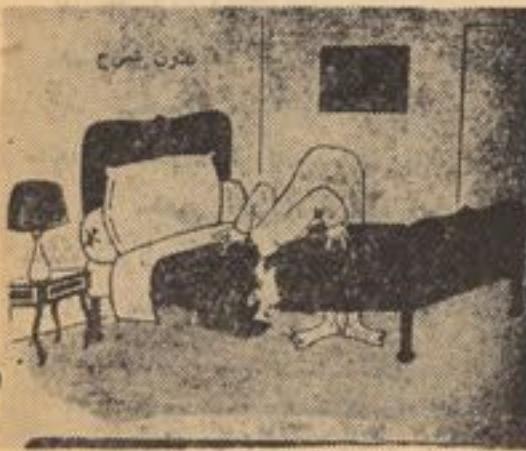
صفحه ۴۸



لطفاً آنجا ازرا نصب کنید.

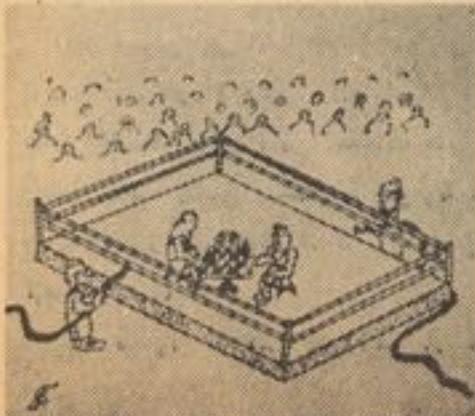
## گداوْن صاحب خانه

زنگ دروازه نواخته شدزندی پشت در آمد و دید مردی که زنگ زده بیکنفر گذاشت  
ابرو ها را در هم کشید و گفت:  
- خجالت نمی‌کشی برای گدانی در میز؟ زود خود را گس کن و گرنه شوهرم را صدای  
میکنم.  
مرد پوز خند تمسخر آمیزی زد و گفت:  
- شوهرت را صدای میز نمی‌خوب هی شناسم، همان مرد بود که دیروز وقتی  
زنگ زدم یعنی گفت: زود فر اینجا برو و گرنه زنم را صدای میز نم.



بدون شرح

میخواهی دیگر کی باشد؟ آن خواهر من است.  
- خوب خواهرت پس مادرت می خواهم  
دراینصورت به روی آب ازرا بگذار و خودت  
دور برو و بگذار آنقدر خودش دست و بایزند  
تا یاد بگیرد.



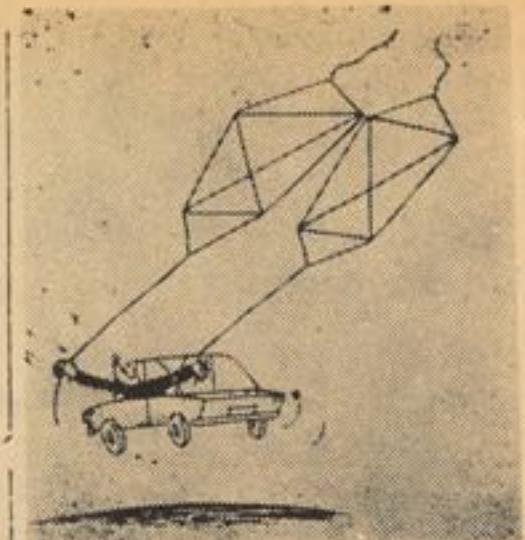
## آن خواه و هن است

در گذار یکی از حوض های عمومی در  
فرانسه جوانی کم تجویه از دوستن پر میدند:  
- بگو تو میدانی بهترین وسیله برای شنا  
یاد دادن به یک دختر جوان چیست?  
بالبته این کار احتیاج به تکنیک دقیق و  
مهارت زیادی دارد. ابتدا دست راست را  
دور کمر او حلقه میکنی. بعد دست چیز را  
روی سینه او میگذاری ۳۰۰۰ اما اول بگو که این  
دختر جوان کی است؟

دوست عزیز پس اطلاعیه برای چی است.  
برای اینکه مبادا آتش خشم شما زیاد شود.

## فقط یک کمر بند!

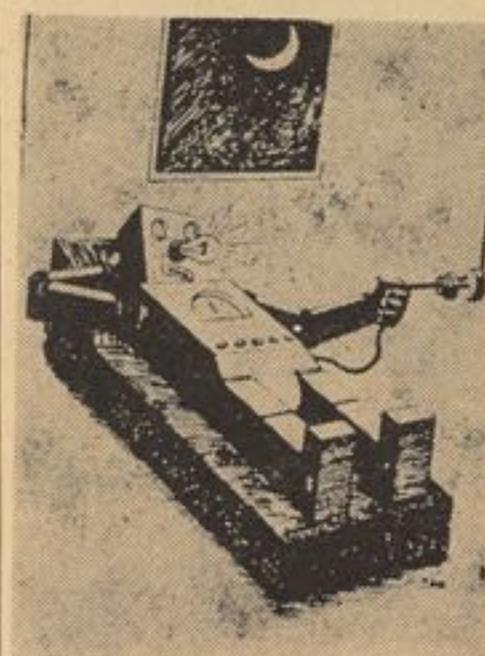
دوستاره جوان در یکی از کتاباره های  
پاریس در بازاره گرفتار بیهای شغلی صحبت  
میکردند. یکی از آنها به دوستش گفت:  
- آخرین لباس که من در آخرین یوروگرام  
ام بوسیده بودم یادت هست?  
- می اینطور که میگفتند بسیارغم با استقبال  
تماشا چیز روبرو شده بود.  
درست است نازه امشب متوجه شدم که  
این لباس فقط یک کمر بند بوده است!



بدون شرح

## آیا ثروت ش است یا ذره؟

جوان عاشق بیشه ای به دختر جوانی دل  
بسته بود. تا آن حدکه شاید قصد ازدواج  
با او را هم داشت. بالاخره یک روز صحبت  
از مسائل خانواده گز بیهان آمد. دختر جوان  
با غرور گفت:  
- پدر من واقعاً مرد خود ساخته و بر جسته  
ای است، اولش یک بول هم نداشت و بعد با  
کوشش و پشتکار شبکه ای موفق به کسب  
نرود قابل ملاحظه. ای شد، میخواهی بداتی به  
چه ترتیبی این نرود را بدمست آورد?  
جوان مشتاقانه جواب داد:  
- البته، البته... اما قبل ای میخواستم موضوع دیگر  
را بدانم. بگو هنوز هم نرودش را دارد  
یا نه؟



بدون شرح



دکتر صاحب من جلوی خوزیری را اگر کنتم بعد باید چنان کنم؟



هیخاولیل یور یو یچ ایور دنترف شاعر  
و نو یسند ئ بزرگ رو سی

لیر متفوّف از سخنسر ایان و نویسنده کان بزرگ  
قرن نزد روسیه است که در سال ۱۸۱۴ عیسوی  
در شهر مسکو چشم بدنا گشود . پسند  
لیر متفوّف از اشراف و اعیان شهر مسکو بود .  
شاعر عمر گوتاه و پیر نمری داشت . شاعر  
در ۲۶ سالگی یعنی در سال ۱۸۴۱ عیسوی  
در بیمار جوانی و شباب ، زندگی اس با ایان  
یافت .

شاعر با اندیشه های عالی و افکار بکر خود  
آثار زیبایی نوشته که در زمرة بر جسته ترین  
ادیبات کلاسیک روسیه قرن نزد فرار  
لیر متفوّف شاعر بر سور و سحرکار بود  
در شاعری قدرت و توان عظیم قریحه واستعداد  
عالی داشت .

(مرگ شاعر) معروف ترین شعر لیر متفوّف  
است که در واقعه مرگ الکساندر سرگه یوویچ  
یوشکین شاعر بزرگ روسی در سال ۱۸۳۷  
عیسوی سروده و شاعر را شیرت فراوان  
بخشید و در سر نامر کشود پیناور روسیه  
معروف گردید .

شاعر با وجود یکه از طبقه اشراف و اعیان  
بود حس هم نوعی در دلش شراره میزد و  
اشعارش گنجینه ای تابلو های دنگین زندگی  
هردم روسیه است .

لیر متفوّف شیرت جهانی دارد اشعارش  
بیان های زنده دنیا ترجمه شده که اینکه  
خدمت خوانند کان ارجمند مجله وزیر ڈونتوون

## پروفیسور عبدالغذی میرزا یاف

جمع آوری نسخه های خطی سرفی کتابخانه  
انستیتوت سر قشتاسی تاجکستان گه بیش  
از دوازده هزار انو هی باشد زحمت فراوان  
کشیده و در امور توصیف و تحلیل آن نسخه  
ها، انشای آن موسسرا رعنایی کرده است.  
پیکن از داشتمندان بر جسته و کم نظیر  
پیبرست نسخ مذکوردر تحت نظرات وی در ده  
جمهوریت سوسیالیستی تاجکستان اتحاد -  
شوریی هیبایند .

بروفیسور میرزا یاف تحصیلات عالی خود را در فاکولتة شرقی بوهنتون لین گردد. بسال ۱۹۳۹ بیان رسانید. در سال ۱۹۵۵ بعثت با امتحان های دکتور و بروفیسور علوم زبان و ادب شناخته اتحاد سوری تبیه گردید.

شده .  
وی در طول چهل سال فعالیت علمی خود، آسیایی و به اروپا سفر کرده و به کنگره ها، یکتعداد زیاد آنارعلمی تحقیقی نوشت که مهمترین سیمینار ها و سمینار های علمی، بین المللی منعقده آن کشور ها فعالانه اشتراک گرده .  
آنها قرار آتنی است :  
۱- کمال الدین بنی شهاب (جعفر) (جعفر)

۱۰- نهادین اندیش پایانی عروی (احوال و اثار چنانچه بسال ۱۳۴۱ تسمی به سمینار تخصصی مین‌سال وفات عارف بزرگ کشور ها شیخ-

۲- ابو عبدالله رودگی ، طبع ۱۹۵۸ . الاسلام خواجه عبدالله انصاری هروی اشتران  
 ۳- رودگی و جریان زندگی او (درمجموعه نمود . و مقالتی تحت عنوان «نسخه های خطی  
 رودگی و زمان او که درسال ۱۹۵۸ چاپ شده آثار بیش هرات در کتابخانه های اتحاد سوری  
 ایران گرد که آن مقاله در سفحات ۱۳۵ تا ۱۴۰ )

۴- رودگی و اکتشاف نژل در عصر های مجموعه مقالات سیوینار مذکور چاپ شده است.  
آخرین مقاله های چاپ شده بروفیسور دهم تابانزدهم .

۵- سیلای نسخه و مقام او در تاریخ ادبیات  
میرزا یاف معرفی نسخه خطی «رقعه زیبای  
تجییک» .  
چهانگیر ، نالیف مطریس اصم سور فندی

۶- احوال و آثار ملیم بخاری  
۷- هلا مفید بلغی و مفید بزیدی .

۸- درباره تخلص میرزا عبدالقادر بیدل . در مجله اخبار فرهنگستان علوم تاجیکستان  
 ۹- تصویع و مقدمه رساله تاریخ سلطنت میباشد .  
 خاندان منغیتیه تالیف احمد مخدوم داشت .

۱۰- تصحیح مجموعه اشعار ابو اسحاق یروفیسور عبدالفتی میرزا یاف از سال ۱۹۲۸  
اطمینان شدند

۱۱- مقدمه بر بنج رساله درباره آفاق و کار کرده و جایزه های متعدد در مقابل خدمات علمی بدست آورده است \*

۱۲- تدوین اشعار باقیمانده رودگی و مقدمه وی سالیان متعدد بحث رئیس انسیتیوت  
سرشناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان ایفای  
برآن .  
وظیله کرد :

١٣- (میر علیشیر نوایی) فانی و خواجه و میرزا یاف نوامبر  
حافظ بطور مقایسه . تاریخ تولد پروفیسور میرزا یاف ۲۰ نوامبر

برو فیسور عبدالقئی میرزا یاف بیش از دو ۱۹۰۸ د در تبر کتاب هاوراء التبر بوده است.  
صدو پنجاه مقاله علمی و تحقیقی نوشته که برو فیسور مهندس زاده در اثر هر پسر ملک

چندی از آنها به انگلیسی نیز ترجمه شده و منتداوم با تاریخ ۱۶ آگوست ۱۹۷۶ در شهر است. اصل مقالات او بیانهای تاجیکی و دوستبه پایتخت تاجیکستان بعمر ۶۸ سالگی روسی می‌باشد.

اگاد میسین میرزا یف بعضی زوایای تاریک چشم از جهان بوسید.

ادیبات دری هاوڑاء التبر ، افغانستان ، ایران داشت و بایکنده از ایشان در سمن مجالس هندو پاکستان رادر سمن تحقیقات علمی خود تعاملی افکار کرد داشت .

روشن ساخته و نسخ بیشمار خطی هر یوغا تاریخ  
و ادب کشور های فوق الذکر را تحلیل و

توصیف گرده است .

## زددوزی٠٠

شنا ختند که ، این کار و آن از کدام قرار داده به یک نظر بترکرد ، و شیر ، ده و یا قریه آمد ، صرف همین تدریج یکدیگر که ، بیلی مقصده مسافرت شان چیست ؟

زیبا است ، اما استاد فن دوخت در کدام محفل خوشی اشتر اک بدن در نون در نون که کدام آنرا جداگانه میکند و یا ز جایی آمده اند ؟ یابه تشخیص نموده و میکوید : که ، کدام عبادتگاه و یا زیارت میروند و یا باز گشته اند ؟

دلبر « ویا کدام قسم دیگری است ؟

موسیات تو لید زر دوزی ، درین او اخر در بخارا فابریکه زردو زی روی کار آمد که مانند گذشته ها ، اگر به مناسبت تولیدات آن در دیگر مالک جهان چشمی مخصوص لات زیبایی جشنی را عرضه میدارد ، در آن ردیف نیز عرضه میکردد . درین فابریکه کارگران را بعد از اخذ امتحان انتخاب و می پذیرند ، زیرا علاقه مندان آن خیلی زیاد است .

میز های بلند که از آن بحیث کار کار دوخت استفاده می شود تکه مورد نظر به روی آن کشیده شده و زنها بالای آن مصروف میشوند ، در دست هر کدام شان سوزن هایی که رنگ آنها نزد همایان حاضر نمی شوند ، در دیگر جشن ها و اعیاد نیز از کلاه های زر دوزی استفاده میکنند ، اما در ورژنی استفاده همیکنند ، اما در ورژنی میز ند و به این ترتیب خانه های عادی مردم از کلاه های بسیار رسم شده زودتر پر کاری و ساده که رنگ آنسیا و دوخت گلدوزی می شود . اگر تعداد بخیه های کار بر مشقت دو زندگی حساب آید ، قبل از آنکه

کار تمام شود ، صرف برای گلدوزی آن شانزده هزار مرتبه چاکزین حر فه زر دوزی گردیده سوزن به تکه فرو برد هست است . با آن هم فابریکه زر دوزی بخارا ، مانند سالهای پار ، همان کسانیکه با انواع مختلف عنوان و همان شهرت خوب دوخت بلدیست کامل نداشته باشند است . دان ما هر را حفظ نموده ممکن تمام آنرا در یک ردیف است .

باقیه صفحه ۸

## سروکس ۵۰۰

- نگر که حریف چه باید بازی گرد . نوبت سیم که بازی میگردند ، مولانا در میانی ، راحت جانی ، ترا طلب میگند که صاحب از روی ظرافت اسب را فیل واری بازی گرد ، میمون حنان طبانچه ای بر روی هولانازد بهزاد ) ترا سنتکبار گند و به جوالدوزی پشت و پبلوی ترا فکار گند و عر جهابی ظاهر بوده کربیان اورا نیز بدرید . ( این که از آن بدتر نباشد باتو گند ، چون است ، الونایع - ج ۲ - ص ۱۲۲ )

فبول داری ؟

به مجرد گفتن این سخن از جای می جست و ترعرع میکشید و به گرد معزکه میگردید . عقامت درین آن بز در درازی بحدی گه تزدیک بزمه میگردید . معزکه میگرفت که قریب به هزار سایر ایکه پول را دوست هیداشمت : واز جمله خرابیکه بآنکه بابا جمال سیره ای داشت که پول را عر چند بلند می انداختند . پرواز میگردوان را زهوا میگرفته بیش باباجمال می آورد و نفس او عرگز ازده بانزده تنگه پول باگیست ؟ بعداز آن بابا جمال آن بز رادر معزکه در می آورد و رها میگرد ، و آن بز میگردید و بک را باید میگرد . ناگاه دست بر یکی میزد ، و آن قطعه های کاشی را به شکل دایره می چنید .

و میگفت :

ای سیره ! کاغذ فلاں رنگ را بیار .

آن سیره در میان دایره می نشست و بعد از

دایره نگاه میگردوان کاغذ مطلوب را به نول خود بیرون می آورد و هرگز غلط نمیگرد .

آخر که زیبایی را می فرمید :

این باباجمال خری داشت که او را چمند نام داشت .

کرده بود واز برای وی صوتی بسته بود و هر عضوی آنرا اعضا وی را به جزئی شبیه گردید .

سیره کس از قسمت های خرب امیر اتوی تیموری بهرگز خراسان به هرگز آمده بود ، او را تعصین مینمودند و آنرا مسجع ومصنوع ساخت ، در

آذنگ جار گاه به شجاعه نوی میگرد .

و آن چمند اصولی مینمود که عقل علاج حیران و نهایش خود را به اشکال گوناگون و دلپذیر می سند و می گفت :

ای چمند ، زن عجوزی گنده بیری عاشق تو شده و شیفتة تو میگردید ، به جای آب ،

کلاب و به جای جو ، مفرغ بسته و بادام فندی بتو میدهد و ترا در سایه درختی نگاه میدارد که از طوبی خبر میدهد واز سفرلات عمل نبات

از برای تو جلس می سازد و هرگز ترا بار نمیگذند و همین آذن دارد که بر تو سوار شود و به حمام رود .

این سخن را که می شنید لرزه بروی می افتد و می خلطید و جار دست و پیای خود را دراز می گرد

هتر عوام را ارته میداد در میان ۹۰۰ هجری ششنه فوجه آغاز میگرد که فغان از خلائق و توده های وسیع زحمتش بنهایش و معزکه بر می آمد .

ادامه دادویس از بجهض سال ها زلزله اوراق

بعدا می گفت که :

ای چمند زیبائی ، رعنایی ، بالا بلندی تاریخ اورا بخاطر می آوریم .

## دفعه ماز ۰۰

آید . پس با در نظر داشت شرایط کسری اتفاق نستان بیرا هون جلب و احضار قسمی سر بازان و خردپا . بطن قطعه به صوف قوای مسلیح چنین می گوید : علاوه بر اینکه در این مدت یک ساله خدمت برای هر نفر سر باز ماهانه مبلغ سه هزار افغانی معاش بر داخته میشود و هر سر باز از امتیاز کوپون برخور دار است بعد از گذشتاندن این دوره دو چند آن از دوره احتیاط سر بازان کاسته میشود و بهمین ترتیب این دوره یکساله در ترقیع و تقاعد دوره ما همیزی سر بازان بحساب میگردد .

نام نمایند تا ازدواج حمامه ساز میگویند

انقلابی ما بیش از بیش نیرومند

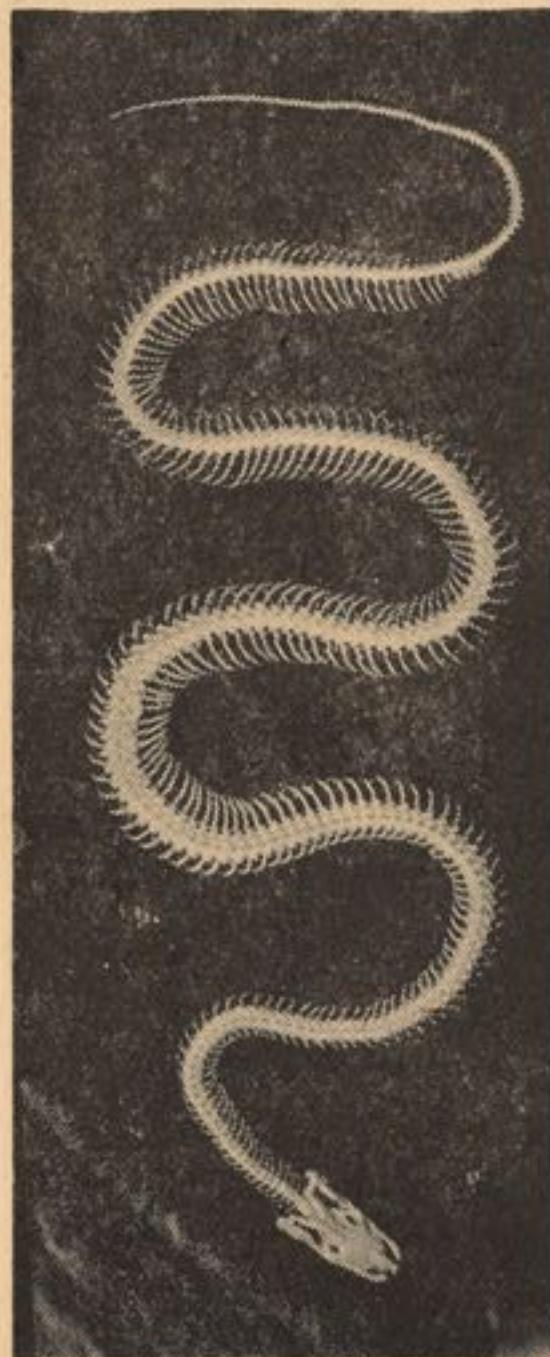
گردد و یقینا نیرومندی ازدواجی انقلابی

ما مرگ و نابودی گامی عناصر ضعی

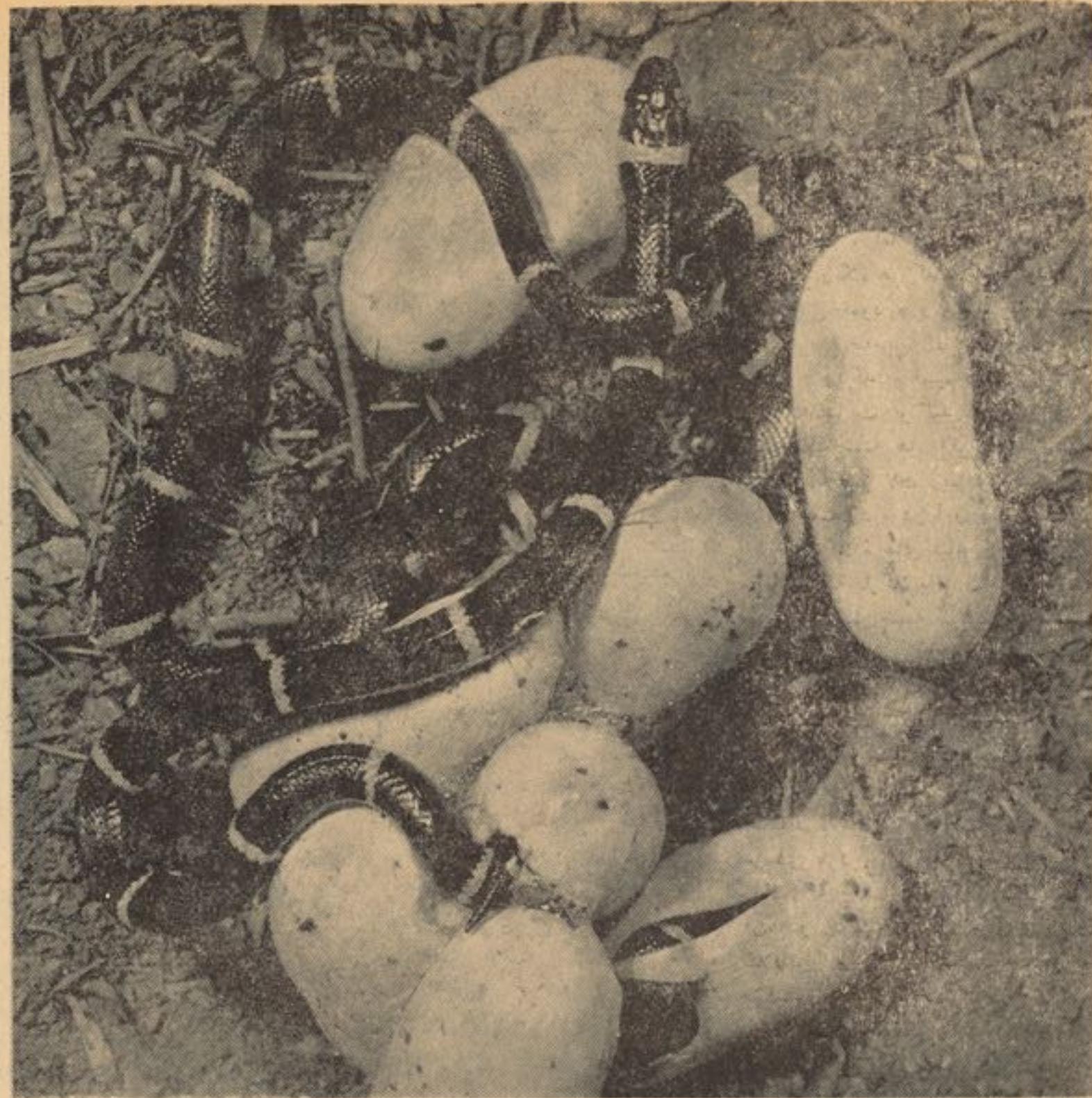
انقلاب را حتمی تر میسازد .



فوگانی دهن قا در باین عمل است. اگر دیده باشید مار اکثرا زبانش را به سرعت از دهن خارج می‌سازد و بداخل می‌برد. زبان مار در قسمت حس شا مه به حیوان کمک می‌کند. زمانیکه زبان مار از دهن بیرون می‌آید به همان سرعت ذرات مواد را جذب و بداخل دهن در دو خالیگاه کوچک که در قسمت آخری بینی مار قرار دارد خالی می‌کند و بدین ترتیب قدرت شا مه



اسکلیت مار

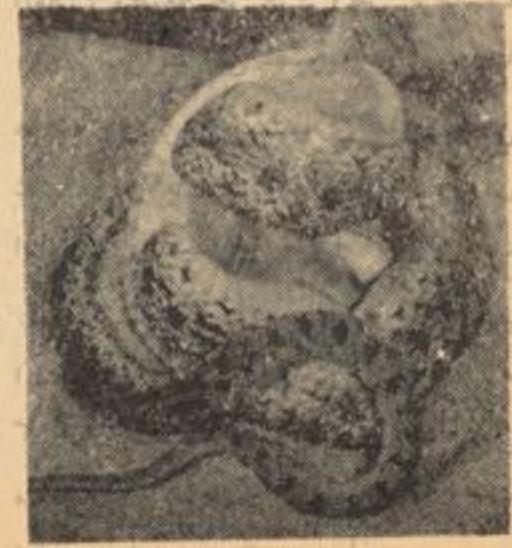


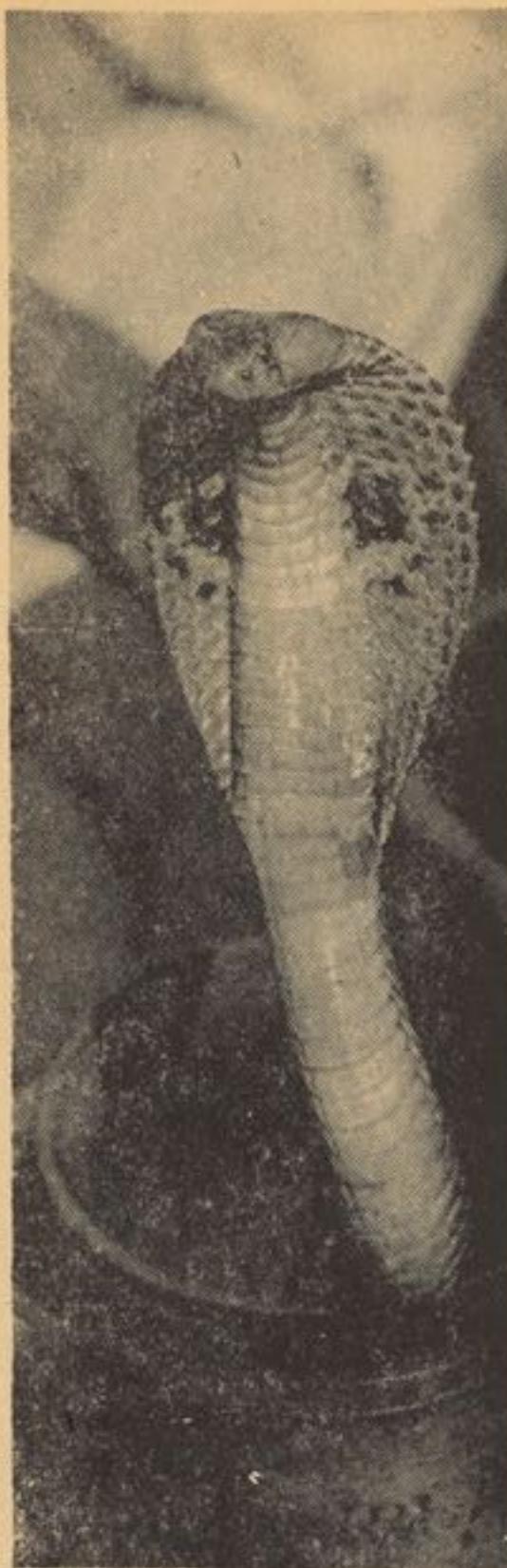
هنجامیکه چوچه های مار از داخل تخم خارج شده اند

## مارها و حیات حیوت آور شان

های مختلف در مختلف زندگی می‌کنند یاد را؟ ممکن است در جواب دادن باین سوالات دچار اشکال گردید و مغشوش شوید اما باید بگوییم که مار باع وحشی ها وایی یک جوره مار ماده برای نمایش نگهداری می‌کردد و وقتی چوچه های مار بدنبال آمد از همان لحظه اول دارای قدرت نیش زدن هستند و مادر شان از تکلیف غذا دادن و غذا جمع کردن خلاص است. گاهی هم واقع شده که مادر اولاد هارانوش جان می‌کند، بعضی مردم گمان می‌برند که مار توسط زبانش نیش می‌زند مگر این عمل سنتواهستند اما جای تعجب آنست که آواز توله را خوش دارند. انواع مار های صدھا قسم است و باقی از دو دندان (یا نیش) مار در قسمت

شاید در مورد مارها بسیار چیزها خوانده و شنیده باشید اما حیات این جانوران خیلی جالب و عجیب است آیا میدانید مارها چوچه میدهند یا تخم می‌گذارند؟ آیا این حیوانات





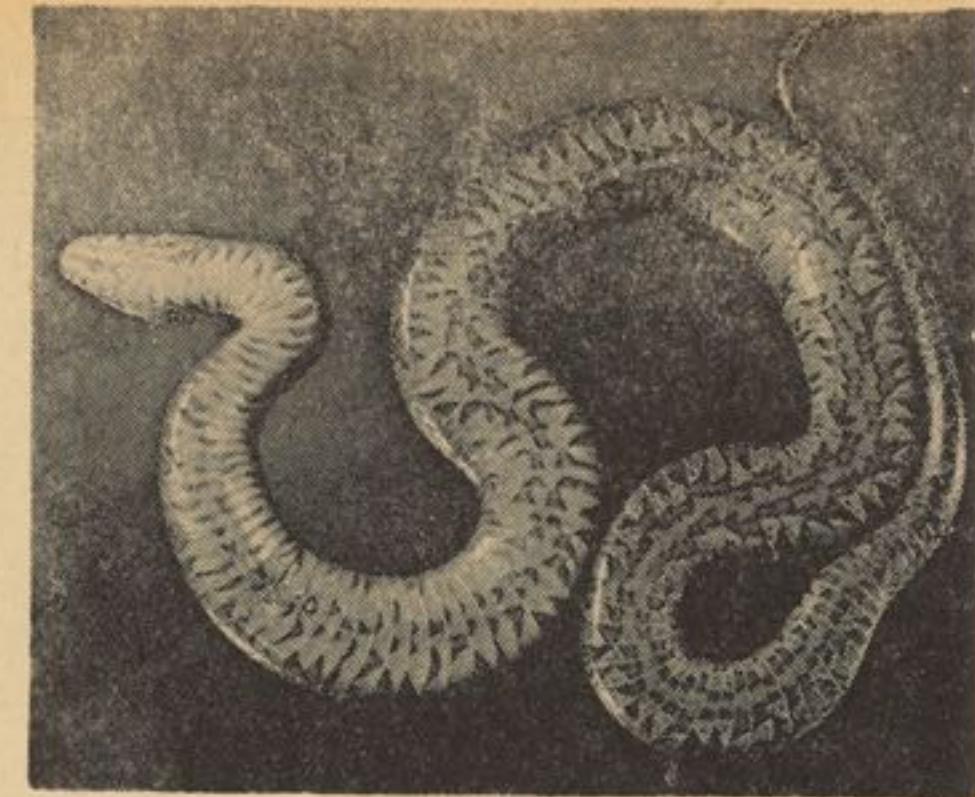
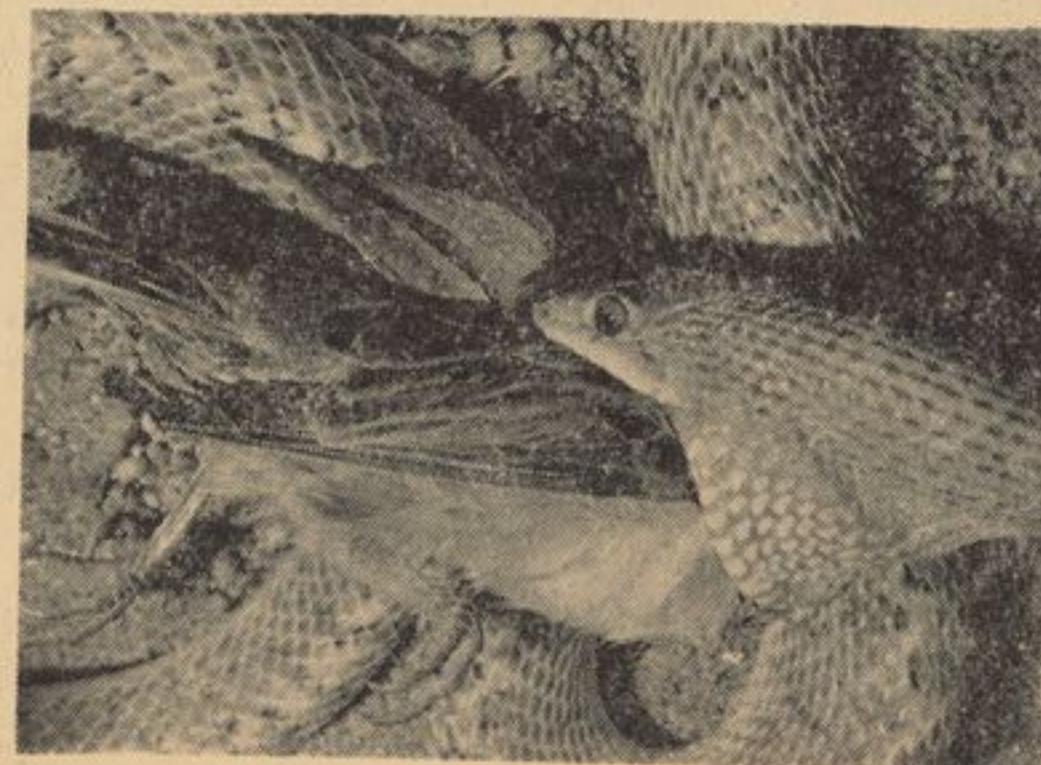
مار کفچه



مارها گرچه دهان ظاهرها کوچک  
دارند مگر برندۀ های کوچک را  
توانند زنده بیلعتند.

است . بعضی شان به شکار حمله  
کرده آنرا نیش میز نند، یک  
تعداد دیگر شان دور شکار می بینند  
تا شکار بمیر دو بعداً آنرا میخورند.  
یک تعداد دیگر به شکار حمله کرده  
و بزود ترین وقت آنرا میبلعند .  
شکار مار از حیوانات کو چکمانند  
موش ، بقه ، خرگوش تا حیوانات  
بزرگمانند خوک ، شیر و آهورا  
درین می گیرد که البته نظر به قدرت  
وجسامت خود مار فرق می کند، مار  
هابجز دودنان از هری (نیش) دیگر  
دننان تدارند و خوردن شان شکل  
بلعیدن را دارد . از ایام زمستان،  
این حیوا نات به خواب عمیق رفت و  
تا اوایل بهار می خوابند. زما نیکه  
هوا دو باره مساعد شد ، مار ها

بیرون آمده و دوران حیات را با  
چوچه دادن و شکار ادامه میدهند  
خواننده های عزیز باید بدانند که  
مارها حیوانات مضر نیستند بلکه  
تنها در موقع احساس خطر و تهدید  
نیش میزند در غیر آن به کسی غرض  
ندارند و با خوردن حیوانات دیگر  
مانند موش های صحراء پی وزمین  
های زراعتی و خوردن چلپاسه ها  
به زارعین کمک زیاد می نمایند و نیز  
در طبایت مدرن استفاده های زیادی  
از زهر مار بعمل آمده است . دریک  
تعداد ممالک مار ها را برای گرفتن  
باک رشته را بریست که به هر جمیت  
ناسانی و سرعت تغییر خورده می  
باشد . طرز شکار مار ها نیز مختلف  
دوای مؤثر است .



در زمستان مارها بخواب عمیق رفته و تا اوایل بهار می خوابند

حیوان بیشتر می شود. قبل از گفتم که  
جسمات مار هافرق می کند بعضاً  
ناطول ۱۰ فوت میرسند و بعضی  
دیگر شان خیلی کوچک است که  
در زیر زمین بسرمیبرند و یگان  
وقت بجا ی کرم زمینی اشتباه می  
شود .

در از ترن مارها در امریکای  
جنوبی و هند و سلطان پیدا می شود  
که طول شان به ۳۰۰ فوت میرسد. مار  
هاگر چه پاندارند اما با حرکات  
معوج خویش بعضاً از انسان ها  
سریعتر راهی بیمایند. چوکات بندی  
وجود مار از استخوان های کوچک  
ونازک تشکیل یافته که تعداد  
استخوان های قبر غله آن به ۳۰۰  
میرسد . بنابر آن وجود مار مانند  
باک رشته را بریست که به هر جمیت  
ناسانی و سرعت تغییر خورده می  
باشد . طرز شکار مار ها نیز مختلف  
دوای مؤثر است .



صغرا و گبرای خنده دار ، قصه (۱) را خدسته دار می سازد و به هیچ صورت آن دختر تن به این عشق نمی دهد مگر اینکه شما بخواهید ، آخر جننه تو لذ فکر شماست و او را اختیاری نیست .

از بر رسمی بعد زبان می گذرد به که هیچ یکدست نیست و لبجه غلیظ محلی جننه هم اینگونه نیست بخوانید . « آخر یدرم و برادرانم امروز بیوه استند و من و هادرم در خانه تسبیم » و گفتش های دیگر را ، در باب داستان ! بخارط بیروزی می گذرد برام برای وقت دیگر . با عرض ارادت . اداره مجله

های خود دارند و با تمام خود داری ها دربرابر چنین امکاناتی ضعیف می شوند . نیاز به محبت جویی ، نیاز به مسکن های جون مواد مغذیه ، مشروب و یافتن همدم و امتنال آن قوی تر و قوی تر از هر وقت دیگر می تواند اثر خود را

تبازد دهد از این رو وجود عشق بین عبد - الرحمن و جننه در چنان شرایط غیر ممکن نیست چه زنان نسبت به مردان در موقع خطر بیشتر احساس پناه گاه می نمایند ... از فیاسن خنده آمد خلق را . پدر برادرش را بر بادیده و آنگاه به استاد و شواهد روان شناسی جنسی طرح عشق با دختر متوفی بربیز (۱) این

کاملا مردو داشت زیرا که این داستان بر ماجرا رعل و اسظر لاب بدانیم ، چنانکه شما دانسته های مختلف تاریخی استوار است ... « سیار اید . نویسنده محترم ادامه می دهد : ... و اما عشق داش ر و اشناس نشان داده که در بعران کوتاه نیست ، چونکه داستان کوتاه نو شسته تاریخی نیست و نوشته یعنی تاریخی داستان های عاطفی ناشی از وحشت های عمومی ، ترس های همگانی و بیقراری های روانی ، کوتاه . جوانان که در معروفیت نفسی و عنده قرار می گیرند ، نیاز شدیدی به تسکین نا راحتی های تاریخی بودیم ، آن نوشته نه مقاله تحقیقی است و نه نوشته تاریخی . نوشته تاریخی نیست بخارط یکه عبدالرحمان و جننه سخنیت

## به امید پیر و زی ۰۰۰

اینست نموده های انسان دوستی و خدمت بدانسان امید آن میرود که با مفتوح شدن روزنه های اسد بروم هموطنان مردم رنج کشیده واژ جمله زنان کشور بیش از پیش از امیازات انسانی مستفید گردند که دوین چیز دولت انقلابی ما سعی و تلاش همه چانه به خرج میدهد و درین راه هر روز گام های بلند و بلند تر برداشته میشود . تا زمان این پروردش دهنده کلان نسل های آینده این موجودات که از بوجود آمدن تاریخ انسانی مشکلات برویم هاو معروفیت های غیر انسانی را تحمل شده اند .

به امید پیروزی ها و پیروزی های هر چه بیشتر زنان .

بدانیم او چگونه شخص است مگر اینکه بمدد

مدیر مسؤول: داحله راسخ خرمی  
معاون: محمد زمان نیکرای  
ادرس: انصاری وات-جووارویاست  
مطابع دولتی- کابل

تلفون مدیر مسؤول: ۲۶۸۴۹  
تلفون توزیع و شکایات ۳۶۸۵۹  
سوچبورد مطابع دولتی ۳۶۸۵۱  
تلفون ارتباطی ژویندون ۲۱

## در راه دفتر مشترک

این ها عناصر و عواملی اند بیانکه مسروط بود ایست ، صوفیا و اخیرا درمه جنری وحدت نسل جوان در برابر دسایس و نیوتن سالگاری در علستگی هرگز فتلند بیانکاران حققت است که نسل بالند جوان کشورها ، نسل پاسدار انقلاب ، به ضرورت امر بیکار و استحکام مواضع ضد امیر بایستی شان ملتات بوده در وجود گردن انقلابی ورزمنده شان در برابر شان فرار دارد و ای درگ میکند که باید متعهد همیست در جبهه جهانی صلح و ترقی اجتماعی رسالت تاریخی خود را تعبد نمایند ایقا نماید ، بیوتد نزدیک وارگانیک میان اردوگاه سوسالیزم در راس اتحاد سوری

جنبش آزاد بخش ملی خلق های آسیا و افریقا و امر بیکاری لاتین و طبقه کارگر در کشور های سرمهایه داری در راه اشای دسایس و توطنه های ارتجاعی و امیر بایستی ایجاد نمایند در اتفاق نستان دست تعیز رادر کشور مقدس مادر از نموده و با آتش زدن و ویرانی هرسان خدمات تعلیمی و اجتماعی کشور در راه برهم زدن شرایط صلح آمیز کشورها عمل نمایند . بیوتد شان را در سازمانهای جوانان جوان نزدیک و شرده تر می نماید .

س ۰۰۰۰۰۰ با درگ این حقیقت که این امیر بایست از جنبش آزاد بخش ملی خلق های آسیا و افریقا و امر بیکاری لاتین و طبقه کارگر در کشور های سرمهایه داری در راه اشای دسایس و توطنه های ارتجاعی و امیر بایستی ایجاد نمایند در جنبش جهانی نسل جوان عده وسیعی از جوانان بادرگ ضرورت وحدت عمل در راه زدن شرایط صلح آمیز کشورها عمل نمایند . بیوتد شان را در سازمانهای جوانان جوان نزدیک و شرده تر می نماید .

س ۰۰۰۰۰۰ سازمان بیش آنک جوانان کشور های امروز باداشتن روابط با پیش از ۱۰۰ سازمان جوانان ویش از ۱۰۰ سازمان محصلی در سراسر جهان عملا در صحته جنبش جهان

جهان و محصلان نقش ورزمنده گز ایفاء می نماید . در بر تو این رابطه در بیوتد نزدیک انتر ناسیو نالیست س ۰۰۰۰۰۰ است که بیوسته این سازمان از کمک های مادی و معنوی سازمانهای برادرانه اول سازمانهای کشور های سوسالیستی خصوصا کمپوند فرمان اتحاد سوری بخارط بپیازی و سعاد - نهندی زندگی نسل جوانان کشور بجهه هند میگردد .

## داستان بی سرو ۰۰۰

کاملا مردو داشت زیرا که این داستان بر ماجرا رعل و اسظر لاب بدانیم ، چنانکه شما دانسته خوب ای برادر ، پس اگر چنین است ، داستان نویسنده محترم ادامه می دهد : ... و اما عشق داش ر و اشناس نشان داده که در بعران کوتاه نیست ، چونکه داستان کوتاه نو شسته تاریخی نیست و نوشته یعنی تاریخی داستان های عاطفی ناشی از وحشت های عمومی ، ترس های همگانی و بیقراری های روانی ، کوتاه . جوانان که در معروفیت نفسی و عنده قرار می گیرند ، نیاز شدیدی به تسکین نا راحتی های تاریخی نیستند . در حالیکه قصه با جیز های سروکار دارد که در تاریخ حتی بزبان نه آیند ، چرا که قصه با طبیعت دارد و نیسان سر و کار دارد ... »

و نویسنده « بخارط بیروزی » می ازاید : « در باره هنری بودن داستان باید بگوییم که گرگتر های داستان هر کدام نهایت تیپ خود تغییر شده اند ، مثلا عبد الرحمن نهایت تیپ جوان روشنگر که نیپست اهانی را شیان اصلی به شمار می رفتند ، او با تهم احساسات و عملکرد هایش نهایت گروهیست که در به بیروزی و ساندن آن نیپست سهم فعال داشتند ». در قصه (۱) نیپست رانی بینیم که در به بیروزی و ساندن آن ، عبدالرحم حمن نقش سازنده داشته باشد ، جز اینکه عبدالرحم بسرای و خوبی در هر خانه بی را می کوبد و تو نه نانی به گذاشی می برد . نویسنده محترم علاوه می نماید « ملا امام مسجد یک مذهبی خوب و فرمیده عالم مول موئر در نزدیکی مردم و دولت بوده و قیفه خود را در قبال حوادث مربوط چنک انجام می - دهد ... از کجا دانستید که ملا امام مسجد آدم فرمیده و خوب است . در قصه (۱) ملا امام حضور جمیس ملموس و روشن نداد . چه رسید به اینکه بدانیم او چگونه شخص است ، مگر اینکه بمدد

## اعلان

به اطلاع تمام هالکین و فروشندهان آثار باستانی رسا نیده میشود تا هر چه زودتر به منتظر نیت و سجل به استیتوت باست نشنا سی هر اجره و کارت سجل اخذ بدارند چه در غیر آن قانون بالای شان تطبیق شده حق شکایت را نخواهند داشت .

اعلان

د یواپن بی مانند کار استاد انه و شهرت جهانی

تماما در ماشینها و دستگاه های بی رقیب ساخت اتحاد جما هیر شوروی که در هفتادو چهار کشور جهان از طریق هوسسه تجار ت خارجی ماشینو اکسپور ت صادر میگردد خلاصه میگردد .  
لیست ماشین آلات : - ماشین حفاری هید را لیکی و درک لا ین، ماشین های دستی نصب و بار ، ماشین های ساختمانی ، دستگاه آسیاب و چفله سازی ، ماشین ولوازم چاه و معادن کنی



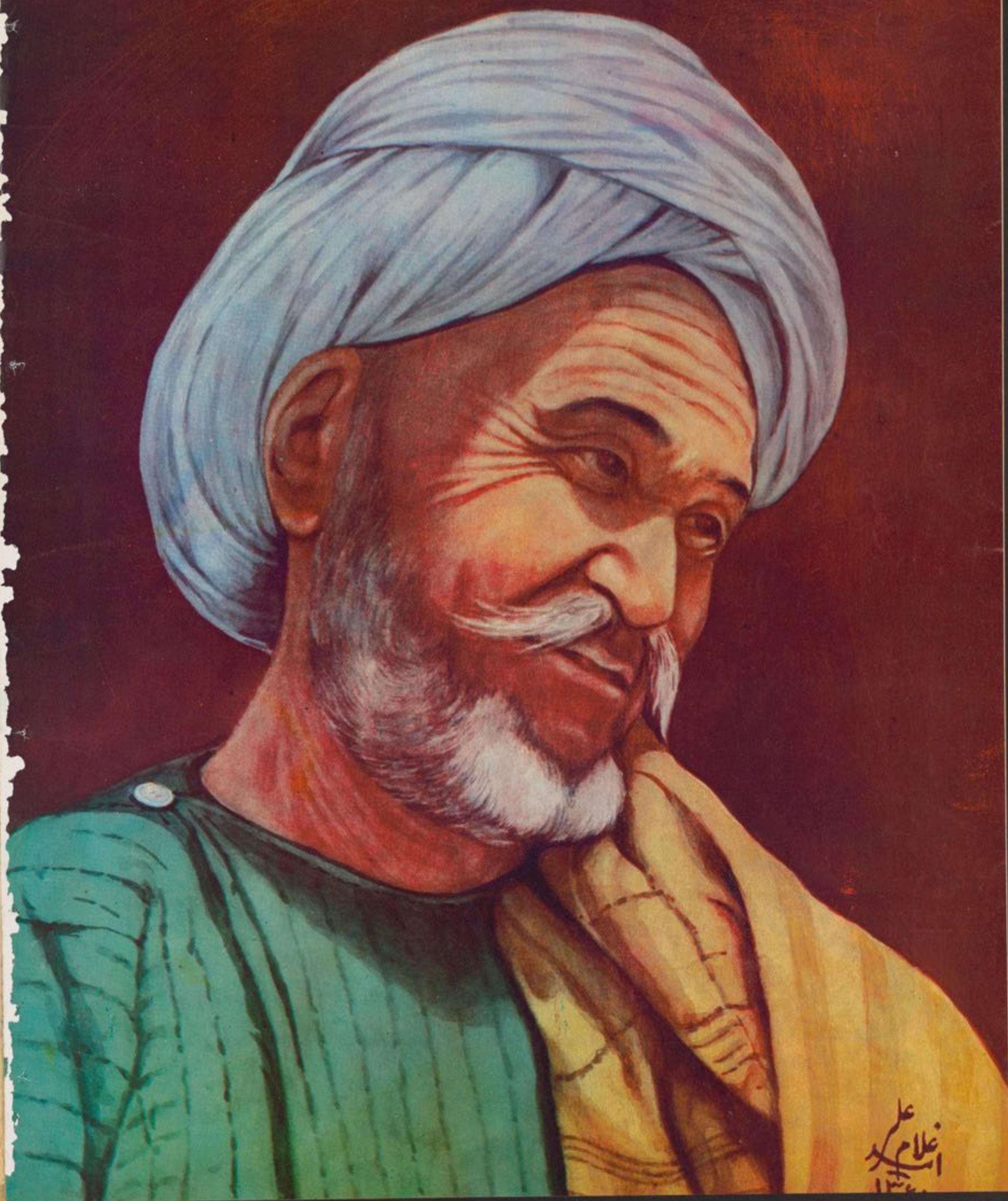
# MACHINOEXPORT

SSR MOSKVA

SSSR MOSKVA



مطابعہ دولتی



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**